درآمدی بر مفهوم فساد

از سلسله کتب
در مسیر پیشرفت
شماره ۱۱

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

بسم الله الرحمن الرحیم

شناختی اجمالی بر مفهوم فساد

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

گردآورنده:

مرکز مطالعات قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

@gharargahmelli

fesadsetiz.ir

شناسنامه

نام اثر: شناختی اجمالی بر مفهوم فساد
گردآورنده: مرکز مطالعات قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی
صفحه آرا: معین الاسوند
تیراژ: محدود
قطع: وزیری
تعداد صفحه: ۱۳۵
نوبت چاپ: چاپ اول - شهریور ماه ۱۴۰۲
سایت: fesadsetiz.ir
شبکه‌های اجتماعی: @gharargahmelli

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

۰۲۱-۶۶۴۰-۸۷۳۰
۰۹۳۸-۹۳۰-۲۳۵۸

هرگونه کپی برداری تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد.

فهرست

مقدمه..... ۶

فصل اول: مفهوم شناسی فساد ۸

اهمیت مسئله ۹

فساد از منظر قرآن کریم ۱۱

تعریف و تحدید فساد ۱۳

عوامل مؤثر در پیدایش فساد..... ۱۶

عوامل مؤثر در سطح کلان..... ۱۷

عوامل مؤثر در سطح متوسط ۲۴

عوامل موثر در سطح خرد..... ۳۰

رهیافت‌های فساد..... ۳۰

مفهوم فساد..... ۳۳

ابعاد فساد..... ۳۴

دسته بندی فساد..... ۴۰

مهم‌ترین نظریات حوزه فساد..... ۴۳

فساد و پیامدهای آن ۴۶

فرهنگ فساد ۴۸

دلایل فساد..... ۵۰

مکاتب کلیدی در مبارزه با مفاسد..... ۵۱

فهرست

فصل دوم: سازمان‌های بین‌المللی مبارزه با فساد ۵۵

سازمان‌های بین المللی و برنامه کاری مبارزه با فساد..... ٥٦

ویژگی‌های مختلف سازمانی سازمان‌های مبارزه با فساد..... ۵۸

نمایه ها و شاخص‌های فساد ٦٢

فصل سوم: مفهوم و ادبیات مبارزه با فساد در ایران ۶۷

مفهوم و ادبیات فساد در ایران..... ٦٨

برخی تمهیدات قانونی مبارزه با فساد در ایران..... ٦٩

فساد در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری ۷۰

گفتار اول : نتایج، فواید و اهمیت مقابله با فساد ۷۰

گفتار دوم: پیامدهای فساد..... ۷۳

گفتار سوم: عوامل فساد ۷۹

گفتار چهارم: راهکارهای مقابله با فساد..... ۸۳

مطالعات صورت گرفته پیرامون ادراک فساد ١٠٤

پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع ادراک فساد در شهر تهران ۱۱۸

پژوهش ادراک فساد: مرحله اول..... ۱۱۸

پژوهش ادراک فساد: مرحله دوم ۱۲۲

روند پژوهی ادراک فساد (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری)..... ۱۲۷

منابع ۱۳۲

مقدمه

"در جوامع امروزی، فساد اقتصادی به یکی از مهمترین چالش‌ها و مسائلی تبدیل شده است که تأثیرات عمیقی بر رشد و توسعه پایدار دارد. این پدیده پیچیده و گسترده، باعث تخریب ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می‌شود و اعتماد عمومی را به خطر می‌اندازد. بنابراین، بررسی و درک صحیح فساد اقتصادی ضروری است تا بتوانیم به سامانه‌های قوی‌تری برای مقابله با آن دست یابیم.

این کتاب، تلاشی صورت گرفته برای شناخت بهتر فساد اقتصادی است. در طول این صفحات، به بررسی مبانی و مفاهیم اساسی فساد اقتصادی خواهیم پرداخت. ما با تعریف دقیق فساد اقتصادی آغاز می‌کنیم و سپس به بررسی علل و عوامل موثر بر ایجاد و گسترش آن می‌پردازیم. همچنین، انواع مختلف فساد اقتصادی را مورد بررسی جامع قرار داده و نمونه‌هایی از هر نوع را بررسی خواهیم کرد.

در این کتاب با استفاده از مطالعات تحلیلی و تجربی، به عنوان یک راهنمای جامع، به خوانندگان ابزارها و روش‌هایی را ارائه دهیم که بتوانند در شناسایی، پیشگیری و مقابله با فساد اقتصادی مؤثر باشند. همچنین، تأکیدمان بر اهمیت ارتقای شفافیت، حکمرانی خوب و تقویت نظام‌های حقوقی و قضایی برای مبارزه با فساد است.

آرزو داریم که این کتاب بتواند به عنوان یک منبع معتبر و مفید در حوزه فساد اقتصادی شناخته شود و به مخاطبان در درک عمیق‌تر این پدیده و ارائه راهکارهای مؤثر برای مقابله با آن کمک کند.

فساد مفهومی بنیادین است، زیرا وجه اجتماعی بسیار قوی ای دارد که قدرت نفوذ در شبکه یا ساختار اجتماعی و سیاسی و فروریزی آن را داراست. علی اکبر دهخدا، در لغت نامه مشهور دهخدا کلمه فساد [ف] را معادل «تباه شدن»، «ضد صلاح»، «به ستم گرفتن مال کسی» و «تباهی» یاد کرده است. محمد معین، صاحب فرهنگ فارسی معین، در فرهنگ فارسی خود، «فساد» را به «تباه شدن»، «نابود شدن»، از بین رفتن»، «متلاشی شدن»، «تباهی»، «خرابی» «نابودی»، «زیان»، «شرارت» و بدکاری»، «ظلم و ستم» معنی کرده است.

فصل اول

مفهوم شناسی فساد

اهمیت مسئله

مهمترین عامل مؤثر بر کارکرد مناسب یک نظام اجتماعی بزرگ، داشتن قواعد مناسب و رعایت آن قواعد از جانب همه می‌باشد. به عبارت دیگر مهمترین عامل در عدم کارکرد یک جامعه نداشتن قواعد مناسب و از آن مهمتر عدم رعایت قواعد از جانب همه است. در بدترین حالت جامعه دچار "آنومی" یا "آشفتگی" می‌شود.

یکی از مهمترین علل این آشفتگی اجتماعی به نوبه خود در آن است که برخی از انسان‌ها بتوانند با ابزاری قواعد را به نفع خودشان یا نزدیکان خود تغییر دهند و یا از شرایط بطور خاص به نفع خوشان استفاده کنند.

تا اینجا باید قاعدتاً اهمیت مسئله روشن شده باشد. اما به منظور آنکه مسئولان کشور نیز اهمیت آن را بهتر درک کنند، لازم است که به تأثیرات و پیامدهای فساد اشاره شود:

فساد پیامدهای مهمی نیز روی بخشهای دیگر جامعه دارد و از آن طریق موجب تخریب جامعه می‌شود:

از بعد اقتصادی در کشورهای درگیر "در بین دانشمندان و دولتمردان اتفاق نظر وجود دارد که فساد سرمایه گذاری را به مسیر غیرمولد و غیر کارکردی هدایت می‌کند، مانع رشد اقتصادی می‌شود و بیش از حد تصور به فقرا ضرر می‌رساند." (Business for Social Responsibility)

آقای تریسمن در کنار این بعد اقتصادی، به پیامدهای فساد در ابعاد دیگر نیز اشاره می‌کند:

- فساد رابطه معنی‌دار بسیار منفی با رشد اقتصادی یک کشور دارد (یعنی در کشورهای توسعه زده فساد بیشتر از کشورهای غربی است) همچنین
- یک رابطه منفی معنی دار بین درصد پروتستانتهای یک کشور و فساد وجود دارد. بدین معنی که هر چه درصد پروتستانتها بیشتر باشد، فساد کمتر است و یا :
- در کشورهای کاتولیک و اسلامی فساد بیشتر است.
- هرچه فساد کمتر ،باشد پایداری یک نظام دموکراتیک بیشتر است و یا برعکس است.

- هرچه یک نظام دموکراتیک پایدارتر باشد، کنترل فساد و کاهش آن میسرتر است. (Treismam, 2000)

لدرمن و همکارانش نیز با بررسی وضعیت تعداد زیادی از کشورها نشان داده اند که:

- بین مدت زمان ثبات دموکراسی (یا طول عمر یک نظام حکومتی) و فساد یک رابطه معنی دار وجود دارد. بدین معنی که کشورهائی که در آنها شاخص فساد پائین است طول مدت زمان دموکراسی (و پایداری نظام حکومتی) آنها بسیار بیشتر می‌باشد.
- در صورتیکه در کشورهائی که در آنها فساد وجود دارد زمان حکومت دموکراسی کوتاه و ناپایدار است (Lederman; Loayza and Soares ۲۰۰۱)

بنابراین ملاحظه می‌شود که ثبات یک حکومت به عدم وجود فساد بستگی دارد و یا به عبارت دیگر فساد یک وسیله مناسب و مهم برای نابودی یک نظام سیاسی است.

آقایان شاوپن شتاینر و بو ماریوس مینویسند که سودجویان به دنبال سود بیشتر ، کارکنان دولت را آلوده و از این طریق نظام ارزشی جامعه را تخریب می‌کنند. سپس فساد همچون بیماری سرطان (متاستاز) در جامعه گسترش می‌یابد و موجب تخریب ارکان آن می‌شود (Schaupensteiner , 1995 & Bommarius)

ریچارد نیلسن استاد بوستن کالج امریکا صحبت از "یک خرده سیستم مبتنی بر تخریب، پارازیت مانند در یک شبکه" می‌کند. به عبارت دیگر فساد در یک شبکه انجام می‌گیرد که کارش تخریب و پیامدش "پارازیت مانند یا "سرطان - مانند" است و به تدریج همه جا را فرا می‌گیرد. زیرا به یک هنجار و فرهنگ تبدیل می‌شود. این فرهنگ و هنجار خود یک مقیاس تولید می‌کند. که دیگران خود را با آن مقایسه می‌کنند و در آن مسیر به مسابقه می‌پردازند تا از هم سبقت بگیرند.

در سطح یک سازمان نیز فساد موجب دلسردی و بی اعتمادی بقیه همکاران می‌شود و خود موجب تکثیر متاستاز مانند و تخریب مجموعه می‌شود.

در قطعنامه لیما آمده است:

- فساد نظام اخلاقی هر جامعه ای را نابود می‌کند.
- حقوق اجتماعی اقتصادی فقیران را بهم می‌ریزد.
- دموکراسی را آسیب پذیر می سازد.
- پایه های دادرسی را به هم می‌ریزد
- مانع رشد می‌شود
- مانع رقابت آزاد می‌شود.
- لذا مبارزه با فساد وظیفه همه اعضاء یک جامعه است. (The Lima Declaration)

همچنین در تحقیقاتی که در مورد فساد در اندونزی در سال ۲۰۰۰ انجام گرفت، آمده است که فساد موجب کاهش رشد اقتصادی، کاهش سرمایه گذاری، افزایش فقر، تهدید نظام اخلاقی و بی ثباتی سیاسی می‌شود (م. ش. ۲۰۰۰ Partnership for Government Reform)

بدین ترتیب "فساد" موجب تخریب کل نظام اجتماعی می‌شود و دشمنان ایران به قدرت و چگونگی کاربرد این حربه به خوبی واقف بوده و هستند و می‌دانند چگونه می‌توان این کشور را با دست خود مردم و مسئولینشان از درون نابود کرد تا آنها بتوانند به منافع خود برسند.

فساد از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم، آیاتی که فساد را بیان می‌نماید، بیشتر به تبیین برخی از مصداق‌های فساد پرداخته و هیچ یک از آیات درصدد حصر معنای فساد نمی‌باشند، به عبارت دیگر این آیات در مقام بیان موارد و مصادیق فساد است و در مقام تفسیر مفهوم آن نمی‌باشد،به عنوان نمونه دو آیه شریفه ذکر می‌شود:

«ربک اعلم بالمفسدین»؛ امام صادق (ع) می‌فرمایند: منظور از فساد در این آیه تبهکاری و نافرمانی خدا و رسول خدا است (یونس : آیه ٤٠)

با توجه به فرمایش امام و معنای جامع فساد که همان خروج از حالت اعتدال و بیرون شدن از مسیر حق است، معلوم می‌شود که به تمام گناهان صغیره و کبیره فساد اطلاق می‌گردد. زیرا

معصیت خروج از اطاعت خداست که ظهور در بایدها و نبایدهای الهی دارد و آدمی با نافرمانی، از اطاعت خداوند متعال و مسیر هدایت منحرف می‌شود.

«و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل والله لا یحب الفساد» (بقره :آیه ۲۰۵)

این آیه مبارکه فساد مبغوض خدای سبحان بوده که مراد از آن فسادهای تشریعیمی‌باشد. یعنی آن فسادی که پدید می‌آید، از ناحیه مخالفت با قانون شرع ناشی می‌شود. مجموعه برنامه‌های تشریعی اسلام برای اصلاح اخلاق و تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان می‌باشد که در اثر عمل به این برنامه‌ها و بایدها و نبایدها، انسان ها و جامعه بشریت حالتی معتدل پیدا می‌کند و هرگونه مخالفت با این برنامه‌های اعلام شده، خروج از حالت اعتدال و بیرون رفتن از مسیر حق خواهد بود و عمل مذکور به عنوان فساد توصیف می‌شود.

فساد که نقیض صلاح است به معنای خروج هر چیزی از حد اعتدال و تعادل است؛ (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۶۳۶ ذیل واژه فسد) زیرا صلاح هر چیزی، همان حالت طبیعی است که بر اساس نظام احسن الهی بر اصول عدالت و اعتدال آفریده شده است.

خروج از اعتدال به دو شکل افراطی و تفریطی صورت می‌گیرد. بنابراین اگر کم یا زیادی در چیزی تحقق یابد و همین افزایش و کاهش، آن چیز را از اصل آفرینش آن بیرون کند، در حقیقت در آن چیز فساد راه یافته است. پس می‌توان گفت هر گونه تغییرات در چیزی که موجب شود تا آن چیز از اصل خود خارج و کاربرد خود را از دست دهد، تغییر فاسدی است؛ چرا که صلاح هر چیزی، همان بقای بر خلقت اصلی و اهداف و کاربردهای آن است. بر این اساس اگر تغییر در خلقت اصلی چیزی موجب دستیابی به کمالی شود و در راستای اهداف آن چیز باشد، تغییر مثبت ارزیابی می‌شود و فساد بر آن اطلاق نمی‌شود .

به سخن دیگر، اگر خروج از اعتدال و تغییر در کمیت و کیفیت هر چیزی موجب نقص و خروج از کمال و اهداف چیزی شود، آن چیز فاسد شده است.

در قرآن اموری چون انحراف در راه خدا (اعراف، آیه ۸۶)، تخریب آبادانی‌های زمین و به هدر دادن امکانات طبیعی آن (اعراف، آیه ۵۶)، نابودی کشاورزی (بقره، آیه ۲۰۵)، خونریزی و کشتار (بقره،

آیه ۳۰)، نسل‌کشی (بقره، آیه ۲۰۵)، ظلم و ستم (اعراف، آیه ۱۰۳)، کفر به خداوند (بقره، آیات ۸ و ۱۲)، شرک و رویگردانی از توحید (آل عمران، آیه ۶۳)، ذلیل کردن عزیزان شهر به هنگام جنگ (نمل، آیه ۳۴)، سرقت (یوسف، آیه ۷۳) جلوگیری از رواج دین توحیدی والهی در جامعه (نحل، آیه ۸۸)، قطع صله‌رحم (محمد، آیه ۲۲) برترجویی و خود بزرگ بینی نژادی (اسراء، آیه ۴)، کم‌فروشی (هود، آیات ۸۴ و ۸۵ و نیز شعراء، آیات ۱۸۱ و ۱۸۳ خروج علیه امام مسلمین، اسراف، ، دزدي، فحشاء، دست اندازي به حقوق دیگران، سحر کردن و فریب دادن مردم ، مصادیق بارز فساد هستند.

در این مصادیق می‌توان امور مختلفی یافت که به حوزه باورها و رفتارها تعلق دارد. این بدان معناست که فساد تنها در حوزه رفتاری مطرح نیست، بلکه کفر و شرک نیز به عنوان مصادیقی از فساد به شمار می‌رود.

اما با نگاهی گذرا به همین مصادیق بیان شده می‌توان این نکته را نیز دریافت که بیشترین مصادیق فساد را می‌توان در حوزه رفتارها و آن هم در حوزه رفتارهای اجتماعی یافت. بر این اساس می‌توان گفت که بیشترین نمود فساد و خروج از مرزهای صلاح و اعتدال و تعادل در امور اجتماعی اتفاق می‌افتد، هر چند که ریشه و خاستگاه آن را می‌بایست در همان حوزه بینش‌ها و نگرش‌ها یعنی امور اعتقادی و باورها جست؛ زیرا نوع تفکر و بینش و نگرش آدمی به خود و خدا و هستی است که رفتارهای او را جهت می‌دهد. از این رو در قرآن اموری چون ایمان به خدا (مائده، آیات ۶۴ و ۶۵)، تفکر درباره آیات الهی و سرگذشت مفسدان (اعراف، آیات ۸۶ و ۱۰۳)، توجه به آخرت (قصص، آیات ۷۷ و ۸۳) توحید (روم، آیات ۴۱ تا ۴۳)، توجه به علم خدا (بقره، آیه ۲۲۰)، خوف از خدا (اعراف، آیات ۵۵ و ۵۶) اطاعت از خدا (مومنون، آیه ۷۱)، تقوای الهی (بقره، آیات ۲۰۵ و ۲۰۶) و عبادت خدا (هود، آیات ۸۴ و ۸۵) به عنوان موانع فساد در انسان بیان شده است.

تعریف و تحدید فساد

مفاهیم علمی باید قبل از استفاده، برای همه نوع از دانشمندان و خوانندگان بطور بین ذهنی (inter subjective) قابل درک باشند. برخی از مفاهیم علوم انسانی و علوم اجتماعی برای همه افراد قابل درک هستند. مثلاً وقتی ما صحبت از جنس، سن و درآمد می‌کنیم، این مفاهیم نیاز به

تعریف ندارند. زیرا بطور ضمنی (implicit) معنی آن روشن است. اما برخی دیگر از مفاهیم نیاز به تعریف دقیق دارند، تا ذهن ها همه یک مطلب را بفهمند. لذا یک واژه علمی باید بطور جداگانه (explicit) تعریف شود. اما این تعریف باید طوری باشد که به درک متقابل کمک کند و نه آنکه آنرا دشوار سازد.

و لذا در تعریف فساد به شرح ذیل میتوان اذعان نمود :

آروینـد (۱۳۸۶ : ۱۹) در خصوص فساد بر این باور است که تاکنون هیچ کس تعریف قانع کننده و فراگیری از فساد به دست نداده است. این واژه در گذشته، معنایی گسترده‌تر از امروز داشت. افلاطون، ارسطو، توسیدید و ماکیاولی، مفهوم فساد را بیشتر به سلامت اخلاقی کل جامعه اطلاق می کردند تا اقدامات فعالیت‌های شخصی. دوگراف و همکاران (۱۳۹۴: ۲۶) نیز بر این باورند که مفهوم فساد مشکل است و تعریف واحد، فراگیر و جهان شمول ندارد و هایدن هایمر عقیده دارد هر تلاشی برای تحلیل مفهوم فساد باید بر این واقعیت تأکید کند که کلمهٔ فساد در زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر، معانی و دلالت‌های بسیار متفاوتی دارد.

آروینـد در دومین فصل از کتاب اقتصاد سیاسی فساد (۱۳۸۶) زمانی که به بحث از تعاریف فساد می‌رسد، از دو رهیافت کلاسیک و نوکلاسیک سخن می‌گوید. او در دایره رهیافت کلاسیک، از تعاریف رفتار محور سخن می‌گوید و تعریف «نای» را از معروف ترین تعاریف برای فساد در این رهیافت نخست قلمداد کند و فساد را انحراف از وظایف رسمی مربوط به یک منصب عمومی به منظور کسب منافع مادی و غیر مادی شخصی (برای خود، برای خانوادهٔ خود یا گروه متعلق به خود) و یا نقض قوانین و اعمال انواع ویژه ای از نفوذ شخصی او می‌داند.

او سپس با انتقاد از تعاریف رفتار محور به دلیل انعطاف ناپذیری از رهیافت نوکلاسیک سخن می‌گوید و با اشاره به تعریفی از تارکوسکی، فساد را هر گونه فعالیتی تلقی می کنـد کـه انگیزه انجام دادن آن کسب منافع است و در نتیجه آن، قواعد و قوانین توزیع از سوی فردی که وظیفه اجرای آنها را بر عهده دارد، نقض می‌شود. قواعد مربوط به توزیع، نه تنها به قوانین رسمی اشاره دارد بلکه ناظر به هنجارهای پذیرفته شده از سوی جامعه و هنجارهای رسمی و اصول عملیاتی

نظام است. فساد از این منظر، شامل آن فعالیت‌هایی است که جامعه آنها را نامشروع و نخبگان صاحب قدرت، متعارض با منطق نظام می‌دانند.

این دو تعریف، مناطق آروینـد در بیان دو رهیافت کلاسیک و نوکلاسیک را نشان می‌دهد. او عقیده دارد عدم انعطاف رهیافت اول موجب می‌گردد تا تعاریف آن از فساد، همه جا و همیشه مناسب نباشد و مرزهای معینی نداشته باشد و اقداماتی را که شهروندان فساد می دانند در بر نگیرد؛ اما در تعاریف نوکلاسیک، فساد، شکل عمیق تری در حوزه سیاست به خود می گیرد و گریبانگیر فرایندهای گسترده‌تری می‌شود که از طریق آن‌ها، اجماع شکل می گیرد و نفوذ و اقتدار اعمال می‌شود (آروینـد، ۱۳۸۶ : ۴۰).

پل هیود نیز عقیده دارد که باید به سمت تعاریف دارای صبغه سیاسی از فساد رفت، هر چند به گفته او، ارائه تعریفی تعمیم پذیر و غیر متناقض از فساد سیاسی ممکن نیست. نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه شود اینکه در تعریف یاد شده از فساد، عنصر دولت و تعارض‌های میان دو حوزهٔ عمومی و خصوصی مد نظر قرار می‌گیرد.

العطاس فساد را ارجحیت منافع خصوصی بر منافع عمومی می داند که شامل نقض هنجاری وظیفه و رفاه است که با اختفا، خیانت، فریب و بی اعتنایی سنگدلانه و در مورد انواع پیامدهای وارده بر عموم همراه است. او از دولتی که در آن فساد، رایج است با عنوان دزدسالاری یاد می‌کند و آن را واژه‌ای می‌داند که برای توصیف دولت‌های فاسد در افریقا و امریکای لاتین استفاده می‌شد. العطاس، دزدسالاران اصلی را کارمندان دولتی متوسط یا رده پایین نمی‌داند که برای امرار معاش، اخاذی یا رشوه خواری می کنند، بلکه آنها را سیاستمداران و بوروکراتهای رده بالا می‌داند که در فعالیتهای مفسدانه به منزله ابزاری برای انباشت سرمایه مشارکت دارند (العطاس، ۱۳۹۵: ۶-۵).

یاهونگ و لاونا (۱۳۹۶ : ۴) بر این باورند که میان فساد اداری و فساد سیاسی و تعریف دولت در بخش عمومی باید تفکیک قائل شد. فساد اداری یا بوروکراتیک به وضعیتی باز می گردد که در آن، مقام‌های اداری و کارمندان، از پست دولتی خود برای کسب منافع مالی استفاده می‌کنند. فساد سیاسی یعنی استفاده سیاستمداران از پست دولتی برای کسب قدرت سیاسی و به صورت

طرفداری و اولویت دادن به سازمان‌های خصوصی برای کسب بودجه‌های لازم انتخاباتی و خرید حمایت سیاسی. تصرف دولت به معنای اقدام افراد، گروه ها یا بنگاه‌ها در دو بخش عمومی و خصوصی به منظور تأثیرگذاری بر شکل‌گیری قوانین، مقررات، احکام رسمی و سایر سیاست‌های دولت به گونه‌ای است که در راستای منافعشان باشد.

کنوانسیونی در سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد به موجب قطعنامه شماره ٥٨/٤ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید و در تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۰۳ در کنفرانسی به همین منظور در شهر مریدا در مکزیک برای امضا آماده شد. در مقدمه این کنوانسیون از ابراز نگرانی کشورهای عضو این کنوانسیون از وخامت، مشکلات و تهدیدات ناشی از فساد نسبت به ثبات و امنیت جوامع که به سنت‌ها و ارزش‌های دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت لطمه‌ای می‌زند و توسعه پایدار و حاکمیت قانون را به خطر می‌اندازد و از ابراز نگرانی اعضا نسبت به ارتباط میان فساد و سایر اشکال جرم به ویژه جرایم سازمان یافته و جرایم اقتصادی از جمله پول‌شویی و اعتقاد به اینکه فساد، دیگر یک موضوع داخلی نیست بلکه پدیده ای فراملی است که بر تمامی جوامع و اقتصادها تأثیر میگذارد و اینکه نگرشی جامع و چند زمینه ای برای پیشگیری از فساد و مبارزه با آن به نحوی مؤثر، ضروری است و اعتقاد به اینکه کسب غیر قانونی ثروت فردی به ویژه می‌تواند به نهادهای مردم سالار، اقتصادهای ملی و حاکمیت قانون، ضربه بزند و این موضوع که پیشگیری و ریشه کنی فساد، مسئولیت تمام کشورهاست و آنها باید با یکدیگر و با حمایت و دخالت افراد و گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل جامعه مدنی، سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های جامعه مدار همکاری کنند، سخن گفته شده است .

عوامل مؤثر در پیدایش فساد

عوامل مؤثر در پیدایش فساد را می‌توان در سطوح مختلف - خرد تا کلان - جستجو کرد. در یک مطالعه عمیق علمی ایجاب می‌کند که ابتدا بررسی از سطح کلان آغاز و به تدریج به سطح خرد و علتهای جزئی مشخصتر معطوف شود.

عوامل مؤثر در سطح کلان

تئوری‌های کلان کمک کنند تا علل پیدایش یک پدیدهٔ مورد تبیین در قالب و چهارچوب وسیع تر جستجو شوند. در این قالب وسیع، طبعاً دلیل دقیق یک نوع فساد مشخص ارائه نمی شود، بلکه زمینه‌های عمیقتر آن نشان داده می‌شوند.

فساد از خانواده "آنومی" آشفتگی اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین از بین تئوریهائی که در سطح کلانتر می‌توانند به تبیین فساد کمک کنند، تئوری امیل دورکهایم و روبرت مرتون می‌باشند که هر دو وجوه اشتراکی با هم دارند. هر دو این تئوریها بر پایه: ۱ - تولید نیاز و ۲- عدم ارضاء نیاز بنا شده اند که موجب نارضایتی افراد و تمایل آنها به کارهای خلاف، مثلاً گرفتن رشوه و امثال آن می‌شود.

نظرات دورکهایم را می‌توان بطور فشرده چنین بیان کرد:

- بحرانهای اقتصادی و یا رشد سریع اقتصادی باعث دستیابی عده ای به یک ثروت ناگهانی می‌شود.
- دستیابی به ثروت یک عده در واقع به قیمت فقر عده زیاد دیگر در جامعه است.
- فقرا با مشاهده وضعیت خوب ثروتمندان احساس نیاز بیشتر می‌کنند و در آنها آرزوهائی بوجود می‌آید که قبل از آن نداشته اند.
- بدین ترتیب فقر برای آنها غیر قابل تحمل می‌شود.
- از آنجا که در این فرایند همزمان نظام ارزشی و هنجاری سنتی و معمول به سرعت دگرگون می‌شوند، توجیهات معمول که موجب رضایت از وضعیت موجود و تحمل آن می‌شوند قدرت تاثیر گذاری خود را از دست می‌دهند. لذا در پی مشاهده فقر خود و ثروت دیگران تعادل افراد به هم می‌خورد و پذیرش این وضعیت برایشان دشوار می‌شود.
- بدین ترتیب آنها از وضعیت موجود ناراضی می‌شوند و
- به کارهای خلاف روی می‌آورند (Durkheim, 1951 : 241ff).

بدین ترتیب از نظر دور که هایم عنصر اصلی پیدایش این فرایند مشاهده ثروت زیاد و فقر زیاد در کنار یکدیگر در یک جامعه است.

مرتون نظریه دورکهایم را عملیاتی و اجرائیتر کرده است . هسته اصلی فکر مرتون در این است که او مسئله آنومی را در:

- بهم خوردن رابطه بین اهداف از یک طرف و
- وسائل مشروع برای دستیابی به این اهداف از طرف دیگر

می‌بیند به عبارت دیگر از نظر مرتون انحراف در پی تفاوت بین:

- انگیزه های اصلی (ارزشها و نیازهای) منبعث از فرهنگ و
- امکانات تحقق این انگیزه‌ها

بوجود می آید.

به بیان ساده جامعه و فرهنگ در انسان‌ها تولید انواع ارزشها و نیازها را می‌کنند (مثلاً با تبلیغات و یا با مشاهده وضعیت خانواده های ثروتمند و امکاناتی که آنها در اختیار دارند) حال وقتی امکان دستیابی به این اهداف محدود یا مسدود شود، افراد بیراهه می‌روند و کوشش می‌کنند که از راه‌های غیر مشروع به اهداف و آرزوها و نیازهای (تولید شده در) خود دستیابند.

در یک جامعه پایدار یک تعادل بین اهداف اجتماعی- فرهنگی و راههای پذیرفته شده از عامة مردم برای دستیابی به آنها وجود دارد آنومی وقتی شروع می‌شود که این رابطهٔ سوی متعادل بهم بخورد.

مرتون می‌گوید: "وقتی بین اهداف فرهنگی (مانند موفقیت، ثروت) و وسائل تشکیلاتی جهت دستیابی به این اهداف (مانند تحصیلات، دوستان متنفذ...) یک عدم تناسب وجود داشته باشد، در آنصورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار گرفته اند، احتمالاً بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت.

بطور خلاصه:

اگر نیازها > امکان ارضاء نیاز ← انحراف

از آنجا که هسته اصلی تمام این نارضایتی‌ها، پیدایش نیازها می‌باشد، این فرایند در کارهای بعدی دانشمندان ظریفتر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفته است.

در این فرایند پیدایش نیازها چند متغیر دیگر باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- وجود فقیر و ثروتمند و یا نابرابری برای بهم خوردن نظام یک جامعه کافی نیست. مهم آنست که آیا افراد فقیر جامعه می‌توانند وضعیت خوب ثروتمندان را مشاهده نمایند یا خیر. بنابراین مشاهده ثروت در کنار وجود فقر عامل مؤثر دیگر است. وقتی انحرافات در جامعه روی دهند و مثلاً دزدی و یا قتل افزایش یابد، بیش از هر کسی قشر بالا مورد تهدید است. لذا به صلاح قشر بالا می بود که وضعیت خوب خود را برای فقرا به نمایش نگذارند و زندگی آنها تفاوت زیادی با بقیه نمی‌داشت؛ شیوه ای که بسیاری از ثروتمندان سنتی ایران داشتند و آنقدر خود را از فقرا متمایز نمی‌کردند. در تحقیقات سال ۱۳۵۹ در روستاهای یزد، تفاوت شیوه زندگی یک کشاورز ثروتمند سنتی یزدی با یک زارع فقیر چندان زیاد نبود، تا حدی که محقق نمی توانست در پوشش ظاهری آنها تفاوت فقر و ثروت را ببیند (م . ش. رفیع پور ۱۳۸۲ ص ۱۰۰).

۲- اما ثروتمندان مانند انسان‌های دیگر زندگیشان در رابطه با دیگران مفهوم پیدا می‌کند آنها به دنبال برتری جوئی و کسب احترام از دیگرانند. در واقع این ثروت و کوشش‌های زیاد برای دستیابی به آن بیشتر به آن علت است که انسانها در رابطه با دیگران می‌خواهند برتری کسب نمایند بنابراین عموماً از نظر یک ثروتمند این یک امر عادی و واضح است که باید ثروتش را برای دیگران به نمایش بگذارد.

در کنار این مسئله، در عین حال بیشتر ثروتمندان همچنین به علت رفاه بیشتر به ابزار رفاهی دست می یازند که این وسائل برای بقیه قابل مشاهده خواهد بود.

۳- اساساً نظام سرمایه داری برای بکار انداختن چرخ‌های تولید و فروش محصولات خود باید در مردم نیاز تولید کند و این تولید نیاز از طریق نمایش ثروت است؛ فرایندی که آقای دوزنبری (Duesenbarry) آنرا تأثیر نمایش (Demonstration effect) می‌نامد. این نمایش امروز علاوه بر قشر بالا از طرق دیگر نظیر تبلیغات و یا مشاهدات تلویزیون و ماهواره نیز انجام می‌گیرد و فرایند تولید نیازها را تشدید می‌کند.

٤- با مشاهده ثروت و وضعیت مطلوب زندگی یک ثروتمند، نباید الزاماً نارضایتی در افراد مشاهده کننده بوجود آید شرط این تحت تاثیر قرار گرفتن، مقایسه خود با وضعیت دیگران است و این شناخت مهم علمی را ما مدیون دانشمندانی چون استوفر (Stoufer) و مخصوصاً آقای لئون فستینگر (Festinger) هستیم. آنها بودند که نشان دادند که انسانها خود را فقط به عده خاصی مقایسه می کنند و نه با همه. به عبارت دیگر یک فقیر معمولاً خود را با یک ثروتمند مقایسه نمی‌کند، بلکه با افرادی که تقریباً مشابه وضعیت او یا کمی بهتر را دارند؛ یعنی آنچه که آقای فستینگر" similar" می‌نامد. به همین علت نیز مرتون فرایند آنومی را معطوف به قشری می‌کند که افراد در آن، خود را با دیگران مقایسه می‌کنند.

٥- بنابراین مسئله انحرافات تنها از نابرابری و وجود فقیر و ثروتمند در جامعه سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از آنجا برمی‌خیزد که بین قشر ثروتمند و قشر فقیر، قشرهای متوسط و میانی دیگری وجود دارند که فرایند مقایسه را در امتداد قشرهای یک جامعه روان می‌سازند. بدین معنی که افراد قشر متوسط بالا (یعنی بالاترین افراد قشر متوسط) خود را با قشر بالا که نزدیک به وضعیت آنها را دارند و برای آنها قابل وصول و حصول به نظر می‌رسند مقایسه می‌کنند. همینطور شخصی که در قشر پائین بهترین وضعیت را دارد، خود را با پائین‌ترین افراد از قشر متوسط مقایسه می‌کند. از این طریق فرایند مقایسه همه بخش‌ها و قشرها را فرا می‌گیرد و همه جا جاری می‌شود.

٦- بعد از این مقایسه احساس محرومیت نسبی (Relative Deprivation) بوجود می آید م... Runciman ١٩٦٤) افراد احساس می‌کنند که چرا باید فلان شخص این ،وضعیت آن خانه و یا آن ماشین را داشته باشد و من نداشته باشم مگر من چیم کمتره احساس محرومیت نسبی یا احساس بی عدالتی نسبی وقتی در یک شخص بوجود میآید که او خود را با یک شخص دیگر مقایسه نماید.

۷- از اینجا یک نتیجه مهم دیگر گرفته می‌شود و آن اینست که وجود نابرابری واقعی در یک جامعه آن قدر اهمیت ندارد و ثبات و کارکرد آن جامعه را آنقدر تهدید ،کند بلکه مهم آن است که احساس نابرابری در بین مردم چقدر رایج شده است

۸- نکته بعدی مهم آن است که مسئولان یک جامعه به جای کوشش در جهت کاهش نابرابری، تصور می‌کنند که تنها با بهبود وضعیت فقرا رضایت آنها بیشتر جلب می‌شود و آنها کمتر ناراضی و لذا کمتر به کارهای خلاف روی خواهند آورد و جامعه بیشتر به سوی ثبات خواهد رفت. این فرضیه به چندین دلیل غلط و از نظر نیز مردود شده است. ابتدا لازم است مثال بسیار مهم و فراموش نشدنی آقای سولس (Suls) را مجدداً بطور تکراری نقل کنم. او از (Stouffer. et al) نقل می‌کند؛ "سربازان آمریکائی سیاهپوست، مستقر در شمال امریکا، ناراضی تر از سربازان سیاهپوست مستقر در جنوب آمریکا بودند. اما این نکته بسیار باعث تعجب بود. زیرا توهین‌های نژادپرستانه در ایالت‌های جنوبی نسبت به سیاهپوستان بیشتر به نظر می‌رسید و لذا انتظار می‌رفت که سربازان سیاهپوست در جنوب ناراضی تر باشند. اما پس از بررسی نتیجه و علت مسئله قابل درک شد: زیرا گروه مرجع (reference group) سربازان سیاهپوست را هم محله‌های سیاهپوست آنها تشکیل می‌دادند (یعنی سربازان سیاهپوست در محیط زندگی خود، همیشه خود را با هم محله‌های سیاهپوست خود می‌سنجیدند). در شمال امریکا، یک سرباز سیاهپوست خود را نسبت به سیاهپوستان آزاد آنجا خیلی محدود و محصور احساس می‌کرد. اما در جنوب آمریکا، به علت وضعیت زندگانی سخت و تحت فشار سیاهپوستان در آن نقاط سربازان سیاهپوست احساس رضایت می‌نمودند." (Suls,۹۵ :۱۹۸٦).

لا فری و دراس (LaFree & Drass ۱۹۹٦) نیز نشان دادند که بعد از جنگ جهانی (طی سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۹۰) در پی افزایش سطح تحصیلات سیاهپوستان، به این امید که از این طریق میزان انحرافات (دزدی و قتل...) کاهش یابد، نتیجه معکوس بدست آمد. زیرا در این دوره، همزمان نابرابری درآمد نیز افزایش یافت و در پی آن، امکان مقایسه اجتماعی بین سیاهپوستان (intraracial) و احساس محرومیت نسبی بوجود آمد.

(.LaFree & Drass 1996:616, 618, 627, 629).

تئوری‌های فوق برای تبیین فساد بدین ترتیب مفید به نظر می‌رسند که

- وقتی در یک جامعه تعادل اقتصادی به هم بخورد و ناگهان وضعیت برخی بسیار بهتر بشود،
- افراد ببینند که هم ردیف آنها و یا دوستشان که در یک شرکت یا یک وزارتخانه مانند وزارت نفت یا وزارت خارجه کار می‌کند زندگی و امکانات بسیار بهتر دارد، خود را با او مقایسه می‌کنند و
- احساس محرومیت نسبی بدست می‌آورند که مگر" من چیم از اون کمتره؟ آیا خدا را خوش می‌آید که فرزند فلانه با این امکانات باشد و زن و بچه من در این شرایط سخت زندگی کنند؟"
- از آنجا به بعد در او احساس نیاز بوجود می‌آید و او برای بهبود وضعیت خود تلاش می‌کند و
- اگر بر اساس تئوری مرتون راه‌های مشروع مسدود و یا محدود باشند او راه‌های نیمه مشروع (مثلاً انواع کلک‌ها) و بعدها کاملاً نامشروع را می‌پذیرد و آن را توجیه می کند.

گرچه نظریه های مطرح شده در بالا بسیار گویا و تبیین کننده هستند، اما با وصف این هنوز برای تبیین پدیده فساد و انحراف بطور کامل کافی نیستند. نیاز شدید، یا درآمد کم، مقایسه احساس بی‌عدالتی و... به تنهائی انسان را به راه‌های نامشروع کسب پول وا نمی دارد.

به علاوه تا اینجا کم و بیش بطور ضمنی این تصور وجود داشت که این افراد فقیر و متعلق به قشر پائین هستند که به علت احساس نیاز از یک طرف و مسدود و محدود بودن امکانات از طرف دیگر، به فساد (رشوه و امثال آن) روی می‌آورند. در صورتیکه بسیاری از مفاسد کلان از جانب قشر بالای جوامع انجام می‌گیرد. این رفتار فساد قشر بالا نیز مبتنی بر مقایسه و احساس محرومیت نسبی است اما دو عامل دیگر هستند که این مسائل را بهتر تبیین می کنند، هم برای افراد فقیر و هم ثروتمند:

کنترل درونی

زیگموند فروید (Freud , ۱۹۵۳:۹۰۱۷) و دیوید ریزمن (Riesman,1958 :31) اشاره می‌کنند که انسان‌ها دارای یک نوع سیستم کنترل درونی هستند، که مانع انجام کارهای نامشروع می‌شوند. یکی از مهمترین این عوامل پایبندی‌های مذهبی است که اگر در یک جامعه وجود داشته باشد، مانع انحرافات می‌شود. تأثیر این سیستم کنترل درونی قوی‌تر از هر سیستم کنترل دیگر است. لذا عاملی که کارهای نامشروع را در یک جامعه تسهیل می‌کند، تضعیف پایبندی‌های مذهبی و اخلاق مبتنی بر مذهب است. تغییرات سریع اقتصادی و توسعه همواره با تغییر نظام هنجاری و ارزشی جامعه و در رأس آن کاهش پایبندیهای مذهبی همراه بوده است. لذا برای پیشگیری از انحرافات و فساد یا باید اخلاق مذهبی با تمام قوا حفظ شود و یا اخلاق با ابزار دیگری (مثلاً بر اساس درک فایده جمعی) در جامعه پایه ریزی شوند که:

- اولا بسیار دشوار و ناهمگون و خود موجب تضاد خواهد شد. (مثلاً وقتی برخی مذهبی و هیاتی و برخی مدرن و با پیانو ختم بگیرند) و
- ثانیاً با زمان و هزینه بسیار زیاد همراه خواهد بود.

کنترل بیرونی

در هر جامعه سالمی که در آن حتی احتمال فساد وجود ندارد یا کم است و به ظاهر در آنجا نیاز به کنترل بیرونی نمی‌باشد، باید در عین حال یک هشیاری کامل و یک سیستم کنترل بیرونی قوی وجود داشته باشد، تا کسی حتی خیال کار خلاف به سرش نزند. بر اساس تئوری آقای اتکینسون (Atkinson, ١٩٦٤) وقتی یک شخص به یک عمل خلاف - مثلاً گرفتن رشوه - دست می‌زند که:

- ارزش (Value) بدست آوردن آن پول برایش زیاد و
- انتظار (Expectency) دستگیریش کم و انتظار موفقیتش زیاد باشد.
- بر این اساس سیستم کنترل بیرونی باید دارای دو خصوصیت باشد:

- اولاً احتمال کشف کار خلاف، یعنی حضور سیستماتیک نیروهای کنترل کننده باید بسیار زیاد باشد، بطوریکه شخص خاطی بداند که (مثلاً اگر فلان خیابان یک طرفه را خلاف آمد) به احتمال بسیار زیاد، مجازات خواهد شد.
- ثانیاً میزان مجازات برای یک کار خلاف باید بسیار سنگین باشد، تا برای شخص خاطی بسیار پرهزینه و پرضرر تلقی شود و از نظر او دست زدن به آن کار به هیچوجه مقرون به صرفه نباشد.

آقای ویزه به نقل از بکر (Gary Becker مجازات را به مالیات بنزین تشبیه می‌کند که هرچه بیشتر باشد، مصرف بنزین پائین می‌آید. مجازات نیز در بین خاطیان ایجاد ترس و مانع می کند. لذا:

- هرچه که احتمال کنترل و کشف رفتار انحرافی بیشتر باشد،
- هرچه که مجازاتها بیشتر باشند،
- احتمال کار انحرافی کاهش می‌یابد (Wise ۷۳ :۱۹۹٤)

عوامل مؤثر در سطح متوسط

با توجه به اینکه فساد خطر بزرگی برای جوامع محسوب می‌شود و آنرا از درون می‌پوساند نابود می‌سازد، دانشمندان مختلف به بررسی عمیقتر آن در سطوح متوسط و خرد نیز پرداخته، ابعاد علل و عواقب آن را مورد کنکاش دقیقتر قرار داده اند.

لویتدکه و شوایتزر به منظور بررسی "فساد" (Corruption) ابتدا آن را اینطور تعریف می‌کنند:

- "یک معامله در مورد یک کالای با ارزش ما بین حداقل دو نفر
- با هدف فردی کسب بیشترین فایده، که در آن، اقلا یکی از طرفین، در تضاد بین
- پیروی از هنجارها و قواعد عام، یعنی هنجارهای در برگیرنده منافع عام (منافع اکثریت اعضاء جامعه مثلا عمل به وظائف و خدمتگزاری به مردم و ارباب رجوع) و

- هنجارهای شخصی خاص و جزئی (که در برگیرنده منافع شخص خود است، مثلاً کسب درآمد یا امتیاز برای خود یا اقوام) قرار می‌گیرد و
- نهایتاً در جهت هنجار خاص یعنی منافع شخصی خود تصمیم می‌گیرد.

این در شرایطی است که طرفین از محیط اجتماعی خود - در صورت کشف این رابطهٔ فساد - انتظار مجازات‌هائی را دارند که آنها را در جهت هنجارهای عام موظف می‌سازد."

(Luedtke/Schweitzer, 1993 :468)

لویتدکه و شوایتزر، بر اساس یک تحقیق "آزمایش - مانند" نشان میدهند که انسان‌ها

- بر اساس تئوری گزینش عقلانی،
- تحت شرایطی که فردگرائی و نفع فردی گسترش یابد به فساد متمایل می‌شوند و
- در شرایطی که جمع گرائی حاکم ،شود از فساد حذر می‌کنند. اما
- در شرایطی که فرد تحت تأثیر محرک‌های فردگرایانه و محرکهای جمع - گرایانه - هردو - باشد به سوی محرکهای فردگرایانه و نفع شخصی و لذا فساد متمایل می گردد.

لویتدکه و شوایتزر متغیرهای تحقیق خود (یعنی عوامل مؤثر در پیدایش فساد) را در سه بخش جستجو و بررسی می کنند: ۱- اقتصاد ۲- دولت و ۳- سازمان

آنها شخص رشوه دهنده را A و رشوه گیرنده را B می‌نامند و می‌گویند که این دو علائق معکوس دارند.

۱ - در بخش اقتصاد A صاحب کالائی است که B ندارد و همچنین B صاحب کالائی دیگر (پول) است که A ندارد. این دو وارد یک معامله می‌شوند.

۲ - این در شرایطی است که بالاخص کالای مورد نیاز A دولتی باشد. بدین ترتیب دایره عمل در بخش دولت و سیاست قرار می‌گیرد و معامله به عنوان یک فساد نامشهود خواهد بود.

در این فرایند چند عامل این معامله و انجام فساد را تقویت می‌کند:

- میزان نابرابری در جامعه
- اجتماعی شدن (بزرگ شدن) در محیطی که تمایلات قومی و خاصگرا در مقابل تمایلات جمع گرایانه وجود داشته باشد. لذا
- شخص در مورد وظائف دولتی، احساس مسئولیت چندانی نمی‌کند و
- منافع شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می دهد.

۳- در بخش سازمانی نیز چند متغیر این وضعیت را تقویت می‌کنند:

- کمبود کنترل
- نبود مجازات
- پنهان کاری و شفاف و بازنبودن فعالیت کنشگران

در پی این عوامل فساد نامشهود به تدریج به فساد علنی تبدیل می‌شود و بخشهای جامعه را فرا می‌گیرد (Luedtke/Schweitzer, ٤٧١ :١٩٩٣)

از نظرات آقایان لویتد که و شوایتزر چند نکته برای شرایط ایران بیشتر قابل استفاده است که در تئوری‌های قبلی کمتر به آن توجه شده بود:

- گسترش فردگرائی که توسط تمایلات قومی و قومگرائی تقویت می‌شود.
- کاهش احساس مسئولیت در مقابل منافع جمعی وقتی نابرابری وجود داشته باشد.

به متغیر فردگرائی افراد دیگر هم اشاره داشته‌اند. از جمله آقای ویزه که معتقد است: وقتی فردگرائی حاکم شود افراد در پی رفتار عقلانی، در پی افزایش نفع شخصی خود برخواهند آمد. (Wiese ١٩٩٤ :٧٣)

خانم روزآکرمن بیشتر به عوامل مؤثر اقتصادی بر فساد می‌پردازد و معتقد است که:

- سرمایه گذاری زیر بنائی افراطی دولتی،

- سرمایه گذاری دولتی غیر مولد،
- عدم بهره برداری از سرمایه گذاری گذشته،
- افزایش فقر در کشور و
- امتیازات بیشتر کنشگران اقتصادی بی وجدان

موجب پیدایش فساد می‌شود.

وقتی این سیاست اقتصادی (سرمایه گذاری افراطی و غیر مولد) نتیجه ندهد، سیاستمداران معمولاً نمی‌خواهند باور کنند که سیاستشان غلط بوده است و به دنبال عوامل ترمیمی برمی‌آیند که معمولترین آن استقراض خارجی است.

اتفاقاً خانم روز آکرمن وامهای خارجی را یکی از علل پیدایش فساد در جوامع می‌داند. وی می‌نویسد که:

- کشورها به سازمان‌های وام دهنده از نظر مالی وابسته می‌شوند و
- تحت نفوذ و تأثیرگذاری آنها در می‌آیند. از آن طریق:
- سازمانهای وام دهنده نظرات خود را به کشورهای زیر نفوذ تحمیل می‌کنند
- یکی از مهمترین روش‌ها جهت دادن به سیاست داخلی کشورهای وام گیرنده خواهد بود.

بعد از این اتفاقات و شکست چنین برنامه‌های اقتصادی به قول روز اکر من این خطر بوجود می‌آید که یک "تفسیر مثبت از فساد به عنوان نشانه رشد اقتصادی" شود.

- روز اکرمن از دیگر عوامل مؤثر بر پیدایش فساد
- اقتصاد غیر تولیدی رانت خواری را می‌داند که
- موجب کاهش کارآمدی سیاست‌های صنعتی و

- تشویق تجارت غیررسمی و
- تهدید قوانین مالیاتی و مقررات‌ها و در نهایت
- کاهش مشروعیت حکومت

می شود. (Rose- Acerman,1999)

آقای استرک (, Streck ۱۹۹۵) در مقاله خود تحت عنوان "دادن و گرفتن" بر این نظر است که فساد به طور حساب شده از جانب سرمایه داران و قدرتمندان اقتصادی در یک جامعه آغاز می‌گردد. آنها در پی نفع هرچه بیشتر خود هستند و کوشش دارند از طرق مختلف غیرقانونی به مواهب بیشتر دستیابند. او روش کار اینگونه افراد را مبتنی بر چند قانونمندی می‌داند که در این زمینه از دانشمندان مختلف نقل می‌کند: و برای بحث ما حائز اهمیت به نظر می‌رسد.

مارسل ماوس می‌گوید: چیزی که به عنوان هدیه داده می‌شود در درون خود دارای نیروئی است که هدیه متقابل را اجبار می‌کند. چیزی که مالینوسکی در قبیله تروبیاند مشاهده کرد و آنرا "تلافی کردن متقابل" (Revanche) می‌نامد.

استرک این رفتار را "رابطه متقابل" (reciprocity) می‌نامد. بدین معنی که "دادن" شخص A به B تمایل به "پس دادن" شخص B به A را در پی دارد استرک فساد را در نظام سرمایه داری، سیستمی می‌نامد که در آن مردان بزرگ "big men" شروع به "دادن" می‌کنند و در نتیجه یک رابطه متقابل عمودی (vertical reciprocity) بوجود می‌آورند. بدین معنی که سرمایه داران سودجو (A) بر اساس قانون مندی فوق، در سیستم دولتی با افرادی (B) که کار سرمایه داران بدست آنها انجام می‌شود، چنین رابطه ای را بوجود می‌آورند: ابتدا به آنها هدیه‌هائی می‌دهند و در نتیجه شخص B این اجبار را احساس می‌کند که باید این عمل شخص A را به گونه ای متقابلاً "تلافی" نماید. لذا شخص A خارج از نوبت و قواعد معمول از مواهب بهره‌مند می‌گردد. در نتیجه این رابطه متقابل توزیع مواهب دیگر بطور عادلانه بین همه اعضاء جامعه انجام نمی‌گیرد و نابرابری در جامعه تشدید می‌گردد.

استرک با استفاده از نظرات آقای بوسوین، این‌گونه انسانها را "homo manipulator" (انسان دستکاری کننده) یا انسان تطمیع کننده می نامد.

در این فرایند به تدریج یک (به اصطلاح) "بوجود می‌آید که در آن افراد مواهب اجتماعی (پست‌ها، منافع...) را فقط در اختیار اشخاص نزدیک به خود (اقوام هم حزب....) می‌گذارند و موفقیت و دستیابی به مواهب و اهداف، تابع به اصطلاح "ویتامین پ "(یعنی داشتن پارتی) است (م.ش .Streck,۵-۱۹۹۵:۱) اما این رفتار، بر اساس نظر استرک، مغایر مسیحیت است (Streck,۱۹۹۵:۵)

جانستون نیز تأکید می‌کند که کنترل بیش از حد شهروندان باعث کاهش اعتماد آنها و افزایش فساد می‌شود (Johnston, ۲۰۰۰) در تحقیقاتی که در اندونزی انجام گرفت، یکی از علل فساد را در همین نکته یعنی قوانین بیش از حد زیاد و پیچیده کنترل دیده اند که در واقع به معنی عدم کنترل عمل می‌کنند و در نتیجه در لوای قوانین پیچیده، یک کارمند متخصص هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد در همان بررسی به عوامل دیگری نیز اشاره شده است

- سیستم قانون گذاری معیوب
- سیستم قضائی معیوب،
- مخلوط کردن وظائف رسمی با شخصی،
- عدم حسابرسی دولت،
- حقوق کم کارکنان،
- عدم آگاهی مردم،

و مهمترین بخش‌های آسیب پذیر را: سیستم قضائی، پلیس، مجلس، هیأت دولت، سازمانها (دیوان سالاری) دارائی، گمرک و ارتش دیده اند (Partnership for Government Reform, 2000)

عوامل موثر در سطح خرد

در سطح خرد نیز عواملی در پیدایش فساد مؤثرند که تقریباً مشابه عوامل در سطح متوسط می باشند. اما از آن میان چند عامل بیشتر قابل توجه اند که سانگیتا به آن اشاره کرده است:

۱ - هرچه اندازه یک سازمان بزرگتر باشد، احتمال فساد افزایش می‌یابد زیرا احتمال کنترل و نظارت کاهش می‌یابد

۲ - هرچه یک مدیر آرام و بی‌جنب و جوش‌تر باشد احتمال فساد در سازمان او بیشتر میشود. مدیرانی که مسن، "بی‌بخار" و نگران فشار خونشان هستند، "آسه میرن آسه میان..." کارکنان سازمانشان آنها را جدی نمی‌گیرند و بیشتر "خود رأی" با آزادی عمل بیشتر عمل کنند و لذا در صورت لزوم به سوی فساد کشیده می‌شوند. اما مدیرانی که اشراف و نظارت کامل بر روی سازمان خود دارند مرتباً با کارکنان ارتباط دارند به همه چیز توجه می‌کنند و پویا هستند احتمال فساد در سازمانشان کمتر می‌شود. (Sangita ۲۰۰۳ ,.م. تذکر در منابع)

رهیافت‌های فساد

برخی دیگر از نویسندگان در کنار پرداختن به مفهوم شناسی فساد و ارائه تعاریفی از آن، رهیافت‌های چندگانه ای در بیان دلایل وقوع فساد مطرح کرده اند. از این رهگذر، دوگراف و همکاران (۱۳۹۴) با طرح بحث‌هایی از ماکس وبر، ریگز، رزا - اکرمن، هوجس، لومان، جانستون و برخی دیگر از محققان کوشیده اند با بیان این رهیافت‌ها، چهره روشن‌تری از فساد و دلایل وقوع آن به تصویر بکشند که از آن جمله میتوان به رهیافت‌های آرمانی وبری، کارکردگرای ساختاری، اقتصاد نهادی، بوم شناختی، چشم اندازهای نظری سیستم، طراحی نهادی نظام‌های سیاسی، پسا اثبات‌گرایی و رهیافت جرم شناختی اشاره کرد.

رهیافت آرمانی: به مباحث و بری می‌پردازد و از فساد به مثابه فقدان عقلانیت خدمات عمومی یاد می‌کنند و آن را مرحله‌ای در مسیر پدرسالاری به سوی اقتدار قانونی- عقلانی می‌دان ند که

با غلبه بوروکراسی حرفه ای از میان خواهد رفت. فساد از این نگاه، رفتاری است که برای کسب منزلت یا امور مالی، از وظایف رسمی یک نقش دولتی، انحراف می‌یابد.

رهیافت کارکرد گرائی : ساختاری مورد بیان این نویسندگان، نظام‌های اداری جدید، نظام‌های سنتی را جابه‌جا می‌کنند، اما به خوبی جایگزین آنها نمی‌شوند و این آمیزهٔ قدیم و جدید که از ویژگی های جوامع انتقالی یا جوامعی است که ریگز آنها را جوامع منشوری می‌خواند (ملک محمدی، ۱۳۸۲) در کارکرد خود، به بروز فساد منجر می‌شود.

رهیافت اقتصاد نهادی: دو گراف و همکاران در بخش دیگری در بیان رهیافت‌های اشاره کننده به علل بروز فساد از رزا - اکرمن (۱۹۹۳) بحث رهیافت اقتصاد نهادی را مطرح می‌کنند. بر این اساس، هر ساختار سازمانی در برابر استثمار شدن از سوی کارکنان بی پروا، آسیب‌پذیر است. این ساختار بوروکراسی است که قدرت یک کنشگر و هزینه‌های مورد انتظار پذیرش رشوه [یا در نگاهی کلی تر فساد] را معین می‌کند. فساد از این منظر، در جایی بروز می‌کند که ثروت شخصی و قدرت دولتی تداخل دارند.

رهیافت بوم شناختی: دوگراف و همکاران در بیان رهیافت بوم شناختی از زبان هو جس، فساد را در ارتباط با نوعی درک محیطی می‌دانند (دوگراف و همکاران ،۱۳۹۴). به بیان دیگر در اینجا زمینه یا بافت (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) است که اهمیت بسیاری می‌یابد.

رهیافت چشم اندازهای نظری سیستم: از نگاه نیکلاس لومان، جامعه را دارای نظام‌های مختلفی می‌داند و فساد در نتیجه هم پوشانی این نظام‌ها به وجود می‌آید؛ مثلاً زمانی که ارزش‌هایی از نظام اقتصادی در نظام سیاسی رخنه می‌کند، به سوء استفاده از منطق نظام دیگر منجر می‌شود.

رهیافت طراحی نهادی نظام‌های سیاسی: دوگراف و همکاران در بحث از رهیافت طراحی نهادی نظام‌های سیاسی به این نکته اشاره دارند که نهادها موجب شکل‌گیری رفتارها می‌شوند و لذا برخی از نظام‌های سیاسی، مستعد فساد هستند (دوگراف و همکاران، ۱۳۹۴). در اینجا بر رابطه میان نهادهای سیاسی و تنظیمات حاکمیت سیاسی و فساد تأکید شده است.

رهیافت پسا اثبات گرایی: از زبان جانستون (۱۹۹۶) این رهیافت به بحث از چگونه ساخته شدن فساد از نگاهی اجتماعی می‌پردازد. از این منظر، فساد در چهره نوعی روابط اجتماعی ظاهر می‌شود. در اینجا تأکید، بر نوعی ساختارگرایی اجتماعی است. فساد از این نگاه در معنای سوء استفاده براساس معیارهای قانونی یا اجتماعی سازنده نظم عمومی جامعه از نقش یا شغل یا منبعی عمومی برای مصلحت شخصی است.

رهیافت جرم شناختی : رهیافت جرم شناختی ، فساد را شکلی از جرم می پندارد و آن را نوعی پدیده مجرمانه می بیند.

مفهوم فساد

برای درک هر پدیده ای، توجه به فهمی که در یک اجتماع یا گروه اجتماعی و یا یک بدنه فکری از آن شکل گرفته ضروری است. به این معنا ذهن از موضوع شناخت به سمت مفهوم یا آن فهم عامی که از موضوع شکل گرفته، حرکت می‌کند و این حرکت در بنیاد خود حرکتی شناختی است. در حرکت‌های شناختی باید توجه کرد که امر مورد مطالعه به خوبی فهمیده و دریافت شود و سپس چنان بیان شود که برای دیگران یا مخاطبان یا کسانی که نیاز به شناخت آن دارند قابل فهم باشد. مفهوم فساد هم مانند هر مفهوم دیگری از این قاعده برکنار نیست؛ یعنی باید دید در ذهن فردی و عمومی چه فهمی از فساد شکل گرفته یا به عبارت دیگر چطور «مفهوم» شده است. فساد براساس فراوانی و تحلیل گزاره های مربوط درج و به بحث گذاشته شده است

فساد مفهومی بنیادین است، زیرا وجه اجتماعی بسیار قوی ای دارد که قدرت نفوذ در شبکه یا ساختار اجتماعی و سیاسی و فروریزی آن را داراست. علی اکبر دهخدا، در لغت نامه مشهور دهخدا کلمه فساد [ف] را معادل «تباه شدن»، «ضد صلاح»، «به ستم گرفتن مال کسی» و «تباهی» یاد کرده است. محمد معین، صاحب فرهنگ فارسی معین، در فرهنگ فارسی خود، «فساد» را به «تباه شدن»، «نابود شدن»، از بین رفتن»، «متلاشی شدن»، «تباهی»، «خرابی» «نابودی»، «زیان»، «شرارت» و بدکاری»، «ظلم و ستم» معنی کرده است.

محققانی چون گاردنر (۲۰۰۴)، فساد را در لغت به معنی «شکستن» دانسته اند و در تعریف آن به واژگانی چون گمراهی، تباهی، معیوب کردن کمال، درستی و اصول اخلاقی به ویژه اخلال در انجام وظایف از سوی کارمندان دولت (از طریق رشوه گرفتن) اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، از منظر محققانی چون گاردنر، فساد انجام دادن برخی کارهای معارض با وظیفه اصلی کارمندان یا کارگزاران و حقوق دیگران با هدف برخورداری از برخی امتیازات است. در واقع، کارمند یا مدیر در اینجا از برخی از امتیازات، مقام و موقعیت‌های خود سوء استفاده می‌کند و برخلاف حقوق دیگران برای ایجاد منافع برای خود یا دیگری می‌کوشد. معنی «شکستن» در لغت فساد ناظر به کلمه انگلیسی corruption است. این لغت اسمی است برآمده از لاتین از ترکیب com به معنی «با» و «با همدیگر» و rumpere به معنی to break (شکستن). درگیر شدن در فساد می‌تواند حسن شهرت یا اعتبار شخص را نزد دیگران «بشکند».

بنابراین، فساد در لغت به معنی تباهی است. اصطلاح فساد در زبان انگلیسی، همان‌طور که گفته شد از فعل لاتین Rumpere می آید که به معنی شکستن است. بر این بنیاد، در فساد همواره چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود. خود کلمه نقض هم به معنی شکستن است. این چیز شکسته شده، ممکن است یک شیوه رفتار اخلاقی یا قانونی یا گاهی مقررات اداری باشد. با این حال، گذشته از بعد لغوی، در یک تعریف رسمی و سازمانی، بانک جهانی فساد را اینگونه تعریف کرده است: سوء استفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی. گفتنی است که این تعریف در ایران عمدتاً تحت عنوان فساد اداری به کار رفته است. در منابع دیگر نیز فساد به استفاده غیر مجاز از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی تعریف شده است. در زبان عربی، مصدر فساد از ریشه فسد به معنی «لهو و لعب» و «گرفتن مال به زور و ستم» به کار رفته است. علاوه بر این، این واژه در زبانی عربی معانی دیگری چون «تحصیل پول و مقام و غیره از راه‌های نادرست، ساخت و پاخت، سوء استفاده، اختلاس، به هم پیوستن، جفت کردن و از راه نادرستی تحصیل کردن» نیز دارد. به گفته کلارک (۱۹۸۱)، حداقل از سال ۱۹۳۱ واژه فساد غالبا در معنای «سوء استفاده از قدرت عمومی برای منفعت خصوصی» به کار رفته است. به رغم معانی متعددی که برای واژه فساد ذکر شده است، هر کسی در بافت موضوع فساد را مطابق با رویداد رخداده درک می‌کند. به واقع، در هر بافتی یکی از این معانی فعال می‌شود. با وجود این، در سطح جهانی و در اسناد بین المللی، اجماعی در باب این مفهوم وجود ندارد. به همین سبب، طیف متنوعی از معانی برای واژه فساد در نظر گرفته شده است که هر کدام در زمینه مخصوصی فعال می‌شود.

ابعاد فساد

فساد پدیده ای چندوجهی و پیچیده است و شیوه تسری و رشد آن به تناسب زمان، مکان و شرایط محیطی، متفاوت است. پرسشها و سؤالات متعددی در اذهان مطرح می شود، از جمله اینکه آیا ساختارها در شیوع فساد دخیل هستند یا عاملان و کارگزاران؟ تعیین اولویت در مورد هر کدام کار دشواری است. ساختارها و عاملان هر دو در ایجاد فساد نقش دارند، مسئله تنیدگی این دو در وقوع فساد است.

بر همین مبنا، رویه‌های فساد نیز چنین تعریف شده است: «ارتشا، پارتی بازی، اخاذی، پول شویی؛ کلپتوکراسی، دزدسالاری؛ دزدی و اختصاصی سازی سرمایه های عمومی؛ سوء استفاده؛ جعل، اختلاس و سوء استفاده و برداشت از سرمایه‌های عمومی؛ اعمال نفوذ؛ دلالی و برخورد منافع خصوصی و عمومی؛ پذیرفتن هدیه های نادرست؛ دریافت پول سریع؛ رجحان سوء اداره؛ بدعهدی، نقض عهد و مخفی کاری؛ سوء استفاده از قدرت، تهدید و شکنجه و به خطر انداختن امکان معاش؛ کمک غیر قانونی به پویش‌ها/ کمپین‌ها برای تحت تاثیر قراردادن سیاست‌ها، سیاستگذاری‌ها و مقررات»

اگر خوانشی گفتمانی بر این عبارت ها و تعریف‌هایی که برای بررسی مفهوم فساد ارائه شده است را مد نظر قرار دهیم، اکنون می‌توان با شناختی امروزی، به نظریه‌های فساد برای درک بیشتر مفهوم فساد پرداخت .

در واقع فساد، یک رفتار مشخص است و در این کردار، نوعی دستیابی به منافع مطرح است. این منافع می‌تواند خصوصی یا گروهی، طبقه‌ای و حزبی باشد که هدف آن «رفاه بیشتر» یا «موقعیت بهتر» است. پس «فساد» پدیده نوینی نیست و قدمتی به اندازه سرگذشت اجتماع های انسانی دارد و بشر از دیرباز برای رفاه بیشتر یا موقعیت بهتر در تلاش بوده است.

با اشاره به همین استنباط می‌شود دید که آثار به دست آمده از اولین دولت‌هایی که در چین و هند تشکیل شدند، بیانگر نگرانی چندین هزار ساله دولت‌ها نسبت به سوء استفاده افراد از امکانات و موقعیت‌های دولتی است». بر پایه گزارش برخی سازمان‌های بین المللی، از جمله سازمان شفافیت بین‌الملل، صرف نظر از میزان توسعه اجتماعی - اقتصادی، هیچ کشوری در دنیا مدعی نظام اداری کاملا سالم نیست و در همه آنها، سطوحی از فساد وجود دارد. تلاشهایی هم که برای تعریف جهان شمول از فساد صورت می‌گیرد، در بسیاری از کشورها با مشکلات حقوقی و سیاسی مواجه می شود.

«هنگامی که مذاکرات در مورد معاهده ملل متحد برای مبارزه با فساد در اوایل سال ۲۰۰۳ شروع شد، یکی از گزینه‌های مورد توجه آن بود که فساد هرگز تعریف نشود و در عوض، انواع یا اعمال خاص فساد فهرست شوند»

بررسی‌های علمی پیرامون پدیده فساد، موجب بروز ویژگی‌هایی از آن شد که مبنای تعریف مفهوم فساد نزد پژوهشگران قرار گرفت. سید حسین العطاس فساد را «به معنای خیانت در امانت، در راستای نفع شخصی تعریف کرده است.» به باور سوزان رز آکرمن هم فساد زمانی رخ می‌دهد که ثروت خصوصی و قدرت عمومی با یکدیگر همپوشانی پیدا می‌کند و نشان دهنده تمایل غیرقانونی به تبدیل پرداخت به عنوان معیار تصمیم گیری است.»

تعریف سنیور از فساد اما ۵ شرط را شامل می‌شود که باید همزمان با هم موجود باشند: «فساد زمانی اتفاق می‌افتد که ۱. یک مفسد ۲. به طور مخفیانه ۳. لطفی را به یک فاسد یا کاندیدای نفوذ اعطا می‌کند .۴ تا به نحوی عمل کند که ۵. به مفسد به دلیل آنکه صاحب قدرت یا کاندیدای نفوذ است فایده برساند. لطف باید یک کالای مثبت یا خدمتی مانند پول یا تعطیلات مجانی باشد. کالاهای منفی، مانند خشونت فیزیکی و باج خواهی را نمی‌توان به عنوان لطف تعریف کرد.

با همه پراکندگی‌های موجود در تعریف فساد ،به نظر می‌رسد برای نخستین بار، سنتوریا تعریف معروف از فساد را به عنوان «سوء استفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی» مطرح کرد که اساس این تعریف را سازمان شفافیت بین الملل (TI) سازمان ملل متحد (UN) و بسیاری از پژوهشگران پذیرفته اند. سازمان شفافیت بین الملل (TI) در سال ۲۰۰۳ تعریف وسیع تری از فساد بر پایه «سوء استفاده از قدرت به امانت داده شده برای منافع شخصی» ارائه کرد.

با وجود ۳ نوع بازیگر اقتصادی یعنی کارگزار، مدیر و دست آخر طرف سومی که سود و زیانش به کارگزار بستگی دارد، فساد ممکن خواهد بود. دو گراف، مارافیک و واخنار، این نکته را یادآور می‌شوند که وجود دلالت اخلاقی روشن درباره فساد، یکی از نقطه‌های مشترک پژوهش‌های فساد با هر رویکردی است. در واقع «مردم درباره هنجارهای تعیین کننده شخص فاسد اتفاق نظر ندارند، ولی درباره نکوهیده بودن معنی این مفهوم، متفق القول اند. هرکس که فاسد لقب بگیرد، معمولا مورد قضاوت اخلاقی واقع می‌شود.

خانم آمنولدسن نیز در مقاله خود تعریف و ابعاد "فساد" را بطور جامع تر و قابل استفاده تر از دیگران ارائه کرده است. او ضمن اشاره به تعریف (Heidenheimmer et al .۱۹۹۳:٦) مبنی بر اینکه فساد به معنی انتقال امکانات از بخش دولتی به بخش خصوصی است می‌نویسد: "فساد

یک سوء استفاده از کالاها و امکانات دولتی و مردمی توسط مامورین دولتی برای بهره‌گیری شخصی" است (Amnuldsen, ۵ :۲۰۰۰)

خانم آمنولدسن سپس انواع و ابعاد فساد را چنین تشریح می‌کند:

۱ . رشوه (Bribery): آن نوع فسادی است که برای دریافت سرویس دولتی یا دستیابی به امکانات و امتیازات به کارمند دولت پول داده می‌شود. رشوه دادن نیز خود به گونه های مختلف انجام می‌گیرد؛ از جمله از طریق "پورسانت" و یا پرداخت "زیر میزی" .("under - the - table payments")

۲ - اختلاس ("Embezzelment): وقتی است که شخص و رای قانون و مقررات، با روش‌های غیرقابل کنترل و لذا غیر قابل مجازات عمومی، از قدرت خود سوء استفاده می‌کنند.

آمنولدسن می‌نویسد:

- "اختلاس یکی از مهمترین روش‌های کسب ثروت است".
- "دارندگان قدرت بطور سیستماتیک از دفتر کار سیاسی خود در جهت تأمین گسترش اهداف اقتصادی شخصی خود سوء استفاده می‌کنند."
- "در برخی از کشورها، سیاستمداران برجسته، تجارت خارجی و منابع انحصارات را (اسماً) ملی کرده‌اند و از این طریق آنرا مجدداً بین اعضاء خانوادههای حکام توزیع (سرازیر) می‌کنند .
- " با نام «خصوصی سازی» (privatization) تعداد زیادی از شرکتهای دولتی و نیمه دولتی به قیمت بسیار نازل به دوستان و خانواده وزرا و رئیس جمهورها منتقل شده‌اند." (Amnuldsen,۳ :۲۰۰۰).

۳- کلک‌های اقتصادی (Fraud): "روشی است غیر قانونی اما نامشهود، مثلا وقتی مأمورین و نمایندگان دولتی در یک شبکه غیرقانونی تجارت مشارکت دارند و انواع وسائل و مواد را بطور قاچاق وارد یا صادر می‌کنند."

این مسئله از آن طریق نیز اتفاق می‌افتد که "وزرا و مسئولان راس سازمان‌ها چشمان خود را ببندند (و "کاری به این کارها نداشته باشند") تا سهم خود را از این گونه تجارت‌ها بگیرند. "بایارت و همکارانش (Bayar et al. 1997) این روش را کلک های کثیف سیاسی" ("dirty tricks politics") می‌نامند که شامل

- وارد کردن زباله‌های سمی و اتمی از کشورهای غربی،
- چاپ اسکناس برای پرداخت کارمندان و ارتشیان،
- تجارت مواد مخدر،
- پول شوئی"

می‌شود (Amnuldsen,۳ :۲۰۰۰)

٤- باج گیری ("Extortion") باج گیری خود به دو نوع می‌باشد:

- باج گیری از پائین (Extortion from below): وقتی است که نیروهای غیر دولتی مانند مافیا در روسیه و ایتالیا قادر به اعمال نفوذ بین افراد اعضاء دولت و تمام سازمانهای حکومتی از طریق تهدید ترساندن و کشتن (ترور) باشند. آنچه اینان بدست می آورند:

- امتیازات شغلی
- آزادی از پرداخت مالیات و
- آزادی از مجازات های قضایی
- باج گیری از بالا (Extortion from above) وقتی است که دولت خود بزرگترین مافیا است. مثلاً وقتی حکام از بخش خصوصی باج می‌گیرند و یا عصاره آنها را می مکند مثلاً از طریق:

- مالیاتهای زیاد و محدودیت ،امتیازات کنترل و بازرسی بیرحمانه پلیس
- انتظار تأمین مادی تبلیغات ریاست جمهوری

همچنین باج گیری پلیس و ارتش در جاده‌ها از این جمله می‌باشند (Amnuldsen, 2000 : 4)

۵ - امتیاز دادن (Favouritism) : شامل "امتیاز دادن به دوستان و اقوام و افراد خاص می شود؛ مثلاً خصوصی کردن یک کارخانه و دادن آن به اقوام" پارتی بازی دادن پستها و مقام‌ها.

امتیاز دادن یک نوع خاص نیز دارد که "Nepotism" یا امتیاز ایلی نامیده می‌شود و آن "امتیاز دادن به خانواده خود به فرزندان خواهر و برادر و اقوام و پسرخاله و و... دیگر اقوام می‌باشد" خانم آمنولدسن می‌نویسد:

- بسیاری از رئیس جمهورها اقوام و بستگان خود را بر سر پست‌های مهم سیاسی و اقتصادی و نظامی می‌گمارند...
- برخی دیگر بر این کار گمارده می‌شوند که زمین‌های دولتی یا بایر را به قیمت ارزان بخرند و سپس از آن برای کارهای مختلف دولتی بهره برداری کنند (مثلاً شهرسازی ساختن کارخانه و یا دوباره فروشی به قیمت گرانتر)

از این طریق ثروت ملی کشور به ثروت خصوصی برخی از افراد و خانواده هایشان تبدیل می گردد.

این امتیاز دادن نه فقط از آنجا سرچشمه می‌گیرد که یک نظام حقوقی و قضائی و کنترل قوی وجود ندارد بلکه همچنین به علت:

- نبود توانائی در کاربرد اقتصاد فعال تولیدی و
- بهره گیری از امکانات رشد واحدهای خرد اقتصادی و
- ساز مادهی اجتماعی و اقتصادی کشور بر اساس یک نظام اقتصادی فاسد

می باشد. (Amnaldsen, ۵ :۲۰۰۰, م ش همچنین Alatas, 1990)

آمنولدسن در پایان "تئوری توزیع مجدد فساد" (Theory of Redistributive Corruption) را مطرح می‌کند و می‌گوید:

"در تعامل فساد بین دولت و بخش خصوصی،

- دولت یک بازیکن ضعیف و بازنده است.
- عوامل ایجاد فساد فعالند و دولت منفعل
- عوامل فساد از دولت بیشترین بهره گیری را می‌کنند. سیاستمداران خریده می‌شوند تا حقوق و مقررات را طوری طراحی کنند که منافع افراد بهره برنده تأمین شود.
- در نتیجه در پایان زنده ماندن یک حکومت به آن بستگی دارد که تا چه حد منافع یک گروه خاص را تأمین نماید."
- در این بازی بازنده دولت است.
- برندگان کسانی هستند که منابع ملی و عمومی را بطور استثنائی ارزان می‌خرند و تا پایان این بازی از هرگونه گزند مصون می‌مانند.

نتیجه نهایی این بازی باختن دولت در زمینه سیاسی و اقتصادی است." (Amnuldsen, 2000 : 11)

دسته بندی فساد

هایدن هایمر در مباحث خود درباره فساد از وجود سه نوع فساد یاد می‌کند: فساد سیاه (فسادی که هم از طرف نخبگان و هم از نظر تودهٔ مردم محکوم است، مانند رشوه به مهندس ناظر که زندگی عمومی مردم را به خطر می اندازد)؛ فساد خاکستری (که از سوی شمار اندکی از گروه‌ها و معمولاً نخبگان محکوم می‌شود، اما عامهٔ مردم آن را فساد نمی‌دانند، مانند عدم اجرای قوانینی که مفید نیستند) و فساد سفید (که از نظر هیچ کس محکوم نمی‌شود). در یک نوع تقسیم بندی از فساد کلان (که از سوی مقامات عالی رتبه دولتی با انعقاد قراردادهای بزرگ صورت می گیرد) و فساد خرد (که موارد جزئی میان کارکنان دولت است) و در نوعی از تقسیم بندی از نظر درجه ارتکاب سخن گفته می‌شود. جرایمی که از سوی کارکنان دولت صورت می گیرد، نوعاً با عنوان جرایم یقه سفیدی مطرح می‌شود. مجرمان یقه سفید، افرادی با احترام و با موقعیت اجتماعی بالا هستند که در زمان تصدی منصب و اشتغال مرتکب جرم می شوند (Sutherland, ۱۹۸۳)

در یک نگاه کلی فساد از نظر موضوعی انواع مختلفی دارد: فساد سیاسی، فساد قانونی و فساد اداری..... فساد سیاسی و قانونی در سطحی کلان تر پدیدار می‌شوند، اما فساد اداری رایج ترین نوع آن است.

فساد سیاسی: استفاده از قدرت سیاسی به منظور تحقق اهداف مشخصی است. به تعبیر ژان ژاک روسو، متفکر اهل ژنو، فساد سیاسی حاصل کشمکش و تلاش بر سر دستیابی به قدرت است. برای نمونه، جرالد گایدن فهرست مفصلی از فسادهای سیاسی تهیه کرده است که عمده ترین آنها ارتشا، پارتی بازی، دزد سالاری، اختلاس و جعل، سوء استفاده از قدرت و... است.

فساد قانونی: وضع قوانین تبعیض آمیز به نفع سیاستمداران قدرتمند و مورد لطف دولت است.

فساد اقتصادی: (یعنی رفتارهایی که موجب بروز اخلال در نظم اقتصادی از سطوح کوچک تا اخلال در اقتصاد کشور می‌شود) . نویسندگان دیگری همچون ترانپل (۱۱۲: ۱۳۹۵) ، بحث فساد اقتصادی را در خصوص بخشهای مختلف یعنی با رویکردی بخشی مطرح می‌کنند و مثلاً این نوع فساد در بخش سلامت را شامل فساد در فرایندهای بودجه ای، نشت حقوق، نشت کالا، عرضه دارو و پرداخت‌های غیر رسمی می‌دانند.

با تمام آنچه در این خصوص بیان شد باید اشاره کرد که تعریف دقیقی از جرم اقتصادی نداریم. حقوق دانان به طور معمول جرایم اقتصادی را شامل اعمالی می‌دانند که اشخاص حقیقی و حقوقی علیه نظام اقتصادی مرتکب می‌شوند(نیازپور، ۱۳۹۷ : ۴۵۵). از این رهگذر عده‌ای آن را اعمال غیر قانونی در قلمرو فعالیت‌های حرفه ای به منظور کسب امتیاز اقتصادی می‌دانند. عده ای دیگر از نقض اعتمادی که اساس روابط بزهکار و بزه دیده را تشکیل می دهد سخن می‌گویند که به منظور کسب سود صورت می‌گیرد و به شکلی است که عملیات تجاری شرکت‌ها، قانونی جلوه می‌کند، اما مقررات حاکم بر این عملیات به منظور کسب پول با ارتکاب جرایمی مانند علیه حقوق مصرف کننده یا جرایم ناقض محیط کار تلقی می‌شود. دست آخر، عده ای نیز چنان که اشاره شد جرم اقتصادی را در خصوص سیاست های اقتصادی دولت و برنامه‌ریزی اقتصادی آن از جمله جرایم گمرکی، ارزی و مالیاتی بیان می‌کنند، لذا جرایم اقتصادی در پهنهٔ مطالعات میان رشته ای یا اختصاصی شاخه علوم جنایی، تعریف مشترکی ندارند (نیازپور، ۱۳۹۷ : ۳۳۴) و در

حالی که از یک سو شامل ارتشا، اختلاس، رانت خواری، تبانی در معاملات دولتی و تعارض منافع می‌شوند، از سویی دیگر، جرایم علیه اقتصاد کلان شامل جرایم پولی و ارزی، جرایم علیه بورس اوراق بهادار و جرایم مرتبط با پولشویی و جرایم مرتبط با نظام تولید می‌گردند.

فساد قضایی: (یعنی تأثیرات نامطلوب بر روند بی طرفانه قضایی و در نظام دادگاه) از دیگر تقسیم بندی‌هایی است که ذیل تقسیم فساد از نظر حوزه و عرصه بیان شده است (دوگراف و همکاران، ۱۳۹۴: ٤٦).

فساد اداری: فساد اداری را پدیده‌ای همزاد دولت دانسته‌اند. به محض اینکه فعالیت‌های بشر شکل سازمان یافته به خود گرفت، فساد اداری نیز ظهور کرد؛ چرا که نتیجه تعاملات درونی و تعامل با محیط در متن سازمان بود. در کشورهای در حال توسعه، حجم تعاملات درونی و سازمانی زیاد است و بدنه توسعه گرای سازمانی از خلال مسائل درون سازمانی با محیط درگیر است. خلاهای به وجود آمده در کشورهای در حال توسعه که اغلب خلاهای بوروکراتیک و اداری هستند، راه را برای فساد یا به عبارتی شکستن یا نقض قوانین یا قواعد یا هنجارهای مالی و اداری باز می‌کنند. بنابراین فساد در کشورهای در حال توسعه وجود دارد و از دیدگاه توسعه اقتصادی و سیاسی برای جوامع بسیار زیان‌آور است. نفع شخصی یکی از مضامینی است که به ایجاد فساد اداری منجر می‌شود؛ به خصوص وقتی نظارت یا انضباط دقیقی در مجموعه‌های دولتی توسعه گرا وجود نداشته باشد.

ساموئل هانتینگتون، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، فساد اداری را حاصل رفتار آن دسته از کارکنان بخش عمومی می‌داند که برای منافع شخصی خود ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند. به این معنی، فساد اداری ابزاری نامشروع برای برآوردن خواسته‌های نامشروع از نظام اداری است. در ریشه شناسی لاتین واژه فساد هم همین نکته وجود داشت؛ چیزی شکسته یا نقض می‌شود و آن چیز به قول هانتیگتون، ضوابط پذیرفته شده‌ای است که مورد قبول همگان است و اتفاقاً کارمندان یا کارگزاران یک اداره یا یک سازمان بیش از هر کسی باید به آن پایبند باشند. بنابراین به محض اینکه ضوابط مورد توافق شکسته یا زیر پا گذاشته می شود فساد اداری آغاز می‌شود.

تعریف دیگری از فساد اداری این است که فساد اداری، حالتی در نظام اداری است که براثر تخلفات مکرر و ستم کارکنان به وجود می‌آید و آنها را از کارایی و کارآمدی می‌اندازد. علاوه بر این، برخی فساد اداری را رفتاری دانسته‌اند که طی آن فرد برای دستیابی به منافع شخصی بیشتر یا موقعیت شغلی و مالی بهتر، خارج از چهارچوب رسمی وظایف یک نقش دولتی عمل می‌کند.

مهم‌ترین نظریات حوزه فساد

نظریه نظام‌ها

نظریه نظام‌ها، رهیافت نیکولاس لومان به فساد است. لومان جامعه را متشکل از نظام‌های کارکردی بسته ای می‌داند که به لحاظ ارزشی مستقل‌اند، خود مرجع هستند و کدهای کارکردی مخصوص به خود را بازتولید می‌کنند. «این به نوبه خود یعنی تصمیم‌های سیاسی در سطح نظام‌های کارکردی، تنها از لحاظ سیاسی قابل توجیه هستند و تصمیم‌های نظام‌های اقتصادی را تنها به لحاظ اقتصادی می‌توان توجیه کرد؛ اما تجربه روزمره داستان متفاوتی را نشان می‌دهد که در آن، تمایز کارکردی جامعه به هیچ وجه در سطح سازمان حفظ نمی‌شود». از دیدگاه نظریه نظام‌ها، اتهام فساد بدین معناست که با منطق یک نظام، بتوان به درون نظام دیگری نفوذ کرد

نظریه نهادگرا

آکرمن به عنوان یکی از نظریه پردازان اقتصاد نهادی، اعتقاد دارد که باید «میان مبادلات فاسد فرصت طلبانه در سطح پایین و فساد نظام‌مند که کل سلسله مراتب بوروکراتیک، نظام انتخاباتی، یا ساختار کلی دولت را از بالا به پایین تحت تاثیر قرار می‌دهد، تمایز قائل شد». به نظر او، جوهره رویکرد اقتصاد نهادی این است که ادعا می‌کند کارفرمایان و کارگزاران بر بستری نهادی عمل می‌کنند و در معنایی وسیع، افراد به مشوق‌ها، چماق‌ها و هویج های ایجاد شده از سوی نهادها پاسخ می‌دهند. پس از آن باید چگونگی واکنش مردم و شرکت‌ها به نهادهای موجود و انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی دارندگان قدرت برای تغییر شکل نهادی لحاظ شود؛ اما باید توجه داشت که

با وجود ارتباط کاملا قوی بین ساختارهای نهادی و فساد، «پیکان علی ممکن است دو طرفه باشد. از نهاد به فساد و از فساد به انتخاب نهادی»

نظریه توسعه

جوزف نای تعریفی در حوزه علم سیاست دارد که چون در آن، تعریف‌هایی از شفاف بودن قدرت و نظام سیاسی در باب مشروعیت ارائه می‌کند، باز می‌تواند به درک مفهوم فساد کمک کند. آنچه در مطالعه نظری فساد ارزشمند است، یا دستیابی به مفهوم فساد است یا دستیابی به راه های درک مفهوم فساد. در این راه، هر کدام از نظریه هایی که به نوعی از فساد را در هر ساختار و یا رهیافتی تعریف می‌کند حائز اهمیت است و می تواند به مطالعه گر برای درک مفهوم نظری فساد، بیشتر کمک کند. نای حفظ مشروعیت نظام سیاسی را در طول زمان، توسعه سیاسی می‌داند و شاخص‌های آن را حاکمیت قانون، پاسخگویی ،شفافیت کنترل اعتماد ،سیاسی رقابت سیاسی سالم، انتخابات آزاد و منصفانه همراه با نهادسازی بر می شمارد. بر همین روال، او می گوید ناتوانی در کنترل و محدود کردن فساد، معمولاً دوران گذار به توسعه سیاسی را با مشکل روبه رو خواهد ساخت. از این راه و با مثالی نقض، شاید به جمله ای عینی برای تعریف نظری فساد نرسیم، ولی با بازگشت به آن تعریف‌ها برای توسعه سیاسی در راستای حفظ مشروعیت نظم سیاسی حاکم، می‌توان دریافت که دست کم چگونه فساد پدید نمی آید یا انسداد نظام، چگونه فساد می آورد. بنابر نظر نای، توسعه نیافتگی سیاسی به تقویت و افزایش فساد سیاسی به صورت هم افزایی منجر می‌شود و رابطه این دو نیز به صورت یک چرخه، در طول دوره‌های متعدد، تکرار خواهد شد.

نظریه آنومی

مفهوم آنومی یا بی سازمانی اجتماعی، مفهومی است که ابتدا توسط دورکیم - جامعه شناس فرانسوی - ارائه شده و بعدها توسط رابرت مرتن شرح و بسط یافت. مرتن در بیان علت بروز آسیب‌های اجتماعی می‌گوید که انحرافات و آسیب‌های اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که بین هدف و وسیله رسیدن به آن هدف، ارتباطی وجود نداشته باشد. در هر جامعه، افراد تلاش می‌کنند تا با پیروی از هنجارهای موجود، به اهداف خود که برآمده از نظام آرزوهای آنهاست،

دست یابند اما چنانچه شرایط دستیابی به این اهداف توسط جامعه فراهم نشود، آن موقع افراد به سراغ انواع روش‌های نوآورانه ای می‌روند تا به هر طریق ممکن به آن هدف برسند . اینجاست که انحرافات اجتماعی امکان بروز می یابند. برای این منظور، باید یک تعادل ساختاری بین اهداف و هنجارها ایجاد شود تا هر دو مسئله برای افراد اهمیت داشته باشد. در چنین شرایطی، موفقیت افراد هم بر حسب تحقق اهداف و هم برحسب پایبندی به هنجارهای اجتماعی ارزیابی می شود. طبق این رویکرد، فساد یک نوآوری است که افراد در راستای رسیدن به اهداف نسبتاً مشروع و پذیرفته شده، انجام می‌دهند از این منظر، هنگامی که مسائلی مثل پول، قدرت و ثروت برای مردم تبدیل به آرزوهایی مهم و ارزشمند می‌شوند در حالی که کانال‌ها و روش‌های موجود در جامعه، امکان رسیدن به آن اهداف را به مردم نمی‌دهد فساد یک اتفاق قطعی و اجتناب ناپذیر است. لذا مدیریت فساد، هم یک مدیریت فرهنگی است؛ چرا که با باورها و نظام ترجیحات مردم سروکار دارد و هم یک مدیریت اجتماعی یا ساختاری است؛ چراکه با ساختارها، هنجارها و ضوابط رسمی و غیر رسمی سروکار دارد.

فساد نظام مند

واپسین مورد اشاره به نظریه‌های فساد نیز بهره گیری از نظریه هایی است مربوط به فساد اداری که نوعی «فساد نظام مند» شمرده می‌شود و مکتب کارآمدی فساد اداری بدان اشارت دارد. مکتب کارآمدی فساد اداری، رویکردی است که به اثر مثبت فساد اداری، یعنی تاثیر گذاری‌های غیرقابل انکار فساد اداری در رفع ناکارآمدی‌های دیوان سالاری کشورها اشاره می‌کند. طرفداران این مکتب مانند بایلی، هانتینگتون و لوئی به ناکارآمدی «قانون‌ها» و حتی خود «نهادها» در کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کنند. درست است که مبحث مورد مطالعه ما، به طور دقیق خود فساد اداری نیست، اما برای درک مفهوم فساد به آن اشاره می‌کنیم از این رو اکنون که مسئله را ذیل گفتمان حقوقی بررسی نمی‌کنیم خالی از لطف نیست اشاره ای کنیم به موضوعی حرفه ای و حقوقی، که جزو مطالعات حرفه‌ای نوین علم حقوق - حقوق خصوصی- است که در آن مبحث «تورم قوانین» را به «مسئله» مورد مطالعه تبدیل می‌کند. به طور خلاصه در تورم قوانین، برای حل مشکل‌ها، یافتن راه حل میان خیل عظیمی از قانون‌ها، قانون‌های جدید با ماده ها و البته تبصره‌های نو وضع می‌شود که برای اجرای آن، قانون‌های موازی، ناکارآمد و تفسیرهای

گوناگون پیش روی مجری قانون است که دست مجری را برای «فرار از قانون» یا «بهره‌گیری از قانونی برای دور زدن قانونی دیگر» باز می‌گذارد این مکتب هم فساد اداری را روشی برای فائق آمدن بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌داند و عنوان می کند که فساد نقش روغن را برای چرخ‌های خشکیده این نظام‌های اداری و اقتصادی ایفا می کند و رشد اقتصادی و سرمایه گذاری را بهبود می‌بخشد.

فساد و پیامدهای آن

معمولاً از جانب اعضاء یک جامعه به عنوان یک عمل "قبیح" تعبیر می‌شود "قبیح" در واقع نه فقط به عنوان یک کار "بد" یا "خلاف"، بلکه به عنوان یک کار "زشت" و "ناپسند" تلقی می‌شود که ناخشنودی افراد را بر می انگیزد. زیرا اگر یک شخص یک عمل خلاف را انجام داد، هنوز دلیل بر ناخشنودی دیگران نیست. ممکن است دیگران آن عمل را تحمل و یا حتی به عنوان "زرنگی" تحسین کنند. وقتی مثلاً در ایران یک موتور سیکلت سوار در اتوبان خلاف آید مردم او را تحمل می‌کنند. حالا تصور کنیم که یک راننده با چراغ زرد می وارد یک چهارراه شود و تا می‌خواهد از چهارراه بگذرد، چراغ قرمز شود، و حالا پلیسی که مغرورانه برگه های جریمه را نشان می‌دهد، سوت بکشد و علامت بدهد که اتومبیل خلاف کرده کنار برود و بایستد. راننده ابتدا به طرف کنار می‌پیچد اما بعد پا را روی گاز می‌گذارد و به سرعت می‌رود، افرادی که محاسبات او را می‌فهمند او را تحسین می‌کنند :

> "بارک الله، دستخوش چه قشنگی سر کاوش گذاشت. اول کشید کنار تا پلیسه خیالش راحت شود که دستورش را انجام داده و بعد تا و رویش را اونور کرد، گاز بست و رفت. خیالش هم راحت بود که نه پلیس موتور سوار اونجا بود و نه ماشین بنز پلیس. اگر هم بودند حوصله این کارها را ندارن. مگر اینکه با زنشون یا رئیسشون دعواشون شده باشه یا مجبور باشن آخر ماه برگه‌های جریمه را پرکنن."

این یک محاوره ای است که معمولاً در تهران از افراد شنیده می‌شود. درستی و غلطی آن مهم نیست. مهم اینست که مردم معمولی مسائل را اینطور تفسیر و چنین کار خلافی را می کنند. شاید به این علت که آنها رابطه خیلی مثبتی با پلیس راهنمائی سر چهارراه ها احساس نمی‌کنند

که به رانندگان، مخصوصاً پیکان‌های بیچاره ای که "برای چندر غاز باید جون بکنند گیر می‌دهند" و نه به ماشین‌های ثروتمندان.

بنابراین عمل "قبیح" یک عمل خلافی است که بیشتر از نظر هنجارها و ارزشهای اجتماعی یا اخلاق جمعی، منفی تلقی می‌شود. اگر این عمل در عین حالیکه با موازین اخلاقی و ارزش‌های جمعی در تضاد باشد، همزمان نیز با قانون رسمی مغایرت داشته باشد، در آن صورت تحمل آن عمل قبیح در جامعه بسیار کمتر می‌شود. فرق جامعه ایران با جوامع غربی در آن است که قوانین غرب مبتنی بر ارزشهای اخلاقی آن جوامع هستند و لذا پشتوانه قوی فرهنگی و مردمی دارند و مردم خود را موظف می‌دانند که از قانون پیروی نمایند. زیرا که قانون همان نظر مردم و همان هنجار فرهنگی است.

در صورتیکه قوانین ایران علی الاصول بیشتر از غرب وارد شده‌اند و با فرهنگ ما ارتباط چندانی ندارند. مردم در نظام فرهنگی خود علی الاصول بر اساس معیارهای ارزشی پذیرفته شده جمعی عمل می‌کنند. این ممکن است با قانون موافق باشد، یا نباشد.

در صورتی‌که ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده مردم با قانون مغایرت داشته باشد، مجازات نمی‌تواند مانع عمل مردم شود و بیشتر موجب تنفر آنها از دولت خواهد شد.

با این مقدمه مشخص می‌شود که برخی از کارهای خلاف "قبیح" تلقی می‌شوند و برخی نه. و اگر یک کار خلاف قبیح تلقی شود، شخص خاطی نه فقط با مجازات قانونی روبرو می‌شود، بلکه باید او و خانواده و بچه هایش در مقابل مردم (دوستان، آشنایان، محیط مدرسه و کار) هزینه زیاد حیثیتی بپردازد. پس کار قبیح دو نوع هزینه مجازات دارد:

هزینه مجازات قانونی + هزینه مجازات حیثیتی برای یک کار قبیح

که در این معادله، هزینه مجازات حیثیتی بیشتر از هزینه مجازات قانونی تلقی می‌شود:

هزینه مجازات حیثیتی برای یک کار قبیح > هزینه مجازات قانونی

فساد تا موقعیکه در یک جامعه یک کار قبیح تلقی شود یک مکانیسم درونی کنترل در افراد بوجود می‌آورد (تئوری فروید و ریزمن که در بالا ذکر شد) و آنها هزینه انجام کار خلاف را زیاد ارزیابی

می‌کنند. زیرا چنانکه گفته شد آنها دو نوع هزینه باید بپردازند: مجازات قانونی و مجازات حیثیتی، که دومی تأثیر بیشتر دارد و لذا بر اساس تئوری اتکینسون از آن بیشتر حذر می‌کنند زیرا :

هزینه عمل خلاف > فایده عمل خلاف

حال اگر "قبیح" فساد گرفته شود، شخص خاطی فقط یک هزینه مجازات قانونی می‌پردازد که در مقابل هزینه حیثیتی چندان مهم نیست. در آن صورت براساس تئوری اتکینسون هزینه کار خلاف کمتر از فایده آن خواهد بود.

هزینه عمل خلاف < فایده عمل خلاف

بالاخص که در یک جامعه "دولت ستیز" (ر.ک. رفیع پور ۱۳۸۴ و همچنین کار آینده) مجازات دولتی می‌تواند تحت شرایطی حتی انسانها را به یک قهرمان تبدیل نماید.

حالا در اینجا چند سؤال مطرح می‌شود مثلاً: آیا در ایران فساد قبح دارد یا نه؟ و چگونه "قبح" فساد از بین می‌رود؟ بدین ترتیب یکی از متغیرهائی را که می‌بایست سنجید همین "قبح فساد" می‌باشد.

فرهنگ فساد

ما گفتیم که بر اساس تئوری دورکهایم و مرتون یکی از علل اصلی پیدایش فساد در جامعه آن است که در بین اعضاء جامعه آرزوها، نیازها و اهداف بلند پروازانه جدید بوجود می‌آید، اما در مقابل، راه‌های ارضای آن نیازها محدود و یا مسدود می‌باشد. لذا مردم آرزومند و ناکام از "بیراهه" و طرق نامشروع به دنبال دستیابی به اهداف می‌روند. وقتی "بیراهه" رفتن شروع شود، بعد مدتی به عنوان یک روش، هنجار و فرهنگ باب می‌شود

وقتی در زندگی اجتماعی نیز افراد احساس نیاز به دستیابی به اهداف دارند، به همه ابزار ممکن متوسل می‌شوند و از آنجا که فرهنگ ایران یک فرهنگ قبیله ای و ایلی است و نقش دولت، قانون و هنجارهای رسمی بسیار ضعیف است و حتی از جانب خود مسئولان نیز رعایت نمی‌شود، مردم

همواره از افراد ایل و قبیله خود برای دستیابی به اهداف مشروع یا نامشروع (که عموماً از نظر خود فرد مشروع و «حق» تلقی می‌شود) انتظار کمک دارد ("Favoritism" و "Nepotism"). از این طریق این فرایند در جامعه به یک فرهنگ تبدیل می‌شود.

وقتی فساد به یک فرهنگ تبدیل شد، کسی دیگر فکر نمی‌کند که کارش غلط است. زیرا از یک طرف می‌بیند که همه این طور رفتار می‌کنند و از طرف دیگر از او نیز انتظار دارند که او نیز آن گونه رفتار کند.

از همه مهمتر اینکه راه ارضاء نیازها مسدود و تنها از این طریق ممکن است. یک وضعیت قابل مقایسه وقتی است که شما می‌خواهید درست و منطبق بر قواعد رانندگی کنید و در راهبندان گیر می‌کنید. عده ای عجله دارند و می‌گویند هر سوراخی که پیدا شد آدم باید زود برود آن تو؛ از این ستون به آن ستون فرج است. اما شما می‌گوئید همین روش موجب می‌شود که ترافیک و راهبندان بیشتر شود. بنابراین شما پایبند اصول و قواعد و در خط خودتان می مانید. اما بعد از مدتی پشت سر شما بوق می‌زنند و راننده های پشت سرتان از شما جلو می‌زنند و معمولاً عکس العمل توبیخی مانند "سر تکان دادن" یا "انگشت شست نشان دادن" را در پیش می‌گیرند نارضایتی خود را بیان می‌کنند که حداقل آن اینست که بگویند "آقا این چه وضع رانندگی است، اینجا که لندن نیست". بعد هم که ماشین‌ها راه افتادند و شما می‌خواهید مؤدبانه در خط خود رانندگی کنید می بینید که از راست و چپ به شما فشار می‌آورند. یک دفعه شما مجبورید از خط خود از طرف چپ بیرون بیائید و یک بار از سمت راست. اگر هم تصادف کنید و پلیس ،بیاید شما را جریمه می‌کند که از خط خودتان بیرون آمدید.

در دیگر بخش‌های جامعه نیز وضع معمولاً همین طور است و گاه حتی بدتر. زیرا که انتظارات اجتماعی و هنجاری معمولاً قدرت سهمگینتری دارند و بسیار به ندرت می‌توان کسی را یافت که بتواند در مقابل آن ایستادگی نماید.

بنابراین یک متغیر مهم که می‌بایست در این تحقیق سنجیده میشد همین میزان فرهنگ فساد است.

دلایل فساد

اقدام های فسادآمیز در هنجارهای اجتماعی کشورهای زیادی ریشه دوانیده اند. در گذشته، شهروندان کشورهای آسیایی مانند کره جنوبی، سنگاپور و هند به مقام های دولتی رشوه می دادند تا خدمات برق یا تلفن را دریافت کنند یا به نشانه قدردانی از مقام‌ها به خدمت رسانی سریع اندکی پول می پرداختند. این فساد اندک، اجتناب ناپذیر بود و به عنوان [نوعی] سبک زندگی در این کشورها و به احتمال بسیاری از کشورهای دیگر تلقی می‌شد. این فرهنگ‌های سنتی باعث شد که تحمل و پذیرش فساد دولتی بسیار بالا برود. به نوبه خود [امکان] پی بردن به شدت مشکلات فساد را از بین می‌برد. بنابر این، ممکن است وقتی اقدام‌های ضد فساد در این فرهنگ‌ها اتخاذ می‌شود، مقاومت اجتماعی و سیاسی زیادی وجود داشته باشد.

علاوه بر فرهنگ تحمل فساد، ممکن است نظام‌های اقتصادی و سیاسی مشخصی نیز [امکان ارتکاب] فساد را تسهیل کنند. دو ویژگی از چنین نظام‌های اقتصادی و سیاسی می‌توانند تعیین کننده باشند؛ نخستین ویژگی، دخالت شدید دولت در اقتصاد است. چنین دخالتی می‌تواند در قالب مقررات و حمایت گرایی شدید در اقتصاد، سیستم های پیچیده برای تحویل خدمات عمومی (مانند نیاز به مراجعه به بخش‌های متعدد دولتی برای تحویل خدمات عمومی ساده ای مانند مجوز کسب و کار)، سهم بالای کسب و کارهای دولتی در اقتصاد، انحصار دولتی یا هزینه های نامحدود یا سایر درخواست هایی که ممکن است دولت های محلی از شرکت ها مطالبه کنند، باشد. به طور خلاصه مقام های دولتی، قدرت و اختیار بسیار زیادی بر بازیگران اقتصادی دارند. بنابراین، رابطه یک کسب و کار معمولی با مقام های دولتی می‌تواند بر سوددهی آن اثر بگذارد. وقتی تعداد زیادی از شرکت‌ها تشخیص می دهند برای به دست آوردن موقعیت رقابتی بهتر در انجام کسب وکار باید به مقام های دولتی رشوه بدهند، فساد سیستماتیک اجتناب ناپذیر می شود. به عنئان نمونه در ارتباط با هند ، سیاست های الهام گرفته از سوسیالیسم به همراه مقررات و حمایت گرایی شدید، با رسوایی های گسترده فساد در فاصله دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰ هم زمان شد. با وجود آنکه آزادسازی اقتصادی هند را به سمت یک اقتصاد بازاری هدایت کرده بود، اثر منفی آن حتی تا دهه ۱۹۹۰(که رسوایی های متعدد فساد وجود داشت) [نیز] طول کشید. در مقابل، یک نظام ساده برای مدیریت اقتصادی مانند مراکز خدمات الکترونیک یک جا می‌تواند

فرصت تقاضای رشوه را کاهش دهد. ، به طور معمول صنایعی که دخالت دولتی بیشتری در آنها وجود دارد، نسبت به سایر صنایع در سطح فساد بیشتری ماندگار می‌شوند؛ برای مثال، در چین بسیاری از پروژه های ساخت و ساز و زیربنایی بزرگ توسط دولت کنترل، شروع و سرمایه گذاری می‌شوند. این باعث می‌شود فرصت‌های بسیاری برای مقام‌های دولتی به منظور درگیر شدن در فساد ساخت و ساز فراهم شود .

ویژگی کلیدی دومی که ممکن است فساد را تشویق کند، تصمیم گیری توسط مقام‌های دولتی در یک نظام شبیه جعبه سیاه است. به طوری که در این فرآیند [تصمیم گیری] شفافیت وجود ندارد؛ برای مثال، در صنعت ساخت و ساز خطوط راه آهن چین ، قدرت تصمیم گیری در دستان تعداد اندکی از رهبران مهم، متمرکز شده است. تنها این رهبران هستند که انتخاب پیمانکاران ساخت و عرضه کنندگان مواد اولیه را فراهم می کنند. بنابراین، این رهبران فرصت زیادی به منظور شرکت در فعالیت‌های فاسد با احتمال اندکی برای شناسایی شدن دارند. اگر چه قوانین و مقررات زیادی در ارتباط با مدیریت ساخت خطوط ریلی در چین وجود دارد، اما به دلیل اختیار زیاد رهبران برای دخالت و نبود شفافیت، این قوانین و مقررات به طور جدی اجرا نشده‌اند. حتی اگر مناقصه های عمومی برگزار شود، ممکن است رهبران با واسطه گران، کار [و همدستی] کنند تا با هدف دستیابی به منافع شخصی به راحتی در فرآیند مناقصه دخالت و نتایج را دست کاری کنند. با وجود این، فساد گسترده باعث چنان مشکلاتی در کیفیت ساخت خطوط ریلی قطارهای پر سرعت شده که تصادف‌های ریلی شدیدی رخ داده و به کشته شدن تعداد زیادی از مسافران منجر شده است. در نتیجه، رسوایی‌های فساد در نهایت، برای عموم مردم بر ملا و وزیر سابق خطوط ریلی، لیو ژیجون به دلیل رشوه و سوء استفاده از قدرت به اعدام محکوم شد.

مکاتب کلیدی در مبارزه با مفاسد

در ادبیات موجود درباره سازمان های مبارزه کننده با مفاسد (حداقل) سه مکتب کلیدی تفکر در کاهش فساد و پیشگیری وجود دارد.

مکتب اول: مداخله

در این مکتب این رویکرد مطرح است که پیشنهاد می شود مقامات مربوط به مبارزه کننده فساد در مبارزه با فساد اقتصادی باید منتظر بمانند تا فساد اقتصادی رخ دهد و سپس، برای دستگیری و مجازات مجرم مداخله صورت گیرد و تا قبل از بروز جرم اقدامی لازم نیست. در این مکتب، این آسیب وجود دارد که به هر حال، مکتب در نهایت، آسیب و خسارت وارد شده است و قابل جبران نیست، زیرا آسیب رخ داده و قابل بازگشت نخواهد بود. تخلفات بسیاری نیز به دلیل عدم گزارش، بدون مجازات باقی خواهد ماند. در چنین حالتی، آسیب وارد شده است و جبران پذیر نیست. صرف منابع زیاد و ایجاد هزینه برای این مکتب اجتناب ناپذیر است. چهره مجرم ناشناخته باقی می‌ماند و بیشتر جرایم هرگز کشف و گزارش نمی‌شوند.

مکتب دوم: مدیریتی

در این مکتب، افراد یا سازمانهای مقابله کننده با رفتار فسادآمیز می توانند از طریق ایجاد سیستم‌های مناسب، روش‌های پیشگیری و قوانین؛ افراد فرصت طلب را دلسرد یا از انجام این کار (فساد) منصرف کنند. در اصل، این رویکرد طرفدار کاهش یا حذف فرصت های فساد برای کسانی است که از این مسأله استفاده یا قادر به انجام آن هستند. محدودیت این مکتب آن است که به ضرورت افرادی با کار اصولی از پیش تعیین شده مدیریتی توجه نمی‌کنند. راه حل مدیریتمدارانه نیز به رسیدگی به شرایط محل کار ایده آل یا استاندارد تمایل دارد (McCusker,۲۰۰٦). ایجاد محدودیت جوهره این مکتب است. از نظر این مکتب، سازمان شامل سه دسته گسترده از افراد متفاوتی است که تحت تأثیر فساد قرار می‌گیرند:

- گروه اول افرادی که می‌خواهند کار درست انجام دهند و نیازمند به راهنمایی در مورد چگونگی انجام آن هستند.
- گروه دوم افرادی که بیش از حد ترسو هستند.
- گروه سوم افرادی که فاسد هستند و خارج از قوانین به طور کامل به کار گرفته می شوند.

برای مثال، ممکن است قانونی وجود داشته باشد که اعلام کند مقدار پولی را که فرد می‌تواند به عنوان هدیه دریافت کند، نباید بیشتر از ۵۰ دلار باشد. افراد گروه اول می‌دانند این قانون وجود

دارد، به سادگی از آن اطاعت می‌کنند. افراد در گروه سوم به سادگی هدیه بالاتر از این رقم را دریافت می‌کنند و در گروه دوم افراد مایل به دریافت رشوه برای مثال به جای رشوه ۱۰۰ دلاری، درخواست دو هدیه ۵۰ دلاری می کنند.

می‌توان همه قوانین را واژگون کرد. مدیریت گرایی تلاش برای ارایه مجموعه ای از قوانین برای جلوگیری بروز فساد اقتصادی از سوی تعدادی از افراد با انگیزه متفاوت است. عواقب ناشی از این رویکرد آن است که موفقیت این تلاش مبارزه با فساد را پراکنده می‌کند. البته به همان اندازه، کنترل مدیریتمدارانه فساد نیروهای بازار را نادیده پراکنده می گیرد؛ برای مثال، اگر مقام‌های دولتی در ازای ارایه اطلاعات محرمانه پول درخواست کنند، خطر آن بسیار بالا نشان داده می‌شود، از این رو، ممکن است خیلیها این کار را انجام ندهند، اما افرادی که مایل به شرکت در فعالیت فساد آمیز باشند، قادر خواهند بود با افزایش قیمت، جذابیت ارایه اطلاعات و فساد را افزایش دهند.

برای مثال درخواست برای نصب کمربند ایمنی در خودروها یک راه حل مدیریتمدارانه برای حل مشکل صدمات ناشی از تصادفات است. با بستن کمربند ایمنی از سوی راننده بی ملاحظه، از مجروح شدن این فرد توسط سیستم ایمنی جلوگیری می‌شود. تضمین استفاده از کمربند ایمنی داستان دیگری است.

مکتب سوم: یکپارچگی سازمانی

مکتب یکپارچگی سازمانی شامل یکپارچه سازی سیستم‌های عملیاتی یک سازمان، راهبردهای کنترل فساد و استانداردهای اخلاقی است. به طوری که یک هنجار از رفتار اخلاقی ایجاد شود (Mate ۲۰۱۱,). موضوع اصلی این مکتب به نظریه «سیب گندیده» اشاره دارد که در یک جعبه سیب در صورت وجود یک سیب خراب که همه سیب‌ها را می‌تواند خراب کند. پیش فرض این مکتب فکری آن است که انحراف ناشی از خود سازمان بر افراد شاغل در آن تأثیر می‌گذارد و به طور مسلم، با هدف قرار دادن افراد در تلاش‌های ضد فساد به احتمال زیاد به موفقیت کمتری خواهیم رسید تا اینکه متن سازمانی که افراد در آن به کار گرفته میشوند، هدف قرار گیرد. براساس این مکتب، بر درست کاری تمام سیستم‌های عملیاتی سازمان، راهبردهای کنترل فساد و استانداردهای اخلاقی تأکید می‌شود و هدف، ایجاد هنجار اخلاقی است. پیش فرض این مکتب

فکری آن است که انحراف، ناشی از نوع سازماندهی است نه افرادی که در سازمان مشغول به کار هستند. یعنی اقدام‌های خلاف فساد اداری ناشی از تراوش بدی‌های سازمان به افراد بی گناه درون آن است. از این رو، هدف گرفتن افراد در مبارزه با فساد از هدف گرفتن محیط سازمانی که در آن فعالیت می‌کنند، موفقیت کمتری خواهد داشت. سازمان باید ساختاری پدید آورد که احتمال شکل گیری رویه های فاسد را از بین ببرد. به طور خلاصه، توانایی فرد برای تفسیر قواعد یا تصمیم گیری در مورد اعمال یا عدم اعمال یک پروتکل معین باید توسط سیستم محدود شود. در این روش پیشنهاد شده است که سازمان باید چهارچوب ساختاری ایجاد کند تا امکان حذف شیوههای فاسد فراهم شود و در کوتاه مدت، توانایی فرد برای تفسیر قوانین یا تصمیم گیری برای دستکاری فرآیند، شناسایی شود (Larmour& Wolanin , ۲۰۰۱).

با این حال حتی امروزه، بحث‌ها در خصوص سازمان ضد فساد از یک منطق دوگانه نگرش سیاه و سفید تشکیل شده است. سازمان ضد فساد یا به عنوان پاسخ دیده می شود یا خیر. نیاز زیادی وجود دارد که روی خوب یا بد بودن سازمان ضد فساد متمرکز شویم بلکه توجه خود را به دلیل اندازه زمینه و.... معطوف کنیم.

فصل دوم

سازمان‌های بین المللی مبارزه با فساد

سازمان‌های بین المللی و برنامه کاری مبارزه با فساد

نخستین سازمان بین‌المللی که به طور علنی درباره فساد سخن گفت، سازمان ملل بود و این کار را پیش از به صحنه آمدن صنعت مبارزه با فساد به خوبی انجام می‌داد. مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای را به تصویب رساند که از ۱۹۷۵ درخواست همکاری بین المللی علیه فساد و رشوه خواری را در معاملات تجاری بین‌المللی مطرح می ساخت؛ هر چند که ناکامی دیگر نهادها در روی از این مطلب، منجر به این شد که این قطعنامه تا حد زیادی به صورت یک کاغذ پاره باقی بماند. بیست سال کامل طول کشید که قطعنامه ای دیگر درخواست شود؛ این بار برای همکاری عمیق تر و پایدارتر در توقف رشوه خواری مقامات خارجی؛ چیزی که در بسیاری از کشورها هنوز واقعاً می‌توان به خاطر اهداف مالیاتی، برای مبارزه با آن تلاش کرد. در نهایت، «بیانیه سازمان ملل علیه فساد و رشوه خواری در معاملات تجاری بین المللی» به تصویب رسید؛ زیرا جامعه بین الملل در پی دنبال کردن اهداف توسعه ای خود، از طریق گشودن کانال‌های تجارت بین المللی جدید، شفاف تر و کاراتر بود. در پی پیشرفت غیر منتظره ۱۹۹۶، سازمان ملل متحد به طور مرتب، قطعنامه هایی را به تصویب می رساند که از دولت‌های عضو می‌خواست تا در مبارزه علیه فساد (و به خصوص رشوه خواری) بیشتر بکوشند. قطعنامه‌های سازمان ملل متحد همواره در صحبت از اهمیت حفظ و بهبود استانداردهای رفاهی مردم عادی با دقت سخن می‌گفتند، اما منطق پشت این قطعنامه ها باز هم روشن بود؛ ایجاد سازوکارهای بازاری کارا، راهی بود که نه تنها تولید ثروت می کرد، بلکه مسیری برای نیل به اهداف گسترده تر توسعه و پیشگیری از فساد نیز بود.

به طور عمده به این سبب که سازمان ملل متحد ابزارهای اجرایی کردن یا حتی نظارت بر تلاش‌های مبارزه با فساد خود را در اختیار نداشت، آثار عملی قطعنامه‌های سازمان ملل متحد به نسبت کوچک باقی ماند. مشابه همین را می‌شود درباره OECD گفت؛ زیرا این سازمان هم شروع به تفکر به نسبت بیشتری درباره تأثیر فساد کرد درباره OECD ، دولت ایالات متحده مایل بود که این سازمان و (متعاقب آن، دیگر کشورها) را به سمت امضای موافقت نامه هایی ببرد که بر اساس «قانون اقدامات مفسدانه خارجی» خود آمریکا در ۱۹۷۷ بنا شده باشند (که شرکت‌های آمریکایی را از پرداخت رشوه به مقامات خارجی منع می‌کرد) تمایل امریکا برای یکنواخت کردن شرایط میان کشورها و متوقف ساختن قرار گرفتن شرکت‌هایش در موقعیتی نامطلوب نسبت به بنگاه‌های

دیگر کشورها (که به طور تلویحی، هنوز مجاز به رشوه دادن بودند)، به طور قطع یکی از دلایلی بود که OECD «کنوانسیون مبارزه با رشوه خواری مقامات دولتی خارجی در معاملات تجاری بین المللی» را در نوامبر ۱۹۹۷ وضع کرد. کنوانسیون مذکور از امضاکنندگان (که در وقت نگارش متن ۳۸ عضو بودند) می‌خواست که با وضع مقررات داخلی، رشوه مقامات دولتی خارجی را جرم اعلام کنند و تحریم‌های سنگینی را بر کسانی که نقض قانون می‌کنند، تحمیل کنند. تأثیر ایالات متحده در پیش بردن این کنوانسیون کم نبود، اما اگر این، فقط یک سیاست آمریکایی تحمیل شده به برنامه کاری بین‌المللی می‌بود، بعید به نظر می‌رسید که آمریکایی‌ها دو دهه کامل را برای به ثمر نشستن این کنوانسیون به انتظار می‌نشستند. در حقیقت، این واقعیت که اتفاق نظر رو به رشدی در میان دامنه ای از NGOهای پرنفوذ و دانشگاهیان (به طور عمده اقتصاددانان) بر سر این وجود داشت که فساد مانع از رشد اقتصادی و همچنین به طور کلی تر، توسعه می‌شود نیز نقش مهمی را ایفا کرد.

در حالی که تأثیر یک برنامه کاری مجزا در توسعه چارچوب‌های مشخصی از مبارزه با فساد در سازمان ملل متحد و OECD مشهود است، تأثیر بسیار صریح تر آن ـ و بسیار واضح‌تر، مرتبط با مجموعه مشابهی از فروضی که راهنمای دانشگاهیان فعال در مکتب انتخاب عمومی است - هم در بانک جهانی و هم در IMF بوده است. از اواسط دهه ۱۹۹۰ اندیشمندان دارای ارتباط با IMF، شروع به انتشار مقالات در مجله های دانشگاهی کردند و این بحث را مطرح کردند که فساد دارای تأثیری منفی بر دامنه ای از شاخصهای اقتصادی مثل رشد و سرمایه گذاری است. از این فراتر در سپتامبر ۱۹۹۶، IMF «همکاری برای رشد جهانی پایدار» را بنا نهاد که در آن مقابله با فساد، به عنوان «عنصر ضروری چارچوبی که در آن، اقتصادها می توانند شکوفا شوند» نشان داده می‌شد.

از افزایش شمار فعالیت‌های مبارزه با فساد در سالیان اخیر، می‌توان چند درس آموخت. اول، نقش‌های حمایتی و افزایش هشیاری گروه‌هایی مانند TI این اطمینان را می‌داد که فساد در حال حاضر به چالش سیاستی ای بدل شده است که بسیار جدی گرفته می‌شود. درواقع، توسعه صنعت مبارزه با فساد دارای گردش مالی یک میلیارد دلار- با در نظر گرفتن تعداد همواره فزاینده افرادی که به ظاهر از آن امرار معاش می‌کنند - اثرگذاری چندان جالبی از خود برجا نگذاشت. با

این حال، این واقعیت که بسیاری از مردم و سازمان‌ها در حال حاضر درگیر تلاش فعالانه برای مبارزه و اندیشیدن درباره فساد هستند نباید از جدیت برخورد ایشان با این کار بکاهد. ادعاهایی که این صنعت را بیش از حد به فکر منافع خویشتن می‌داند، تقریباً بدون تردید غلو آمیز هستند.

یکی از درس‌های کلیدی ای که باید از رشد سریع صنعت مبارزه با فساد آموخت، این است که بستر، حایز اهمیت است. سازمان‌های بین‌المللی و تحلیلگران آکادمیکی که مهمات و نیازهای نظری آنها را تأمین می‌کنند، مطمئناً از این نکته، حمایت لفظی به عمل می آورند، ولی راهکارهای عملی پیشنهادی این سازمان‌ها گاه ناامید کننده بوده است. فقط همین اواخر بود که مجموعه ای از بازیگران برجسته مبارزه با فساد پذیرفتند - آن هم اغلب، پشت درهای بسته - که برنامه های تعمیم یافته اصلاحات (اجتماعی، اقتصادی، نهادی و سیاسی) برای آنچه که در واقعیت، مسائل غامض مختص مکان‌های جغرافیایی معین و ذاتاً سیاسی‌اند، راه حل فراهم نکرده است. یکی از راههای نویدبخش تر تحقیقاتی که نگاهش، جبران کسری‌هایی است که در اینجا تحلیل کردیم، شامل مفهوم «کیفیت حکمرانی» است. برای عده ای، حکمرانی واژه‌ای گنگ باقی مانده است که زیاد مهم نیست، ولی پیشرفت های اخیر در درک نه تنها معنای این مفهوم بلکه فهم اینکه میزان خوبی (یا بدی) رژیم حکمرانی یک دولت چقدر باید باشد، ممکن است در توسعه رویکردهای مثمر ثمرتر مقابله با فساد سودمند واقع شوند.

ویژگی‌های مختلف سازمانی سازمان‌های مبارزه با فساد

دنیای سازمان های مبارزه کننده با مفاسد اقتصاد، ملون‌تر و متنوع تر از آن چیزی است که بتوان انتظار داشت. بنابراین، باید مراقب وسوسه ایجاد روش های ارزیابی استاندارد شده یا ابزاری بود که به طور یکنواخت برای استفاده تمام سازمان ضد فساد در نظر گرفته می‌شود. به طور کلی، طراحی یک سازمان ضد فساد نباید بر قابلیت ارزیابی آن تأثیر بگذارد، بلکه ارزیابی کنندگان باید آگاه باشند که منطق مداخله یا نظریه های تحول میتواند از یک سازمان تا سازمان ضد فساد دیگر تا حد زیادی متفاوت باشد. بنابراین، ارزیابی‌ها باید چالش و زمینه خاص سازمان ضد فساد را بشناسند و آن را مد نظر داشته باشند. برخی کشورها تصمیم به راه اندازی نهادهای جدیدی برای مبارزه با فساد گرفته اند، برخی دیگر تنها قابلیت و کارآیی نهادها و سازمانهای موجود را تغییر داده اند یا بازبینی کرده اند. برخی ترجیح داده اند که سازمان ضد فساد اقتصادی با نقشی

پیشگیرانه، آموزشی و آموزنده به راه بیندازند. بقیه پا را فراتر گذاشته اند و سازمان ضد فساد اقتصادی چند منظوره تخصصی شده با دستور پیشگیری، تحقیق و بازپرسی و در برخی موارد پیگرد قانونی فساد اقتصادی، به راه انداخته اند. نوشته‌ها و کتاب‌های مختلفی، مجموعه‌ای از پیش نیازهای خاص سازمانی را برای طبقه بندی سازمانهای ضد فساد اقتصادی مشخص کرده اند.

البته در عمل، سازمان‌های ضد فساد بسیار کمی تمام این شرایط را دارند. هیچ مدل استانداردی در خصوص اینکه یک سازمان ضد فساد باید شبیه به چه باشد، وجود ندارد. هیچ سیستمی به عنوان یک سیستم مطلوب و آرمانی برای ارزیابی راهبرد شناخته نشده است (دیوید ،۱۳۸۷، ص ٥٦٨). برخی سازمان‌های ضد فساد به تازگی به عنوان نهادهای قانونی ایجاد شده اند. بسیاری از آنها به عنوان واحدهای ویژه در دفاتر دادستانی و بازرسی ویژه، سازمان‌های حسابرسی ملی یا نیروهای پلیس، تشکیل شده اند. بسیاری هم تنها با قابلیت‌های پیشگیرانه یا نقش‌های هماهنگ کننده، راه اندازی شده اند، محدودیتی که باعث می‌شود این ذهنیت شکل گیرد که آیا این سازمان‌ها و مؤسسه ها، تنها برای برآورده کردن خواسته های حامیان آن راه اندازی شده اند؟

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در گزارشی با عنوان «مؤسسه های تخصصی مبارزه با فساد: بررسی مدل ها (OECD , ۲۰۰۷)، کوشید سازمان های موجود را به سه دسته تقسیم کند:

مؤسسه‌های متخصص با قابلیت‌های متعدد: به سازمان‌های مبارزه با فساد به معنای اخص با قدرت‌های بازدارنده و اجرایی و طیف گسترده ای از فعالیت‌هایی اشاره دارد که فراتر از تحقیقات سنتی جنایی مانند تحلیل سیاست، کمک،های مشاوره ای و فنی، انتشار اطلاعات نظارت اخلاقی، آموزش و تحقیقات علمی است (برآورد ریسک، بررسی علمی و...)؛ از جمله نمونه های این سازمان‌ها در هنگ کنگ، سنگاپور، استرالیا، بوتسووانا، لیتوانی و لتونی وجود دارد.

سازمان‌های تخصصی در درون نیروهای پلیس یا سازمان‌های قضایی: در برخی موارد، این گروه مشابه، ترکیبی است از قابلیت‌های تحقیقاتی و کیفری، مانند اداره ملی مبارزه با فساد رومانی (DNA). ثابت کردن اینکه این نوع تا چه اندازه متفاوت از ۲ مورد دیگران (منظور مورد قبول بوده

است) بوده، کار دشواری است، زیرا برخی از این گروه ها نیز فعالیت های پیشگیرانه دارند. نمونه های دیگر آن در کشورهای نروژ، بلژیک، اسپانیا و پرتغال وجود وجود دارد.

مؤسسه های با قابلیت‌های صرفاً پیشگیری و بازدارندگی: این مؤسسه ها احتمالاً تحقیقات علمی درباره فساد، گسترش و توصیه درباره سیاست‌های کنترل فساد را برای گروه های تصمیم گیر انجام می‌دهند، اصلاحات در بخشهای با ریسک بالا در حوزه های عمومی و خصوصی را نظارت و معرفی می‌کنند (مانند برنامه ریزی شهری کارهای عمومی، تدارکات کشوری، کازینو، آداب و رسوم و...)، نظارت بر قوانین مربوط به کشمکش‌های منافع و اظهارنامه های اموال، قوانین تنظیم و اجرای رفتار، کمک به مقام‌های دولتی در خصوص مسایل فساد، تسهیل همکاری‌های بین المللی در این زمینه و واسطه گری بین جامعه مدنی و گروه‌های کشوری با قابلیت در این زمینه از جمله فعالیت‌های دیگر این مؤسسه هاست. نمونه‌های این سازمان‌ها در مقدونیه، فرانسه، مالت و آمریکا وجود دارد.

یک موضوع مشخص، اما گاهی اوقات مغفول در اندازه گیری عملکرد سازمان ضد فساد، این است که قدرت و ظرفیت‌های سازمان ضد فساد باید هم راستا با انتظاراتی باشد که از آن وجود دارد؛ برای مثال، یک سازمان ضد فساد با قابلیت‌های صرفاً بازدارندگی نباید با استفاده از شاخص‌های اجرایی اندازه گیری شود.

ارزیابی کنندگان باید به تعدادی از ویژگی‌های سازمانی و عوامل خارجی که به طور خاص تأثیر و نفوذ زیادی در عملکرد یک سازمان ضد فساد دارند، توجه داشته باشند. مسایل مربوط به ظرفیت که می‌تواند به شکست سازمانی در سطوح مختلف منجر شود، شامل موارد زیر است:

عوامل سازمانی: سطوح عملکرد ضعیف، هم ناشی از فرآیندهای نامناسب استخدام و پاسخگویی و نبود تمهیدات لازم برای مدیریت ظرفیت سازمان به منظور فعالیت و انجام وظایف آن براساس دستورات است و هم هماهنگی ناکارآمد با دیگر سازمان‌های رقیب؛ این مسأله، جلوی ظرفیت فنی یک سازمان ضد فساد را می گیرد. مشکلات مربوط به جمع آوری اسناد و مدارک درباره فساد یا اطلاعات درباره حوزه‌های با ریسک بالای فساد در دیگر سازمان و نهادهای دولتی، باعث کاهش کارآیی سازمان ضد فساد می‌شود. همچنین سازمان‌های ضد فساد اغلب فاقد

قدرت لازم برای اطمینان یافتن از اجرای توصیه های خود از سوی مؤسسه ها و سازمانهای دولتی هستند. در اغلب موارد، چهارچوب قانونی برای همکاری های درون سازمانی در آغاز به دقت مورد بررسی قرار نگرفته است. علاوه بر این سازمان‌های ضد فساد اغلب با انبوهی از دستور کار گسترده تر مواجه بوده اند. سازمان های چند منظوره‌ای که بر سر این دو راهی قرار دارند که باید فساد را کاهش دهند (اقدام براساس تهدید) و در عین حال سازمانی مبتنی بر مشاوره برای پیشگیری (اقدام براساس اعتماد) باشند.

عوامل مالی: نبود منابع مالی، تهدیدی مداوم برای هر سازمانی است. با اینکه بودجه‌های عظیم به لزوم سطوح بزرگتری از بهره‌وری را ایجاد نمی‌کنند، اما باید توجه کرد که برخی سازمان ضد فساد تحت شرایط بد مالی هستند که امکان دارد به طور جدی به تعقیب اهداف آنها لطمه بزنند.

چهارچوب قانونی و عوامل خط مشی: سازمان ضد فساد به سبب گزینه های سیاستی در خلال فرآیندهای قانونی که وضعیت قانونی آنها قدرت‌های خاص، موقعیت سازمانی، به اشتراک گذاشتن قابلیت‌ها و اطلاعات، استقلال مالی، فرآیندهای گزارش دهی و.... را مشخص می‌کند، ممکن است با محدودیت‌های رویارویی مختلفی مواجه باشند. در چهارچوب این قوانین، تمام سازمان‌های ضد فساد به نحوی «مستقل» هستند. البته در عمل میزان استقلال عملیاتی، از یک سازمان به سازمان دیگر، به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. در بسیاری موارد، این گروه‌ها تنها از نظر اسمی از لحاظ عملیاتی و مالی مستقل هستند.

عوامل رهبری و تخصصی: مهارت‌های فردی، تجربه و دانش کارکنان سازمان ضد فساد در موفقیت آنها ضروری است. موضوع های قابلیت و استعداد هم مربوط به ظرفیت های فنی سازمان ضد فساد و هم مربوط به ظرفیت های وظیفه ای (مانند رهبری، مدیریت منابع انسانی، برنامه ریزی، یادگیری سازمانی) است. یکی از مزایای سازمان های ضد فساد در مقایسه با اجراکنندگان سنتی قانون، ظرفیت آنها برای ایجاد یک روش مبتنی بر دانش برای مبارزه با فساد از طریق برآورد ریسک و یک سری مطالعات دیگر است. به طور اصولی این گروه ها باید گروهی از کارشناسان در اختیار داشته باشند (در عین حال از دانش و تجربه دیگر واحدهای نظارتی کمک بگیرند و در مقابل، دانش و تجربه خود را به اشتراک بگذارند). البته در عمل، واحدهای نظارتی بسیار کمی با چنین قابلیت تحقیقاتی و علمی به وجود آمده اند.

عوامل محتوایی: میزان موفقیت سازمان ضد فساد باید در محتوا مشاهده شود. فرهنگ های سازمانی، سطوم توسعه ملی و ثبات سیاسی، زمینه و پشتوانه این سازمان‌هاست. به ندرت می‌توان انتظار داشت که یک سازمان ضد فساد به قدر کافی در کشوری با مشکلات حکومتی زیاد بتواند فعالیت کند.

این موضوع های مربوط به قابلیت‌های متفاوت، چالش‌های متفاوتی برای اندازه گیری و ارزیابی و موضوع قابلیت ارزیابی به وجود آورده است. به طور خلاصه، سازمان‌های ضد فساد وجوه اشتراکی دارند که یک ارزیابی کننده می تواند روی آن حساب کند، اما از سویی، به رسمیت شناختن تفاوت‌های نامحسوس در دستورات و عملکردها و عواملی که به طور معمول برای شکست سازمانی مدنظر است، اهمیت دارد. این موضوع می تواند افزایش قابلیت ارزیابی سازمان ضد فساد و ارتقای ارزیابی‌های مستند پایه را ممکن سازد. در طراحی یک راهبرد مبارزه با فساد آگاهی از ویژگی‌های اساسی و ماهیت فساد ضروری است (Johnson, Hechler, 2011)

نمایه ها و شاخص‌های فساد

استفان ترانپل در کتاب شاخص‌های اندازه گیری فساد و ضد فساد (۱۳۹۵: ۱۳)، فساد را پدیده‌ای می‌داند که دارای ماهیتی فراگیر است و جامعه به عنوان یک کل، در دراز مدت از تبعات آن در رنج قرار می‌گیرد. او در حالی که فساد را یک پدیده پنهان و اغلب، پیش بینی ناپذیر می‌داند چند ویژگی زیر را عامل این پیش بینی ناپذیر بودن می‌داند:

- دارا بودن انواع متنوع: رشوه، اخاذی،کلاهبرداری، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از اختیار، جانبداری، خویشاوند سالاری، رد و بدل کردن هدیه، رابطه مداری در انتصاب و ارباب سالاری.
- رخ دادن در تمام سطوح جهانی، ملی، استانی، و محلی.
- احتمال وقوع از سوی هر عاملی به صورت خواسته یا ناخواسته: افراد، صاحبان کسب و کار، مقامات دولتی سیاستمداران بازیگران دولتی یا غیر دولتی.

نکته قابل تأمل در نوشته ترانپل اینکه باید به سمت ابداع روش‌هایی حرکت کرد مک آنها بتوان میزان فساد را اندازه گیری نمود. اهمیت این مسئله از آن روست که اندازه گیری فساد، ابزاری برای مستندسازی روشهایی است که به واسطه آن‌ها قدرت از مسیر درست خود خارج می شود و منابع به هدر می رود. داده های مرتبط با فساد و اندازه گیری آن، علاوه بر تعیین کمّی میزان مبالغی که از خزانهٔ ملی ضایع شده یا مبالغی که از طریق فعالیت‌هایی همچون رشوه دهی توسط عموم به دست آمده است می‌تواند بخش‌های مشکل زایی را که نیازمند توجه بیشتر از سوی نهادهای پاسخگو هستند، شناسایی کند.

از اینجا بحث تولید شاخصهای فساد و ضد فساد مطرح می شود. در حالی که شاخص‌های فساد ابزارهایی برای اندازه گیری میزان فساد قلمداد می‌شوند، شاخص‌های ضد فساد، همین کار را در مورد روش‌های پیشگیری یا مبارزه با فساد در حوزه ترتیبات نهادی، فرایندها، سازوکارها، اقدامات خروجی‌ها و نتایج به ویژه در ارتباط با سه مفهوم شفافیت، پاسخگویی و درستکاری انجام می‌دهند.

در این حال، اتفاق دیگری که در طول قریب به سه دههٔ پیش افتاده، توجه به شاخص‌های حکمرانی به عنوان شاخصهای نشان دهنده وجود فساد اندازه آن و اندازه و حجم اقدامات علیه آنهاست. به دلیل زیاد بودن شمار شاخص‌ها سه مورد کلی از نمایه‌ها و شاخص‌های یاد شده شامل اندازه‌گیری فساد مبتنی بر پیمایش، شاخص‌های حکمرانی جهانی و شاخص‌های ارائه شده بر اساس ظرفیت دولت در جدول ذیل ارائه می‌شود:

اندازه گیری‌های فساد نمایه‌ها و شاخص‌ها (مالیتو، ۱۳۹۶)

	ارائه دهنده	**اندازه گیری**
	بانک اروپایی برای بازسازی و توسعه بانک جهانی	بررسی عملکرد پروژه و محیط کسب و کار
	مؤسسه گالوپ	صدای نظر سنجی مردم

	کسب و کار جهانی محدود به رسانه	شاخص کسب و کار بین المللی؛ شاخص تجربه فساد
فساد مبتنی بر پیمایش	شفافیت بین الملل	شاخص ادراک فساد
	سازمان شفافیت بین الملل و گالوپ	شاخص ادراک رشوه خواری، بارومتر جهانی فساد
	کمیسیون اروپا	بارومتر اروپا
	کنسرسیوم تحقیقاتی اروپا	بررسی‌های ارتکاب جرایم بین المللی
	خانه آزادی	کشورهای در حال گذار
شاخص‌های حکمرانی جهانی	سازمان جهانی سلامت اداری و بنیاد مو ابراهیم	شاخص‌های درستکاری افریقا شاخص‌های حکمرانی افریقا شاخص‌های سلامت اداری جهانی
	مؤسسه توسعه مدیریت	گزارش رقابت جهانی
	دانشگاه ایالتی میشیگان	بارومتر افریقایی
	بانک جهانی	شاخص‌های حکمرانی جهانی
	انجمن اقتصاد جهانی	سالنامه رقابت جهانی گزارش رقابت جهانی
شاخص‌های ظرفیت دولت	مؤسسه بروکینگ	شاخص ضعف کشورها در دنیای رو به توسعه

	مؤسسه بروکینگ	شاخص حاکمیت
	مرکز سیاست جهانی در دانشگاه جورج ماسون	شاخص شکنندگی دولت
	دانشگاه کلمبیا	پیمایش ظرفیت دولت

در میان شاخص‌های مختلف سنجش فساد، شاخص ادراک فساد شهرت بیشتری دارد و به عنوان یکی از معروفترین شاخص‌های بین المللی، هر ساله مکان کشورها را از نظر پاکی و سلامت اعلام می‌نماید.

شاخص ادراک فساد را نخستین بار یوهان لمبسدورف، استاد اقتصاد دانشگاه گوتینگن آلمان، در سال ۱۹۹۵ تهیه کرد و در سال ۱۹۹۶ از سوی سازمان شفافیت بین الملل به صورت ارائه شد. شفافیت بین الملل، یک سازمان مردم نهاد است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و مقر آن در شهر برلین قرار دارد و مأموریت آن، ارتقا، شفافیت، پاسخگویی و درستکاری در تمام سطوح و بخش‌های جامع و چشم انداز این سازمان، جهانی است که در آن حکومت، سیاست، تجارت، جامعه مدنی و زندگی روزمرۀ افراد عاری از فساد باشد (حق شناس، ۱۳۹۶: ۱۰).

سازمان شفافیت بین الملل، علاوه بر سنجش فساد در کشورهای مختلف، توصیه‌هایی به این کشورها برای کاهش فساد ارائه می‌کند. از میان گزارش‌های مختلف منتشر شده از سوی این سازمان، چهار گزارش شاخص ادراک فساد، بارومتر جهانی فساد، گزارش جهانی فساد و نظام درستکاری ملی شهرت بیشتری دارند. شاخص ادراک فساد روی فساد در بخش عمومی متمرکز است و فساد را سوء استفاده از منصب عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌کند. این شاخص که تقاضای فساد را نشان می‌دهد، شاخصی ترکیبی است که با سنجش‌های گوناگون میدانی و اسنادی به دست می‌آید و مبتنی بر ادراک و نگرش شماری از تجار، تحلیل گران اقتصادی، سیاستمداران و مدیران بخش دولتی است و سلامت کشورها را از صفر تا صد نشان می دهد و هرچه این عدد مربوط به یک کشور به صد نزدیک تر باشد، آن کشـور سـالم تر محسوب می‌شود (حق شناس ،۱۳۹۶ :۱۲). کشورهای با رتبه بالا در این شاخص، دارای میزان بالایی از آزادی مطبوعات، دسترسی به اطلاعات در مورد هزینه‌های دولتی، استانداردهای قوی برای درستکاری

مقامات دولتی و نظام قضایی مستقل و کشورهای دارای رتبه پایین در شاخص ادراک فساد دارای نهادهای دولتی غیر قابل اعتماد و ناکار آمد از جمله پلیس و قوه قضاییه هستند و مردم در بخش خدمات اساسی، اغلب با رشوه و اخاذی مواجه اند و در این زمینه‌ها با بی‌اعتنایی مقامات مسئول روبه رو می‌شوند.

سرانجام آخرین نکته در این خصوص اینکه شاخص‌های ترکیبی به رغم محاسنی که دارند، معایبی نیز دارند و به همین دلیل، ادراک حاصل از اندازه گیری های ترکیبی، گاه از سوی منتقدان، نادرست یا ناقص تلقی می‌شود، از جمله اینکه اگر مرجع ادراک از یک فرد متخصص به یک فرد عادی تغییر کند، به احتمال زیاد، درک بیان شده از فساد تغییر می‌کند. به علاوه، عمل مقایسه در طول زمان می‌تواند مشکل ساز باشد، زیرا روش شناسی و منابع داده‌ای بسیاری از شاخص‌های ترکیبی هر ساله تغییر می‌کنند. انتقاد مهم دیگر وارد شده بر شاخص‌های ترکیبی، تفکیک ناپذیر بودن آنهاست. تفکیک این شاخص‌ها بر اساس درآمد، جنسیت و مانند آن دشوار است (ترانپل، ۱۳۹۵ :۱۵).

فصل سوم

مفهوم و ادبیات فساد در ایران

مفهوم و ادبیات فساد در ایران

در قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ در بند الف از مادهٔ اول، فساد چنین تعریف شده است:

«فساد در این قانون، هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عملاً و با هدف کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را بر اموال، منافع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی».

برخی دیگر از نویسندگان (مثلاً نک: همدمی خطبه سرا ،۱۳۸۷ :۱۰۷-۸۵) مصادیق فساد را به شکل عمده در ایران در قالب فسادهای مالی مورد توجه قرار می‌دهند که برخی از آنها بدین قرار است: کلاهبرداری (ربودن مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه)؛ تحصیل مال نامشروع (به دست آوردن یا تصاحب مال یا وجه از طریق فاقد مشروعیت قانونی)؛ رشوه (دریافت وجه یا مالی از سوی مستخدمان و مأموران دستگاه‌های مذکور در مقابل انجام دادن یا ندادن امری که مرتبط با سازمان‌های مذکور در آن ماده باشد، اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها باشد یا به مأمور دیگری در آن سازمان مربوط باشد و صرف نظر از اینکه این کار، قانونی یا غیرقانونی باشد - ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری)؛ اختلاس (برداشت وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اوراق بهادار و سایر اموال متعلق یا در اختیار اشخاص مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری از سوی کارکنان دولت و سایر سازمان‌های مذکور در مادهٔ ۵ به نفع خود یا دیگری)؛ تبانی در معاملات دولتی (توافق کارمند دولت در معاملات یا مناقصه ها یا مزایده ها با افراد طرف قرارداد دولت به زیان دولت یا توافق افرادی غیر از کارکنان دولت با یکدیگر در معامله با دولت به زیان دولت)؛ اخذ پورسانت (دریافت وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال در رابطه با معاملات خارجی از سوی یکی از قوای سه گانه نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی و شهرداری ها)؛ اعمال نفوذ برخلاف حق و

مقررات قانونی (دریافت وجه یا مالی به ازای اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی از سوی مأموران دولتی یا شهرداری یا مأموران خدمات عمومی اعم از اینکه شخص، کارمند دولت باشد یا نباشد)؛ منظور داشتن نفع برای خود یا دیگری (منظور داشتن منفعتی برای خود یا دیگری در معاملات، تشخیصات و امتیازات مذکور در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی از سوی کارمندان این دستگاه‌ها و سایر اشخاص)؛ تصدی بیش از یک شغل (مستند به اصل ۱۴۱ قانون اساسی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳)؛ مداخلهٔ کارکنان دولت در معاملات دولتی؛ اعلام نکردن برخی جرایم مالی به مراجع ذی صلاح قضایی (ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی)؛ اظهارات از روی غرض و خلاف حق (مادهٔ ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی)؛ تضییع اموال و وجوه دولتی (حیف و میل و پایمال کردن و ضایع نمودن اموال و وجوه در اختیار دستگاه‌های ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی)؛ تصرف غیر مجاز در اموال و وجوه دولتی؛ جلوگیری از اجرای قانون (سوء استفاده کارکنان دولت از مقام خود و جلوگیری از اجرای اوامر کتبی دولتی، اجرای قوانین مملکتی و اجرای احکام یا اوامر مقامات یا جلوگیری از هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد)؛ خیانت در امانت (تصاحب، تلف یا استعمال مال یا وجهی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به طور موقت به عنوان امانت یا به طور کلی به موجب یک رابطهٔ حقوقی به امین سپرده شده است)؛ جعل و تزویر (ساختن نوشته یا سند، ساختن مهر امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن، تراشیدن یا قلم بردن، الحاق، محو، اثبات، سیاه کردن یا تقدیم و تأخیر تاریخ سند ثبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگـر یـا بـه کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن به قصد تقلب)؛ اخلال در نظام اقتصادی کشور؛ تخریب و معدوم کردن و ربودن اسناد و مدارک؛ قاچاق ارز و کالا؛ و فرار مالیاتی.

برخی تمهیدات قانونی مبارزه با فساد در ایران

۱. فرمان هشت ماده ای رهبری

۲. سیاستهای کلی قضایی،

۳. قانون مجازات اسلامی،

٤. قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد،

۵. دستورالعمل ۹ ماده ای پیشگیری و مقابله نظام مند و پایدار با مفاسد اقتصادی در قوه مجریه (۱۳۹۳)،

٦. قانون رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از لشکری و کشوری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها ۱۳۳۷/۱۲/۲٦،

۷. طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران،

۸. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور ۱۳۶۰ و اصلاحات ۱۳۷۵، ۱۳۸۷ و۱۳۹۳،

۹. قانون دیوان محاسبات کشور

۱۰. قانون محاسبات عمومی کشور،

۱۱ . آیین نامه معاملات دولتی ۱۳٤۹/۱۲/۲۷ (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴ : ۶۰)

فساد در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری

گفتار اول : نتایج، فواید و اهمیت مقابله با فساد

۱- پایه و اساس مشروعیت دولتمردان و مسئولان (بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت بزرگداشت هفته دولت، ۱۳۷٤/۰٦/۰۸)

۲- دلیل سلامت نظام (بیانات در اجتماع با زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۳- اداره کشور وابسته به مبارزه با فساد (بیانات در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷)

٤- افزایش دهنده کارآیی نظام، حل‌کننده معضلات اقتصادی (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۰٦/۱۵)

۵- ایجاد کننده کارآمدی نظام (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۰٦/۱۵)

۶- عنصر حقیقی و اساسی در اصلاح کشور(پیام نوروزی، ۱۳۸۱/۰۱/۰۱)

۷- ضرورت مبارزه با رسوخ فساد(بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲)

۸- مبارزه با فساد مالی و اقتصادی نقطه اتکا امید و اعتماد مردم(بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۹- وظیفه امروز مدیران (بیانات در دیدار با رییس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۷٤/۰٦/۰۸)

۱۰ - فلسفه وجودی نظام جمهوری اسلامی (بیانات در دیدار با رییس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۰٦/۰۵)

۱۱ - فلسفه وجودی نظام جمهوری اسلامی(بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مطهر امام رضا(ع)، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۱۲ از مسائل مهم نظام اسلامی (خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹)

۱۳ - اصول انقلاب اسلامی (بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱/۰۳/۱٤)

۱۴ - اهمیت حیاتی برای نظام (بیانات در دیدار معاونان و کارکنان قوه قضاییه، در آستانه سالروز هفتم تیر، ۱۳۸۱/۰٤/۰۵)

۱۵- صلاح کشور در رفع ظلم و بی عدالتی و تبعیض (بیانات در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۰۸)

۱۶- مبارزه با فقر فساد و تبعیض سه شاخص اصلی اصلاح امور کشور (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱٤)

۱۷- ایجاد کننده امنیت اقتصادی(فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۱۸ - موجب اطمینان سرمایه گذار(بیانات در اجتماع کارگران کارخانه های تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۲/۱۰)

۱۹ - ایجاد کننده امنیت ،اقتصادی مختل کننده امنیت مفسدان (بیانات در دیدار خانواده شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۸٦/٤/۷)

۲۰- ایجاد کننده فعالیت سالم اقتصادی (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/٦/۲)

۲۱- بسترساز رقابت سالم اقتصادی و کمک کننده به اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و متصدیان اجرای اصل ٤٤ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

۲۲ - ایجاد کننده احساس امنیت و اطمینان سرمایه گذار(بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف، ۱۳۸۰/٤/۱۰)

۲۳- موجب امنیت کشور و ارتقای عزت بین المللی(بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۷)

۲٤- از ملزومات شکوفایی ،اقتصادی ارکان تقویت و ترویج تولید داخلی(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۲۵- استقرار عدالت با مبارزه با فساد (بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/٦/۵)

۲۶- کمک کننده به استقرار عدالت اجتماعی (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان، ۱۳۸٤/۰۲/۱۱)

۲۷- ایجاد کننده اعتماد عمومی(فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۲۸- یک جهاد واقعی (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۲۹- موجب احساس آرامش در مردم (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۰۶/۱۵)

۳۰ - مبارزه با فساد اقتصادی یکی از سه موضوع محوری رفع مشکلات مردم (بیانات اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۱۳۷۰/۱۲/۰٤)

۳۱- مطالبات مردم از مسئولان (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

۳۲ - موجب دقت افراد و عقب کشیدن دست‌های خیانتکار (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۰٦/۱۵)

۳۳- شرط مشروعیت همه مقامات نظام (بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

گفتار دوم: پیامدهای فساد

الف - پیامد فساد در ابعاد اداری مدیریتی

۱ - فلج کننده نظام (مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲)

۲- زلزله ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت نظام (بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

۳- از بین برنده دستاوردهای نظام (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۴- استفاده دشمن از مدیران و مردم فاسد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۵- موجب بی‌عدالتی و ورشکستگی مادی و معنوی(پیام به مناسبت راه پیمایی ۲۲ بهمن، ۱۳۸۰/۱۱/۲۳)

۶ - ذلیل برده و نوکرصفت شدن مردم در اثر فساد مدیران و کارگزاران کشور(سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳٦۹/۰٤/۲۰)

۷- ضایع شدن دستاوردهای نظام(پیام به مناسبت انتشار نامه ی امام جمعه‌ی اصفهان، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

۸- عمیق شدن فاصله طبقاتی (پیام به مناسبت انتشار نامه ی امام جمعه‌ی اصفهان، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

۹- خنثی کننده اقدام‌های مثبت(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۱۰ - بی نتیجه شدن تلاش‌ها در کشور (بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مطهر امام رضا(ع)، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۱۱ - القای ناکارآمدی نظام و به خطر افتادن امنیت ملی کشور

۱۲ - سلب امنیت از مردم(بیانات در دیدار با رییس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳٦۸/۰٦/۲۰)

۱۳ - آسیب رسیدن اساس پیشرفت کشور (بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۳/۰٤/۱۵)

۱۴- ناامید شدن قشرهای مختلف مردم (بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۳/۰٤/۱۵)

۱۵ - ضربه بسیار کلان و عظیم به کشور(بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

۱۶- کُند کننده حرکت عمومی کشور (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸)

۱۷- ناامید شدن مردم(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸)

۱۸ - کاهش اعتماد عمومی و امید مردم(بیانات در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱)

۱۹- از بین برنده محیط اطمینان(بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶)

ب- پیامدهای فساد در بعد سیاسی

۱- تداوم سلطه استکباری بر کشورهای عقب مانده(بیانات در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه نیروی هوایی، ۱۳۷۳/۰۳/۰۱)

۲- نفوذ دشمن در کشور(بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان، ۱۳۷۷/۰۹/۰۲)

۳- از ابزارهای دشمن(بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲/۰۳/۱٤)

۴- استفاده دشمن از مدیران و مردم فاسد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۵- از بین برنده اعتماد عمومی به نظام اسلامی (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

٦- اعمال قدرت ابرقدرت‌ها برکشورهای تحت نفوذ (بیانات در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه نیروی هوایی، ۱۳۷۳/۰۳/۰۱)

۷ -تسلط قدرت‌های شیطانی بر ملت‌ها (سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳٦۹/۰٤/۲۰)

۸- موجب ناامنی و ناامیدی در جامعه (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸)

۹- نابود کننده همه دستاوردهای انقلاب (بیانات در جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادیوم شهید عضدی رشت، ۱۳۸۰/۰۲/۱۱)

۱۰- مفسد اقتصادی خرابک‌ننده چهره نظام (بیانات در جمع ده‌ها هزار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه، ۱۳۸۱/۰۱/۰۹)

۱۱ - قرار گرفتن پول در خدمت قدرت و قدرت در خدمت پول(بیانات در دیدار مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۱۲ - بلا و بیماری عظیم (بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

ج - پیامدهای فساد در بعد اقتصادی

۱- تشویق مردم و سرمایه گذاران به کسب ثروت نامشروع(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۲- از بین رفتن ثروت عمومی (بیانات در اجتماع باشکوره مردم استان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۱)

۳- معوق کننده سرمایه گذاری درست و سالم در کشور (بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

۴- مانع فعالیت اقتصادی سالم و نومید کننده فعال اقتصادی مؤمن (بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

۵ - مأیوس شدن سرمایه گذار پاکدامن و صادق (بیانات در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱)

۶ - ناامن‌کننده محیط‌های اقتصادی و بیمار کننده اقتصاد کشور (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه السلام)، ۱۳۷۹/۰۱/۰٦)

۷- کاهش سرمایه‌گذاری (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۸- هرزروی منابع و ثروت کشور(بیانات در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷)

۹ - هدر رفتن اقدام‌ها و منابع کشور (پیام به مناسبت انتشار نامه ی امام جمعه ی اصفهان، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

۱۰ - از بین رفتن منابع محدود کشور به نفع متجاوزان به حقوق ملت (دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۱۳۷۰/۱۲/۰٤)

۱۱ - خالی شدن بیت‌المال به نفع حریصان و زیاده طلبان(بیانات در جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادیوم شهید عضدی رشت، ۱۳۸۰/۰۲/۱۱)

د - پیامد فساد در ابعاد ،قانونی قضایی و حقوقی

۱- جنگ مفسد اقتصادی با شرع و قانون (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵)

هـ - پیامدهای فساد در ابعاد اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی

۱ - دوری از خدا(بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱)

۲- انحرافات اعتقادی (بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱)

۳- دوری از رحمت الهی (بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱)

٤- از بین رفتن ایمان در جامعه از بین رفتن ریشه همه ارزش‌ها و اصالت‌ها (سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳٦۹/۰٤/۲۰)

۵ - بی ایمانی و سردرگمی مردم (دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳٦۹/۰٤/۲۰)

٦- تزلزل اخلاق انسانی (بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱)

۷ - ایجاد مفاسد فرهنگی و اخلاقی(بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

۸- گسترش فساد در جامعه(بیانات در دیدار با کارمندان و کارکنان دولت به مناسبت هفته دولت و روز کارمند، ۱۳۷۵/۰٦/۰۷)

۹ - رایج شدن انواع فسادها رایج شدن گناه(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۱۰- تزلزل اخلاق انسانی (بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱)

۱۱ - آلوده کردن همه چیز و همه جا(بیانات در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷)

۱۲ - انتقال بیماری مهلک دنیازدگی و شهوت‌زدگی در کشور(بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به مناسبت سوم شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۰٦)

۱۳- از بین رفتن اعتماد مردم(بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۵/۰٦/۰۳)

۱۴ - رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۱۵ - عمیق شدن فاصله طبقاتی (پیام به مناسبت انتشار نامه ی امام جمعه‌ی اصفهان، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

گفتار سوم: عوامل فساد

الف- عوامل فساد در ابعاد اداری مدیریتی

۱- بی‌توجهی به نیازهای مردم و ترجیح مقاصد باندی بر مصالح عمومی(پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۳)

۲- وجود تبعیض در دستگاه اداری و نبود وظیفه شناسی در مسئولان(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

۳- عدم احساس وجدان در تقدیم خدمات عمومی احساس مسئولیت نکردن در مواجهه با

عمومی، فساد کاری(بیانات در جمع مردم استان اردبیل، ۱۳۷۹/۰۵/۰۳)

۴- توجه نکردن به شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها و قابلیت‌های افراد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۵- سوء استفاده از بیت المال (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۶ - مسابقه رفاه میان مسئولان شکاف ،طبقاتی هزینه در جاهای بدون اولویت و تشریفاتی، میدان دادن به عناصر سوءاستفاده چی (پیام به مناسبت دومین همایش جنبش دانشجویی، ۱۳۸۱/۰۸/۰٦)

۷- وجود رشوه و پارتی بازی و اسراف و تجمل و خرجهای زیادی در دستگاه اداری(بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۰٦/۰٦)

۸- تبعیض رشوه و ارتشا در دستگاه اداری (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

ب- عوامل فساد در بعد سیاسی

۱ - وابستگی گرایش به دشمنان ،دین دشمنی با خودی‌ها (بیانات در دیدار علما و روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۸/۰۱/۲۳)

۲- استفاده از قدرت سیاسی برای منافع شخصی (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۳- سوءاستفاده از قدرت برای به‌دست آوردن ثروت‌های بادآورده(بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۳/۰٤/۱۵)

۴- سوء استفاده مسئولان از اموال عمومی (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸)

۵- چشم بستن مسئولان بر فساد اقتصادی (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸)

ج- عوامل فساد در بعد اقتصادی

۱- رواج رانت خواری در جامعه(بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۳/۰٤/۱۵)

۲- رواج فقر و افزایش فقیر و غنی(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۳- شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی(بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷)

٤- کسب ثروت از راه‌های نامشروع رانت خواری نبود امنیت شغلی و ثبات مقررات مصرف گرایی در جامعه ترجیح دلالی بر تولید(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

۵- اخلال‌های اقتصادی، قاچاق و سوء استفاده از ذخایر ملی و منابع بانکی (بیانات در اجتماع کارگران کارخانه ها، ۱۳۹۱/۰۲/۱۰)

٦- قاچاق عامل و ایجاد کننده فساد (بیانات در دیدار مسئولان وزارتخانه های صنایع و بازرگانی، ۱۳۸۰/۰٤/۱۰)

۷- وابستگی و فشار اقتصادی دشمن (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۹۲/۰۷/۱۹)

د - عوامل فساد در ابعاد ،قانونی قضایی و حقوقی

۱- نبود قضاوت عادلانه و اطاله دادرسی و طولانی بودن رسیدگی‌های قضایی (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

۲- تبعیض در اجرا و اعمال قانون (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۳- ضعف، فساد، اختلال، کم کاری و بی نظمی دستگاه قضا (حکم انتصاب آیت الله یزدی به سمت ریاست قوه قضائیه، ۱۳٦۸/۰۵/۲٤)

٤- خوب عمل نکردن دستگاه قضا (بیانات در دیدار قضات و مسئولان دادگستری، ۱۳۷٤/۰٤/۰۷)

هـ - عوامل فساد در ابعاد اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی

۱ - خودخواهی خودپرستی خودمحوری و منیت‌های افراد بشر(بیانات در دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، ۱۳۷۸/۰٦/۱۰)

۲- زندگی تشریفاتی مسئولان (بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۱۰/۰٤)

۳- رواج روحیه تجمل گرایی در جامعه(بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۱۰/۰٤)

۴- تکبر (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳٦۹/۰۱/۳۰)

۵- استکبارورزی و انانیت(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۳/۱۱/۲۸)

۶- تفرعن درونی (بیانات در دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰)

۷ - مراقبت نکردن از خود(بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۱/۰۶/۰٤)

۸- سوء استفاده مسئولان از موقعیت خود (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۹- نبود احساس مسئولیت و وظیفه شناسی (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

۱۰- نبود انضباط اجتماعی(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

۱۱- در حد مطلوب نبودن معرفت و شعور عمومی(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

۱۲- سرگرمی‌های بازدارنده و فاسد، دنیاطلبی و اشتغال به مال و زینت دنیا(بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵)

۱۳- رواج دنیاطلبی(بیانات در جمع فرماندهان، مسئولان و کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی، ۱۳۷٤/۱۰/۰۵)

۱۴ - گسترش فرهنگ غرب(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳٦۸/۰۹/۱۵)

۱۵- توجه نکردن به باطن حقیقی عالم (بیانات در دیدار کارگزاران، ۱۳۷٤/۰۹/۲۹)

۱۶- فراموش کردن اصول ارزشی، اخلاقی و دینی صحیح(پیام به مناسبت افتتاح دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۱۱)

۱۷ - ملاحظه نکردن خدا، قانون و صرف منابع پولی هنگفت برای خواسته‌های حقیر و کوچک(بیانات در جمع مردم استان اردبیل، ۱۳۷۹/۰۵/۰۳)

۱۸- گردنکشی در برابر خدا(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۳/۱۱/۲۸)

۱۹ - دوری از اخلاص (بیانات به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۲/۱۰/۲۶)

۲۰ - عدم رشد ملکات انسانی (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶)

۲۱- ایجاد تردید در باورهای اسلامی(پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۹۲/۰۷/۱۹)

۲۲ - مقابله با حدود قانون و شرع (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵)

۲۳ - مخالفت افراد فاسد و فریب خورده با مبارزه با فساد(بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۷)

۲۴- پرداختن به دنیا و شهوات، پرداختن به مال و مال اندوزی، جاه طلبی‌های غلط و نامشروع عناصر انقلابی (بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵)

۲۵- وسوسه ی مال و مقام و ریاست (بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

گفتار چهارم: راهکارهای مقابله با فساد

الف - راهکارهای مقابله با فساد در ابعاد اداری و مدیریتی

۱- تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۲- تشویق کارگزاران صالح و خدمتگزار (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۳- طرد افراد مفسد از دستگاه‌های تصمیم‌گیر (بیانات در دیدار خانواده های شهدا، ۱۳۸٤/۰۳/۰۳)

۴- حمایت نکردن از فاسد و فساد (بیانات در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵)

۵- همکاری و هم افزایی در مبارزه با فساد اقتصادی به‌خصوص فساد مسئولان (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹)

۶- تسامح نکردن در مبارزه با فساد (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۷ - توکل بر خدا و به کارگیری همه قدرت، علم، هوشمندی و عقل در مبارزه با فساد (بیانات در دیدار اعضای شورای شهر و شهردار تهران، ۱۳۸۲/۰۹/۱۷)

۸- ناامن شدن فضا برای افراد مفسد (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۹- اصلاح نظام اداری و پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن (ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱)

۱۰- نبود فساد اداری ،رشوه ویژه خواری اشرافیگری حیف و میل بیت المال در دولت اسلامی (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸٤/۰۵/۲۸)

۱۱- پاک بودن کارگزاران و مسئولان از آلودگی به فساد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۱۲ - انتخاب مدیران ،عادل ،شجاع ،مخلص دارای تدبیر و عزم راسخ و معتقد برای مبارزه با فساد مالی و اقتصادی (بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام)، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

۱۳ - استفاده از افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت در مبارزه با فساد (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۱٤ - استفاده از انسان‌هایی با ایمان جهادگر منیع الطبع با دستانی پاک و دلهایی نورانی در مبارزه با فساد (بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

۱۵- به کارگیری مدیران لایق و امین و تأمین شغلی آنان (پیام به ریاست محترم جمهور در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰)

۱۶- به کارگیری نظام مؤثر پیشگیری و برخورد با تخلفات (ابلاغ سیاست های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹/۰۲/۳۱)

۱۷- کارآمدسازی و هماهنگی ساختارها و شیوه های نظارت و کنترل در نظام اداری(ابلاغ سیاست های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹/۰۲/۳۱)

۱۸ - پیشگیری از به‌وجود آمدن فساد (فرمان هشت ماده ای، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۱۹ -پیشگیری، مسئله اول در مبارزه با فساد (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

۲۰- پیشگیری از فساد در قوه مجریه از طریق بستن گلوگاه‌های فساد (بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۲۱ - مبارزه با فقر فساد، تبعیض و اشرافی‌گری (حکم تنفیذ دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸/۰۵/۱۲)

۲۲ - مبارزه با فساد تبعیض و بی عدالتی(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱)

۲۳- پیشگیری از فساد مهمتر از مجازات مفسد (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۱۳۸٦/۰٤/۰۹)

۲٤- اولویت اول در مبارزه با فساد پیشگیری سپس برخورد(بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

۲۵ - جلوگیری از پیدایش فساد، ارتشا، انحصار و ثروت‌های حرام (پیام به رییس مجتمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهادی دولت، ۱۳۷۸/۰۱/۱۹)

۲۶- مراقبت و مقابله با مفاسد اقتصادی توسط مدیران در سازمان تحت مدیریت(بیانات در دیدار رییس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۰/۰٦/۰٦)

۲۷ - جلوگیری از فساد .داخلی(دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱)

۲۸- تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت (پیام به ریاست محترم جمهور در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰)

۲۹- عدم تبعیض در مبارزه با فساد (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۳۰ - اجرای عدالت و دفاع از مظلوم در مبارزه با فساد (بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۲۱ رمضان، ۱۳۸۰/۰۹/۱٦)

۳۱- ایجاد عدالت توسط همه بویژه حاکمان و قدرتمندان(بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

۳۲ - برخورد بدون تبعیض با مفسدان و برخورد با فساد در هرجا و هر مسند به صورت یکسان (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۳۳- رعایت حدود و عدم ظلم به افراد (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵)

۳۴- جرئت در مقابله با فساد (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۷/۰٦/۰۲)

۳۵- مبارزه با فساد همراه با اقدام و عمل(بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مطهر امام رضا(ع)، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۳۶- مبارزه جدی با فساد (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۷)

۳۷ - مبارزه عملی و واقعی با فساد (بیانات در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱)

۳۸ - ورود صریح و صادقانه به میدان مبارزه (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

۳۹- مبارزه جدی و واقعی با فساد(بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۸۰/۰۵/۱۱)

۴۰ - مقابله جدی با بروز و نفوذ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی (بیانات در دیدار فعالان بخش های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۰۵/۲٦)

۴۱ - دوری مسئولان نظام از بی توجهی به نیازهای مردم و باندبازی(پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۳)

۴۲ - شفاف سازی و ایجاد فضای رقابتی و باثبات (جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

٤۳- نشان دادن کارآمدی نظام (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

٤٤- بستن راه‌ها و گلوگاه‌ها و جلوگیری از ایجاد فساد (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۴۵- شناسایی نقطه فاسد و مقابله با آن (بیانات در جمع ده‌ها هزار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه، ۱۳۸۱/۰۱/۰۹)

۴۶- قاطعیت همراه با دقت علوی (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۴۷ - رفتار قاطع و منصفانه علوی (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۴۸- برخورد با نزدیکان و اطرافیان فاسد (پیام به مناسبت انتشار نامه آیت الله سیدجلال الدین طاهری، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

٤۹ - همکاری همه در ریشه کنی شجره خبیثه فساد اقتصاد(پیام به مناسبت راه پیمایی ۲۲ بهمن، ۱۳۸۰/۱۱/۲۳)

۵۰- مبالغه نکردن در بیان فساد در کشور (بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۵۱ -پرهیز از جنجال (بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۵۲ - مبارزه با فساد بدون جنجال (بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۵۳ - ناامید نکردن مردم (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱/۰٤/۲٦)

٥٤- مبارزه با فساد در هرجا و هر مقدار (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱/۰٤/۲٦)

۵۵ - ایستادگی در مقابل هیاهوها (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۵۶- ارتقای سلامت اداری و اقتصادی (ابلاغ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه، ۱۳۹٤/۰٤/۰۹)

۵۷- کاهش پیچ وخم های اداری (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و متصدیان اجرای اصل ٤٤ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

۵۸ - انجام اصلاحات اداری و مدیریتی (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲٦)

۵۹- برنامه ریزی برای مبارزه با فساد (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان، ۱۳۸٤/۰۲/۱۱)

۶۰- نظارت و بازرسی در تمام سطوح (جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۶۱- نظارت سازمان یافته و دقیق و بی اغماض(فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۶۲- نظارت با قاطعیت و حساسیت(بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

۶۳- ایجاد عدالت با مبارزه علیه فساد و افزون طلبی انسان‌های مفتخوار و سوء استفاده‌کن (بیانات در دیدار با رییس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۰٦/۰۵)

۶۴ - عدالت را در بدنه حاکمیتی رایج کردن (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۶۵- مماشات نکردن با مفسد (بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲/۰۳/۱٤)

۶۶- مقابله با نفوذ افراد مفسد در دستگاه‌های کشور (بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

۶۷ -وجود دستگاهی کارآمد در قوای سه گانه جهت مقابله واقعی با فساد (بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

۶۸ - توقف نکردن در مبارزه با فساد اقتصادی (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۶۹- اهتمام به مبارزه با فساد (پیام به ریاست محترم جمهور در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰)

ب- راهکارهای مقابله با فساد در بعد سیاسی

۱- پیروی عملی قوای سه گانه در مبارزه با فساد (بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۲۱ رمضان، ۱۳۸۰/۰۹/۱٦)

۲- مبارزه جدی و عملی و تعقیب مفاسد اقتصادی از بزرگترین وظایف مسئولان (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۸۰/۰۵/۱۱)

۳- رقابت صحیح سه قوه در مبارزه با فساد (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۲/۰۱/۲۲)

۴- لزوم اقدام همه جانبه قوای سه گانه (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۵- وظیفه قوای سه گانه مبارزه جدی و عملی با فقر فساد و تبعیض (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۰۷)

۶- مبارزه با فساد در سه قوه با کار و عمل (پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۲، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۷- مسئولان دولتی مسئول اول مبارزه با فساد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۸- وظیفه متولیان مبارزه عملی با فساد(بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۵/۰۲/۰۹)

۹- مبارزه با فساد با اقدام مدبرانه با عزم راسخ (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

۱۰ - همکاری، همدلی و عزم جدی مسئولان شرط اصلی تحقق مبارزه با مفاسد اقتصادی (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۱۱- همه به‌خصوص صاحبان موقعیتهای حکومتی و اجتماعی (پیام به مناسبت انتشار نامه آیت الله سیدجلال الدین طاهری (امام جمعه اصفهان)، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

۱۲- اراده همت و عزم مسئولان در مبارزه با فساد(بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۱۳ - همت جدیت و عزم جازم مسئولان در مبارزه با فساد(بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۱۴ - جدی گرفتن مبارزه (بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف، ۱۳۸۰/٤/۱۰)

۱۵- مبارزه با فساد مالی و اقتصادی؛ مستلزم اقدام همه جانبه قوای سه گانه (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۱۶- مبارزه واقعی با ویژه‌خواران و فساد (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۱۷- ضرورت همکاری قوای سه گانه (بیانات در دیدار دانشجویان و دانش آموزان، ۱۳۸۱/۰۸/۱۳)

۱۸ - مرکزیت دولت برای مبارزه با فساد (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۰٦/۰۵)

۱۹- عزم جدی برای مبارزه با فساد (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۰٦/۰٤)

۲۰- فسادستیزی (جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۲۱- فعال بودن همه قوا در مقابله با فساد(بیانات در دیدار کارگزاران حج ، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۲۲ -عزم همگانی برای مبارزه با فساد(پیام به مناسبت انتشار نامه آیت الله سیدجلال الدین طاهری(امام جمعه اصفهان، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

۲۳ - مبارزه جدی و عملی(بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۷)

۲۴- مبارزه با فقر، فساد و تبعیض(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹) (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱٤)

۲۵- پرهیز مسئولان از انحراف و فسادپذیری شخصی(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰٦/۲۰)

۲۶ -جدی گرفتن مبارزه با فساد اقتصادی به خصوص فساد مسئولین (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹)

۲۷ -پرهیز از سیاسی کاری (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

۲۸ - مبارزه با فساد بدون اغراض سیاسی (بیانات در جمع ده‌ها هزار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه، ۱۳۸۱/۰۱/۰۹)

۲۹- استفاده نکردن از قدرت سیاسی برای جمع آوری ثروت شخص(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۳۰ - مبارزه با مفسدان اقتصادی مهمترین مسئولیت سه قوه(بیانات در دیدار دانشجویان و دانش آموزان، ۱۳۸۱/۰۸/۱۳)

۳۱ -مبارزه جدی مسئولین با فساد (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۳۹٦/۱۱/۱۹)

ج- راهکارهای مقابله با فساد در بعد اقتصادی

۱- جلوگیری از سودهای نامشروع و پدیده قاچاق(بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف، ۱۳۸۰/٤/۱۰)

۲ -مبارزه مجدانه با قاچاق و فساد (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۳- مبارزه جدی با قاچاق (دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۵/۰٦/۰۳)

٤- مقابله با اخلالگران اقتصادی (قاچاق سوء استفاده از ذخایر ملی و منابع بانکی) (بیانات در اجتماع کارگران کارخانه های تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۰۲/۱۰)

۵- پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز (ابلاغ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه، ۱۳۹٤/۰٤/۰۹)

۶- حضور دولت به عنوان مدعی و معارض فساد و مفسد در بخـش کلان اقتصادی (بیانات در دیدار فعالان بخش های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۰۵/۲٦)

۷- پیشگیری از فساد از طریق بستن گلوگاه‌های فساد در بخش‌های مالی، پولی، بازرگانی و گمرکی بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۸- شفاف سازی و ایجاد فضای رقابتی و باثبات(جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۹ - ایجاد عدالت اقتصادی(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۱۰ -پیشگیری از فساد از طریق بستن گلوگاه‌های اقتصادی (بیانات در اجتماع با زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۱۱ - مبارزه با رانت‌خواری (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۱۲ - توجه به انضباط مالی و صرفه جویی (بیانات دردیدار با مردم شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۱)

۱۳ - ایجاد امنیت اقتصادی(جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

د- راهکارهای مقابله با فساد در ابعاد قانونی قضایی و حقوقی

۱ - اقدام قاطع و اساسی بدون هرگونه ملاحظه (مرقومه برای همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ۱۳۹۳/۰۹/۱۷)

۲- مقابله با دقت عاقلانه، مدبرانه و قوی با فساد اقتصادی (بیانات در دیدار کارگزاران حج ، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۳- عملکرد قاطع برای ریشه کن کردن فساد (پیام به مناسبت دومین همایش جنبش دانشجویی، ۱۳۸۲/۰۸/۰۶)

۴ -مقابله بدون اغماض و ملاحظه (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۵- مبارزه با فساد تبعیض و بی عدالتی (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱)

۶- استفاده از قضات قاطع و پاکدامن (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۷ -قاطعیت، انصاف سرعت عمل و رعایت ضوابط اسلامی (حکم انتصاب آیت الله یزدی به سمت ریاست قوه قضائیه، ۱۳٦۸/۰۵/۲٤)

۸- برخورد با فساد در قوه قضاییه بعد از وقوع جرم (بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۹- تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت (پیام به ریاست محترم جمهور در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰)

۱۰ - جدیت دقت و اعتدال در مبارزه با فساد (پیام نوروزی ، ۱۳۸۱/۰۱/۰۱)

۱۱- رعایت حدود و ظلم نکردن به افراد (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵)

۱۲- رعایت حدود در مبارزه با فساد (دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۱۳۷۰/۱۲/۰٤)

۱۳ - قاطعیت همراه با دقت علوی (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۱۴- تفاوت قایل شدن بین تعمد و اشتباه مدیریتی (بیانات در دیدار معاونان و کارکنان قوه قضاییه، در آستانه سالروز هفتم تیر، ۱۳۸۱/۰٤/۰۵)

۱۵- قاطعیت در حرکت توکل به خدا و پشتگرمی به مردم (بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۲۱ رمضان، ۱۳۸۰/۰۹/۱۶)

۱۶- مبارزه با فساد همراه با اقدام و عمل (بیانات به مناسبت حلول سال نو، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۱۷ - برخورد با فساد همراه با شفافیت بدون هیاهو و جنجال (بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۱۸- مبارزه با فساد بدون جنجال (بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مطهر امام رضا(ع)، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۱۹ - ورود صریح و صادقانه به میدان مبارزه (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)

۲۰ - قاطعیت دقت و ظرافت (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۲۱- رفتار قاطع و منصفانه علوی (فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۲۲- مبارزه قاطع و قانون مدار (بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۲۳- رفع فقر، فساد و تبعیض اولویت اول نمایندگان مجلس (بیانات در دیدار با نمایندگان ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰/۰۳/۲۹)

۲۴ - تبعیض نکردن در مبارزه با فساد (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۹/۱۶)

۲۵ - برخورد بدون تبعیض با مفسدان(فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۲۶- وضع قوانین و ایفای وظیفه نظارت توسط مجلس(فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۲۷ -انجام اصلاحات ،اداری ،اقتصادی ،قضایی امنیتی و اصلاح قوانین و مقررات(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶)

۲۸ - اصلاح و شفاف سازی قوانین و روش‌ها(بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و متصدیان اجرای اصل ٤٤ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

۲۹ -جلوگیری از وضع قوانین زمینه ساز فساد(بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۳/۱٦)

۳۰- داغ کردن (برخورد) آخرین راه حل مقابله با فساد(بیانات در دیدار فعالان بخش های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۰۵/۲٦)

۳۱ - اولویت اول در مبارزه با فساد پیشگیری سپس برخورد(بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

۳۲- جلوگیری از بروز فساد(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۱۳۸٦/۰٤/۰۹)

۳۳ -اصلاح نظام قضایی(ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱)

۳۴- شناسایی نقطه فاسد و مقابله با آن(بیانات در جمع ده‌ها هزار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه، ۱۳۸۱/۰۱/۰۹)

۳۵- تعقیب مجرمین و فساد انگیزان و مجازات آنها(بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام)، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

۳۶- ایجاد دستگاه قضایی سالم و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی(بیانات در مراسم بیعت خانواده های شهدای هفتم تیر ، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری، ۱۳٦۸/۰٤/۰۷)

۳۷- ایجاد دستگاه قضا صالح و سالم (بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳٦۸/۰٦/۲۰)

۳۸ - برخورد قاطع با مفسدین داخل قوه قضاییه (بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۵/۰٤/۰۹)

۳۹- ایجاد دستگاه قضایی سالم و کارآمد (بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۷٤/۰٤/۰۷)

۴۰ - درست سالم و پرکار بودن قوه قضاییه(بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳٦۸/۰٦/۲۰)

۴۱- ایجاد سلامت، استحکام، قاطعیت، انصاف، دلسوزی، پشتکار و آمادگی و انتظام دستگاه قضا(حکم انتصاب آیت الله یزدی به سمت ریاست قوه قضائیه، ۱۳٦۸/۰۵/۲٤)

۴۲ - ایجاد دستگاه قضایی کارآمد (بیانات در مراسم بیعت خانواده های شهدای هفتم تیر ، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری، ۱۳٦۸/۰٤/۰۷)

۴۳- تعقیب مجرمین و فساد انگیزان و مجازات آنها (بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۴۴- شناسایی و رفع موانع حقوقی و قضایی(جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۴۵- پیشگیری از وقوع مفسده (بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

۴۶- مقابله با سفارشکنندگان افراد مفسد (بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰٤/۰۵)

۴۷- بسط عدالت و رفع تبعیض(بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۲/۰٦/۱۹)

۴۸- تشویق درستکار و مبارزه قاطع با ویژه‌خواران و متجاوزان به ثروت ملی(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۴۹- عدم تسامح در مبارزه با فساد(فرمان هشت ماده ای به سران قوا، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰)

۵۰ - ناامن شدن فضا برای افراد مفسد(بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳)

۵۱ - عدالت در قضا و ایجاد عدالت(بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۷٤/۰٤/۰۷)

۵۲ - اول اقدام بعد اطلاع رسانی(بیانات در دیدار معاونان و کارکنان قوه قضاییه، در آستانه سالروز هفتم تیر، ۱۳۸۱/۰٤/۰۵)

۵۳ -اثبات قطعیت جرم و سپس اعلام نام مفسدان (بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۵۴- اطلاع رسانی صحیح در مبارزه با فساد(بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۵۵ -اطلاع رسانی ،بهنگام بجا صحیح و متین(بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۸۱/۰٤/۰۵)

۵۶ -مقابله با فساد با روش صحیح و قانونی بدون فضاسازی و جنجال(بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰/۰٦/۱۵)

۵۷ - مقابله با تبلیغات دروغین گسترده بودن (بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۵۸- مقابله بدون گذشت با اخلالگران مبارزه با فساد (بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵)

۵۹ - اهتمام به مبارزه با فساد(حکم انتصاب مجدد آیت الله هاشمی شاهرودی به ریاست قوه قضاییه، ۱۳۸۳/۰۵/۲۲)

۶۰ -کوتاه کردن مسیر دادرسی و تأمین سلامت ارکان قوه قضاییه با اعمال نظارت مناسب (انتصاب مجدد آیت الله آملی لاریجانی به ریاست قوه قضاییه، ۱۳۹۳/۰۵/۲۳)

۶۱ -ثبات، انسجام و شفافیت مقررات و قوانین(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹)

۶۲- تخطی نکردن از قوانین(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱)

۶۳ - اولویت بندی وظایف قوه قضاییه در مبارزه با فساد(بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳٦۸/۰٦/۲۰)

۶۴ - مقابله با مفاسد اقتصادی به صورت واضح و روشن (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۷/۰٤/۰٦)

۶۵- برخورد با مفسد اقتصادی به صورت قاطع صریح و روشن (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۷/۰٤/۰٦)

۶۶- تبیین درست برخورد با مفسد اقتصادی برای مردم(بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۷/۰٤/۰٦)

۶۷ - مبارزه قاطع با مفسد اقتصادی و ایجاد امنیت فضای کسب و کار (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۷/۰٤/۰٦)

۶۸ - تدوین راهبرد ملی مبارزه با فساد و تصویب قوانین مربوط (ابلاغ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه، ۱۳۹٤/۰٤/۰۹)

هـ- راهکارهای مقابله با فساد در ابعاد ،اخلاقی فرهنگی و اجتماعی

۱ - صالح بودن کارگزاران نظام(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۱۳۸٦/۰٤/۰۹)

۲- مراقبت کارگزاران نظام از آلوده نشدن به فساد(بیانات در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷)

۳- نظارت بر خود و دوری از رذایل اخلاقی(بیانات در دیدار کارکنان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱/۰٤/۲۳)

۴- ایجاد تحول درونی (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ، ۱۳۷۱/۱۱/۱)

۵ -ارتباط بیشتر با خدا به خصوص از طریق نماز (پیام به اولین اجلاس سالانه اقامه نماز در مشهد مقدس، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵)

۶- بهره گیری از یاد خدا و نماز(پیام به اولین اجلاس سالانه اقامه نماز در مشهد مقدس، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵)

۷-استفاده از بستر دعا برای شکستن فساد و غرور انسانی(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۳/۱۱/۲۸)

۸- بهره گیری از دعا و تضرع(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۱/۱۲/۰۷)

۹- تأکید بر عبادات فردی اجتماعی (بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

۱۰- تأسی به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) (بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۱/۱۲/۰۷)

۱۱- پیروی از امیرالمؤمنین در مبارزه با فساد(بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۲۱ رمضان، ۱۳۸۰/۰۹/۱٦)

۱۲- تأسی به حضرت امام حسین (ع) (بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷٤/۰۳/۱۹)

۱۳ - رعایت تقوا (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱)

۱۴- مراقبت دایمی مسئولان از خود (با تقوا بودن مسئولان) (بیانات در دیدار فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷٦/۰٦/۲٦)

۱۵ -تعلیم و تربیت اخلاق اسلامی(بیانات در دیدار کارکنان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۲/۰٤/۲۳)

۱۶ - التزام مسئولین به مراقبت دایمی (رعایت تقوا) (بیانات در دیدار با نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰)

۱۷- حفظ روحیه اخلاص (بیانات در دیدار فرماندهان رده های مختلف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳/۰٦/۲۹)

۱۸- مقابله با فساد با جهادی مخلصانه و برخاسته از احساس درد و احساس خطر (پیام به مناسبت انتشار نامه آیت الله سیدجلال الدین طاهری (امام جمعه اصفهان)، ۱۳۸۱/۰٤/۲۰)

۱۹ - ظلم ستیزی امر به معروف و نهی از منکر، جهاد فی سبیل الله (بیانات در دیدار با اقشار مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵/۰۳/۱٦)

۲۰ -زدودن روح تکبر دمیدن روح تواضع (سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم روز ۲۳ رمضان، ۱۳٦۹/۰۱/۳۰)

۲۱ - قیام در برابر فساد بنیادین جامعه (بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷٤/۰۳/۱۹)

۲۲ -توجه عملی به عوامل بقای اسلام(امر به معروف و نهی از منکر) (بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵/۰۲/۲٦)

۲۳ -احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳٦۹/۰۳/۱۰)

۲۴- امر به معروف و نهی از منکر (بیانات در دیدار فرماندهان گردان ها، گروه ها و دسته های عاشورای نیروی مقاومت بسیج سراسر کشور، ۱۳۷۱/۰٤/۲۲)

۲۵- پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی (ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱)

۲۶- فرصت ندادن به رشد فساد در محیط جامعه(بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵/۰۲/۲٦)

۲۷ - کنار نیامدن با بدی و فساد(بیانات در دیدار با اقشار مردم در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵/۰۳/۱۶)

۲۸- مبارزه با مفسده و دفاع نکردن از آن(بیانات در اجتماع باشکوره مردم استان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۱)

۲۹ - ضرورت شناسایی و دنبال کردن صراط مستقیم(بیانات در دیدار با دانشجویان ، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

۳۰ - خودسازی و تهذیب مسئولین(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

۳۱ - پرهیز مسئولین از اشرافیگری و تجملگرایی (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳)

۳۲ - ضرورت وحدت ،کلمه تلاش پیگیر و هوشیاری مردم و مسئولین (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱)

۳۳ - دوری مسئولان نظام از رفاه زدگی، عشر ت طلبی بی توجهی به نیازهای مردم و باندبازی (پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۳)

۳۴- رعایت تقوای بیشتر توسط مسئولین نظام(بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱)

۳۵ - احیای عملی قرآن، اقامه قسط و عدل توسط رهبر جامعه اسلامی(بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷٤/۰۳/۱۹)

۳۶- استقرار عدالت اجتماعی (بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی ره، ۱۳۸۱/۰۳/۱٤)

۳۷ - مراقبت از خود از طریق رعایت تقوا(خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰٦/۲۰)

۳۸ - موعظه مسئولین توسط مردم(خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰)

۳۹ - ضرورت شناسایی صراط مستقیم در مقابله با فساد(بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

٤۰ - دوری از حرص و لقمه حرام (بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲٤)

۴۱ - پرهیز از توجیه و بزرگنمایی فساد (بیانات در دیدار با رییس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۱/۰٦/۰٤)

۴۲- مبالغه نکردن در بیان فساد در کشور(بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

مطالعات صورت گرفته پیرامون ادراک فساد

خوانش و مرور ور مقالاتی که از نظر می‌گذرد، عموما ادراک فساد را به دو رویه ذهنی و عینی تقسیم می‌کنند که دقت در هر کدام بنابر پژوهش‌های میدانی و پیمایش‌های آماری و بررسی‌های کیفی، مخاطب را به زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی ،اجتماعی، اخلاقی و روانشناختی رهنمون می‌شود. از این رو تاکید بر هر کدام از جنبه‌های گفته شده، جنبه و ابعاد دیگر را در ذهن فعال می‌کند. برای رها شدن از این کلاف سردرگم و یافتن سرنخ و راه حل معضل پیچیده فساد و ادراک آن، باید به پیشنهادهایی که پژوهشگران مشفق و موثق به عنوان ناظران منصف جامعه بیان کرده اند، پناه برد.

تحقیق اول

بهشتی و همکاران در مقاله «تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی موثر بر ادراک فساد اداری، مورد مطالعه: ارباب رجوعان ادارات دولتی شهر یاسوج» (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مختلف بر روی ادراک فساد می‌پردازند. پژوهشگران در این مقاله به بررسی تأثیر چهار عامل ۱. دینداری (باور و اعتقادات دینی) ۲. اعتماد نهادی (اعتماد به مراکز دولتی و عمومی) ۳. فردگرایی (اهمیت منافع فردی) و ٤. احساس عدالت اجتماعی (با هر یک از افراد جامعه به گونه ای رفتار شود که مستحق آن است) بر ادراک فساد پرداخته اند. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری آن کلیه شهروندان ۱۵ تا ۵۹ سال ساکن یاسوج بودند. در این تحقیق از نمونه ای مشتمل بر ۴۰۰ نفر استفاده شده است.

یافته‌های کلیدی: مهمترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر هستند:

۱- متغیرهای زمینه‌ای درآمد و سن ارتباط معنادار و معکوسی با ادراک فساد دارد و با افزایش سن و درآمد، ادراک فساد کاهش می یابد.

۲- تحصیلات با ادراک فساد ارتباط معنادار و مستقیمی دار یعنی با افزایش سطح تحصیلات، میزان ادراک فساد افزایش پیدا می کند.

۳- میان طبقه اجتماعی و ادراک فساد رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی ادراک فساد در طبقه پایین، بالاتر از سایر طبقات است طبقه متوسط رو به پایین ادراک بالاتری از فساد نسبت به طبقه متوسط رو به بالا دارد.

۴- میان جنسیت و ادراک فساد، رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی زنان به طور میانگین ادراک فساد بیشتری نسبت به مردان دارند.

۵- میان قومیت و ادراک فساد، رابطه معناداری وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان ادعا کرد که هر قوم، ادراک فساد خاص خودش را دارد.

۶- میان فردگرایی با ادراک فساد رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چه فردگرایی خودخواهانه در جامعه بالاتر برود، ادراک فساد نیز افزایش می یابد.

۷- میان احساس عدالت اجتماعی با ادراک فساد رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش احساس عدالت اجتماعی، ادراک فساد کاهش پیدا می‌کند

۸- احساس عدالت اجتماعی، تأثیری معنادار و مستقیم بر اعتماد نهادی دارد؛ یعنی با افزایش احساس عدالت اجتماعی، اعتماد نهادی نیز افزایش می یابد.

۹ میان دینداری با ادراک فساد رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد یعنی با افزایش دینداری در تمامی شاخص‌ها (مناسکی، عاطفی و اعتقادی) به دلیل افزایش حساسیت نسبت به فساد ادراک فساد نیز افزایش پیدا می کند.

۱۰ - میان اعتماد نهادی با ادراک فساد نیز رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه اعتماد نهادی بالاتر برود، ادراک فساد کاهش می‌یابد.

نتایج این تحقیق نشان داد که ۵۲ درصد از واریانس ادراک فساد توسط ۴ عامل شامل فردگرایی خودخواهانه، اعتماد نهادی، احساس عدالت اجتماعی و نیز دینداری قابل تبیین است. لذا کاهش ادراک فساد نیازمند توجه جدی به این متغیرهاست. کلیه اقداماتی که برای کاهش ادراک فساد صورت می گیرد، باید ابتدا، فردگرایی خودخواهانه را کاهش و در کنار آن، اعتماد نهادی و

احساس عدالت اجتماعی را افزایش دهد. البته در خصوص متغیر دینداری، مسئله کمی پیچیده تر است.

تحقیق دوم

احمد شریعتمداری در مقاله «غوطه‌وری فرهنگ سیاسی ایران در ادراک فساد» (۱۳۹۹)، با تعریف واژه فساد اذعان می دارد که فساد می‌تواند تعاریف گوناگونی داشته که هر کدام به نوعی وابسته به نظام واقعیتی- ارزشی یک مکتب باشد. اما فساد در جامعه که عامل مهمی (در کنار کارنابلدی و ناکارآمدی) در ایجاد نارضایتی اجتماعی است، یک برساخته اجتماعی به شمار می‌رود که یا ناشی از ساختار و سیستم فسادآلود بوده و یا ناشی از کارگزار فاسد است.

یافته های کلیدی: مهمترین یافته‌های کلیدی این مقاله را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱- ادراک فساد تا اندازه زیادی ناشی از نارضایتی های مردم و مسائل اجتماعی موجود در وضعیت کنونی است.

۲- برای دستیابی به ادراک فساد در میان مردم، نیازمند مشاهده مشارکتی یا درگیر شدن در حیات اجتماعی هستیم تا به درک ملموسی از ادراک فساد در میان مردم برسیم. خوانش انتزاعی یا متن محور از ادراک فساد، برای شناخت عینی و واقعی آن کافی نیست.

۳- ادراک فساد تحت شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در بین مردم شکل می‌گیرد و بین مردم عمومیت پیدا می‌کند. این تلقی عمومیت یافته از فساد، روی سایر تحولات اجتماعی و حرکت‌های فرهنگی، تأثیر خودش را می گذارد.

٤- مردم در جریان مواجهه روزمره با فساد، به یک ادراک مشخص و مشترک از فساد می‌رسند که این ادراک را از طریق کلمات و تعابیر خاص خود بیان می‌کنند. لذا در تبارشناسی و ریشه شناسی ادراک فساد، تحلیل شیوه گفتاری فساد در جامعه، اهمیت دارد.

مسئولان کشور نباید فقط شعار مبارزه با فساد سر دهند، بلکه باید مبارزه با فساد به صورت عملی دنبال شود. صرفاً سوت زنی و افشاگری در حوزه مبارزه با فساد کمکی به اصلاح تلقی مردم از وضعیت کنونی نمی‌کند. مهمترین و بهترین روش اصلاح ادراک فساد در میان مردم، انجام

اقدامات عملی و مبارزه عینی با فساد است. به دلیل مرجعیت داشتن نخبگان سیاسی و جامعه شناسان در تبیین و تحلیل وضعیت موجود، تصویری که آنان از وضعیت موجود ارائه می‌کنند - ولو تصویری غیر واقعی یا فراواقعی باشد - توسط مردم پذیرفته می‌شود و در نتیجه، هر تصویر یا تحلیل مقابل یا متضاد آن، توسط مردم چندان مورد اقبال قرار نخواهد گرفت از این رو جهت گیری و دیدگاه‌های نخبگان در حوزه فساد برای رسانه ها از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چون افکار عمومی متأثر از این مسئله است.

تحقیق سوم

سید صمد بهشتی و احسان خان محمدی در مقاله «بررسی وضعیت ادراک فساد و عوامل مرتبط با آن مطالعه: شهروندان شهر سرپل ذهاب» (۱۳۹۹) به بررسی وضعیت و ابعاد ادراک فساد در میان شهروندان و عوامل موثر بر آن پرداخته اند. در این پژوهش، نگرش مردم نسبت به میزان شیوع فساد از ۳ جنبه مورد بررسی قرار گرفته است. این ۳ جنبه عبارتند از: جنبه شناختی (میزان شناخت فرد از ۳ گونه از فساد شامل رشوه، پارتی بازی و اختلاس)، جنبه احساسی (احساس فرد نسبت به ۳ گونه فساد؛ یعنی رشوه، پارتی بازی و اختلاس) و جنبه رفتاری (تمایل خود فرد به ارتکاب یکی از مصادیق سه گانه فساد یعنی رشوه، پارتی بازی و اختلاس). در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری آن کلیه جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر سرپل ذهاب بودند. این تحقیق از نمونه‌ای بالغ بر ۴۰۰ نفر استفاده کرده است.

یافته های کلیدی: مهمترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر هستند:

۱- پاسخگویان معتقدند که میانگین فساد، متوسط رو به بالاست.

۲- در دو بعد شناختی و احساسی، میزان ادراک مردان بیشتر از زنان است. اما در خصوص ادراک روند فساد و ادراک میزان شیوع فساد در ادارات، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.

۳- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی با ادراک فساد، رابطه معناداری وجود ندارد.

٤- پاسخگویان معتقدند که میزان فساد در سازمان‌های مختلف، یکسان نیست طبق نظر ایشان، میزان فساد در سازمان‌های فرهنگی نظیر آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، کمتر از سایر

سازمان‌هاست از سوی دیگر، به نظر پاسخگویان بیشترین میزان فساد در سازمان‌هایی است که فعالیتهای اقتصادی دارند.

۵- پاسخگویان معتقدند که فساد در ۳ سازمان بیشتر از سایر سازمان‌هاست. این ۳ سازمان عبارتند از: الف) شهرداری ب) اداره راهنمایی و رانندگی و ج) دادگاه ها و دادگستری ها

٦- پاسخگویان معتقدند که فساد در ۳ سازمان کمتر از سایر سازمان هاست. این ۳ سازمان عبارتند از: الف) بیمارستان، ب) آموزش و پرورش، ج) مراکز آموزش عالی

۷- میان مصرف بیشتر رسانه و ادراک فساد رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش مصرف رسانه ای ادراک فساد نیز بیشتر می‌شود.

۸- پاسخگویان معتقدند میزان رشد پارتی بازی و رشوه در ۱۰ سال اخیر تقریبا مشابه هم بوده اما میزان رشد اختلاس در این مدت بیشتر از پارتی بازی و رشوه بوده است.

۹- میان میزان آگاهی سیاسی و ادراک فساد، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش آگاهی سیاسی، ادراک فساد نیز افزایش می یابد.

۱۰- میان نوگرایی و ادراک فساد، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش نوگرایی، میزان ادراک فساد نیز افزایش می‌یابد. در واقع گرایش به نوگرایی احتمالاً گرایش به شفافیت را به دنبال دارد؛ لذا هر قدر نوگرایی بیشتر شود، افراد حساسیت بیشتری نسبت به فساد و شفافیت پیدا می‌کنند.

بررسی‌های مختلف حاکی از آن است که بین ادراک فساد و واقعیت فساد، همبستگی بالایی وجود دارد. لذا با بررسی وضعیت ادراک فساد میتوان به درک روشنی از وضعیت فساد در جامعه دست یافت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ادراک فساد در سازمان‌هایی که فعالیت اقتصادی داشته و درآمدزایی دارند، بالاتر از سایر سازمانهاست؛ لذا رعایت مواردی از قبیل افزایش شفافیت و توسعه سازوکارهای نظارتی در این سازمان‌ها برای کاهش ادراک فساد باید در اولویت باشد.

تحقیق چهارم

علیرضا کریمی و همکاران در مقاله «مطالعه جامعه شناختی ادراک از فساد اداری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در جوامع با فرهنگ خاص گرایی: مورد مطالعه شهر خرم آباد» (۱۳۹۹)، به بررسی تأثیر فرهنگ خاص گرایی یا طایفه‌گرایی بر ادراک فساد می پردازند. موضوع خاص‌گرایی در جامعه یکی از ابعاد مهم فساد اداری است. رسوخ خاص‌گرایی‌ای که در جوامع طایفه‌ای از آن به عنوان خویشاوند گرایی نیز یاد می‌شود، سبب تسریع در رشد سایر ابعاد فساد اداری می‌شود؛ زیرا برداشت ذهنی شهروندان یا ادراک از میزان فساد اداری بیش از میزان عینی فساد اهمیت دارد. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شد. جامعه آماری آن، کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خرم آباد است و در آن از نمونه ۴۰۰ نفری استفاده شده است.

یافته های کلیدی: مهمترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیرند:

۱- بیش از نیمی از پاسخگویان معتقدند که میزان فساد اداری در شهر خرم آباد در سطح بالایی قرار دارد و ادراک حدود نیمی دیگر نیز در سطح متوسط است.

۲- خویشاوند گرایی و سوء استفاده از موقعیت اداری، مهمترین عوامل مرتبط با ادراک فساد هستند.

۳- میزان پایبندی دینی کارکنان ادارات، سرمایه اجتماعی آنها، نظارت اداری و شفافیت و پاسخگویی، با ادراک شهروندان از فساد اداری رابطه معکوسی دارد و بر کاهش فساد و ادراک آن موثرند.

٤- دو عامل نظارت اداری و سرمایه اجتماعی کارکنان بیش از سایر عوامل میزان فساد و ادراک فساد اداری را کاهش می‌دهند.

٥- گسترش ادراک شهروندان شهر خرم آباد از فساد اداری، احتمال ارتکاب به این عمل را در صورت فراهم شدن موقعیت برای شهروندان افزایش می‌دهد.

عواملی مانند سرمایه اجتماعی، پایبندی دینی، کارایی قوانین نظارتی و عوامل اجتماعی بازدارنده دیگر، باعث فروکش کردن ادراک فساد می‌شود. از این رو نباید فساد اداری را تنها

معطوف به متغیرهای اقتصادی کرد. هویت‌های قومی افراد در هر نظام اداری که باز تولید و تقویت گردد، باعث می‌شود که افراد بیرون از طایفه یا عشیره به عنوان «دیگری» تعریف شوند که این امر به عنوان عامل تسهیل کننده فرایندهای فساد اداری عمل می کند.

تحقیق پنجم

محسن دهقان و همکاران در مقاله «بررسی ارتباط و تأثیر ادراک فساد بر سرمایه اجتماعی: مورد مطالعه جمعیت شهری استان مازندران» (۱۳۹۸)، به بررسی ارتباط و تأثیر ادراک فساد بر سرمایه اجتماعی در میان جمعیت شهری بالای ۳۰ سال ساکن شهرهای مختلف استان مازندران پرداخته اند. در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده و نمونه ای مشتمل بر ۴۰۰ پاسخگو در آن شرکت کرده اند. دهقان و همکاران ادراک فساد را در ۴ جنبه شامل فساد فردی (فسادی که در سطح خرد توسط هر فرد انجام می‌شود)، فساد کلان (وقوع فساد در سطوح کلان مدیریتی کشور)، فساد سیستمی (شیوع فساد به صورت شبکه ای و در سطوح مختلف) و فساد بین المللی (فساد موجود در تعاملات و مبادلات بین المللی) در نظر گرفتند و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی را بررسی کردند.

یافته های کلیدی: مهمترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر است:

۱- ادراک فساد در تمامی ابعاد چهارگانه آن با سرمایه اجتماعی، ارتباط معنادار و منفی وجود دارد؛ یعنی هر چه ادراک فساد بالاتر برود، سرمایه اجتماعی کاهش می یابد

۲- ادراک فساد بر تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی شامل آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هنجارهای تعمیم یافته، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی تأثیر منفی دارد.

۳- ادراک فساد سیستمی، بیشترین تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی و مولفه های آن را در میان سایر انواع ادراک فساد دارد. بالا بودن ارتباط بین ادراک فساد سیستمی با کاهش سرمایه اجتماعی، نشان از این دارد که در تبیین سرمایه اجتماعی، رویکرد نهاد محور، بهتر از رویکرد جامعه محور است؛ یعنی سرمایه اجتماعی نه از پایین بلکه باید از بالا تولید شده و مدیریت شود.

اگر تصور وجود فساد در دستگاه ها و نهادهای مختلف جامعه شکل بگیرد جلب اعتماد و مشارکت عمومی به مراتب سخت و پیچیده خواهد شد.

تحقیق ششم

مهدی رزم آهنگ و همکارش در مقاله ای به نام «واکاوی رابطه بین فساد عینی و ادراکی با مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته» (۱۳۹۸)، تلاش می‌کنند که به این سؤال پاسخ دهند که آیا فساد عینی و ادراک فساد، بر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته اثرگذار است؟ در این پژوهش بر این مسئله توجه شده است که مبارزه با فساد، اگر منجر به کاهش ادراک فساد نشود، نمی تواند اعتماد اجتماعی تعمیم یافته را افزایش دهد؛ یعنی نمی‌تواند باعث افزایش اعتماد افراد به نهادها، اصناف و سازمان‌های مختلف نظیر مدرسه، پلیس، نظام بانکی، نظام قضایی، ارتش، دولت، مجلس و سایر نهادهای عمومی شود. در این پژوهش از روش حداقل مربعات در مبحث اقتصاد سنجی استفاده شده و داده های پژوهش بر اساس نتایج موج اول پیمایش ارزش ها و نگرش‌های ایرانیان استخراج شده است.

یافته های کلیدی: مهم ترین یافته های این پژوهش به شرح زیرند:

۱- تقویت سطح اعتماد اجتماعی در جامعه فقط زمانی رخ می‌دهد که ادراک فساد کاهش یابد.

۲- رابطه‌ای منفی بین ادراک فساد و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته وجود دارد؛ به عبارت دیگر در استان‌هایی که ادراک فساد بالاست، سطح اعتماد اجتماعی تعمیم یافته پایین است. با توجه به آنکه نسبت میان اعتماد اجتماعی (به عنوان مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی) و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی در پژوهش‌های متعددی اثبات شده، بالا رفتن اعتماد اجتماعی باعث بهبود شرایط اقتصادی می شود.

۳- مبارزه با فساد در فضای واقعی از طریق رویه های قضایی تنها زمانی مفید خواهد بود که بتواند ادراک فساد را کاهش دهد تا اعتماد اجتماعی افزایش یابد

٤- چنانچه هدف گذاری متولیان قضاوت و نظارت در کشور، صرفاً فساد عینی و تحقق یافته در جامعه باشد و توجهی به مقوله کاهش ادراک فساد در جامعه نشود، عملاً تأثیری در بازسازی اعتماد اجتماعی نخواهد داشت.

به صورت کلی باید گفت که میان پدیده ادراک فساد و سطح اعتماد اجتماعی تعمیم یافته، همبستگی منفی وجود دارد. از طرفی می‌توان گفت که بین فساد عینی و ادراکی نیز همبستگی وجود دارد؛ یعنی یکی از دلایل افزایش ادراک فساد در جامعه، بالارفتن آمار واقعی فساد است. به تبع گسترش رفتارهای فسادآلود در سطح عمومی جامعه ادراک عموم مردم نسبت به قابل اعتماد بودن دیگران خدشه دار می‌شود.

تحقیق هفتم

علی سیف زاده در مقاله «بررسی ادراک شهروندان از فساد اداری و متغیرهای جمعیت شناختی مؤثر بر آن مورد مطالعه بیرجند» (۱۳۹۵) می‌نویسد: فساد دو رویه دارد. یک رویه آن، ادراکی است که نسبت به فساد در جامعه وجود دارد؛ یعنی باورهایی که جامعه نسبت به وجود فساد و گستره آن دارد.

رویه دیگر، سنجش و ارزیابی فساد و تعیین شاخصه‌هایی برای آن است. هدف این پژوهش بررسی ادراک شهروندان بیرجندی از فساد اداری و متغیرهای جمعیت شناختی مؤثر بر آن است. در این پژوهش از روش پیمایشی و از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر بیرجند است. همچنین در این تحقیق از روش نمونه‌گیری ترکیبی- خوشه ای تصادفی استفاده شده است. در این روش نمونه گیری، یک نمونه تصادفی از گروه ها یا خوشه هایی از افراد و نه واحدهای منفرد گرفته می‌شود.

یافته های کلیدی: مهمترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر است:

۱- میان جنسیت پاسخگویان و ادراک آنها از فساد اداری، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنی که ادراک از فساد اداری پاسخگویان زن، بیش از مردان است. این تفاوت‌ها، به دلایل

مختلفی چون جامعه پذیری متفاوت زنان، دسترسی متفاوت به شبکه های فساد و آگاهی آنها در این مورد است.

۲- میان وضعیت تأهل و ادراک فساد، رابطه معناداری وجود ندارد و ادراک فساد پاسخگویان متاهل و مجرد مشابه یکدیگر است.

۳- میان سن پاسخگویان و ادراک آنها از فساد اداری، رابطه معناداری وجود ندارد؛ یعنی با افزایش یا کاهش سن پاسخگویان میزان ادراک فساد ایشان تغییری نمی‌کند.

۴- بین تحصیلات پاسخگویان و ادراک آنها از فساد اداری، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنی که با تغییر مقطع تحصیلی، ادراک فساد نیز تغییر می‌کند. ادراک فساد پاسخگویان کارشناسی ارشد و دکتری بیش از سایر مقاطع تحصیلی است.

۵- میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان و ادراک آنها از فساد اداری، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنی که ادراک از فساد پاسخگویان با پایگاه اقتصادی- اجتماعی در حد متوسط، بیش از سایر پاسخگویان است.

رشد فناوری‌های ارتباطی به افزایش ادراک فساد تأثیر گذار است؛ لذا مسئله آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی می‌تواند به حساسیت نسبت به فساد و اعلام فساد کمک کرده و ادراک فساد را با واقعیت فساد هماهنگ کند. ادراک فساد لزوماً یک ابزار دقیق برای سنجش فساد نیست و در کنار آن، باید به سایر روش‌ها در سنجش فساد نیز توجه داشت.

تحقیق هشتم

مهدی محمدی و همکاران در مقاله «ادراک فساد و احساس عدالت اجتماعی» (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه بین ادراک فساد و احساس عدالت اجتماعی می‌پردازند اگر فساد را به عنوان یک آسیب اجتماعی در نظر بگیریم، طبق نظریات موجود این نوع رفتار زمانی بروز می‌یابد که خرده نظام‌های مختلف، کار کرد خود را از دست داده باشند و نتوانند خروجی مورد نیاز را بدهند.

خروجی اصلی نظام اجتماعی، عدالت و مشروعیت اجتماعی است لذا چنانچه نظام اجتماعی نتواند عدالت را در جامعه و در میان شهروندان نهادینه کند، زمینه بروز رفتارهایی نظیر فساد

فراهم می‌شود. محمدی و همکاران در پیمایش خود، به بررسی رابطه بین ادراک فساد و احساس عدالت اجتماعی پرداخته اند. آنان برای این پژوهش، از روش پیمایش استفاده کرده اند. جامعه آماری پژوهش، کلیه افراد بین ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن شهر تهران است و نمونه ای ۴۰۰ نفری برای انجام این پژوهش انتخاب شده است.

یافته های کلیدی: مهمترین یافته های کلیدی این مقاله به شرح زیر است:

۱- حدود ۹۷ درصد از پاسخگویان معتقد بودند فساد در شمار مهم ترین مشکلات اجتماعی ایران است.

۲- فقط ۶٫۹ درصد از پاسخگویان معتقد بودند هنگامی که با نهادها و سازمانهای اداری کاری داشته اند، هیچ وقت لازم نبوده که با افراد صاحب نفوذ تماس بگیرند یا ارتباط شخصی برقرار کنند تا کارهایشان راه بیفتند.

۳- ادراک پاسخگویان از روند فساد در ۱۰ سال گذشته با ۳ سؤال پنج گزینه ای درباره رشوه خواری، اختلاس، خویشاوند سالاری و تبعیض، پرسیده شده بود و به این ترتیب، دامنه نمره‌ها از ۳ تا ۱۵ تغییر می‌کرد. میانگین ادراک روند فساد در این دامنه ۱۳٫۶۴ به دست آمد که حاکی از افزایشی بودن روند مزبور در ذهن مشارکت کنندگان است و ۸۴٫۹ درصد، ۸۸٫۹ درصد و ۸۹٫۲ درصد از پاسخگویان معتقد بودند به ترتیب «رشوه خواری» «اختلاس» و «خویشاوند سالاری و تبعیض» طی ۱۰ سال گذشته افزایش یافته است.

٤- در مجموع ۸۹٫۲ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که فساد در ۱۰ سال گذشته در ایران افزایش داشته است؛ یعنی ۹ نفر از هر ۱۰ نفر پاسخگو.

٥- بیشترین ادراک فساد در میان سازمان‌های مختلف، مربوط به «شهرداری‌ها»، «دلالان و واسطه های سازمانها و اشخاص صاحب مقام»، «گمرک»، «اداره دارایی و بانک‌ها» بوده است و کمترین ادراک فساد، مربوط به «خیریه ها»، «مدارس»، «دفاتر پلیس به اضافه ۱۰ » و «اداره ثبت احوال» بوده است.

٦- ادراک فساد در سازمانها در میان زنان بیشتر از مردان است.

۷- بین ادراک فساد و ادراک روند فساد و ابعاد آن با احساس عدالت رویه ای و توزیعی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چه ادراک فساد و ادراک روند فساد در سازمان‌ها بیشتر می‌شود، احساس عدالت اجتماعی کمتر می‌شود و برعکس.

این پژوهش نشان داد که در مجموع، در آن سازمانه‌ایی که حجم گردش مالی و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر است، ادراک فساد نیز بیشتر است و در آن سازمان‌هایی که میزان فعالیت‌های اجتماعی و مدنی بیشتر است ادراک فساد نیز کمتر است. مسئله دیگر، مسئله انتظار شهروندان است. هر اندازه انتظار شهروندان از یک سازمان در مسئله رعایت عدالت اجتماعی بیشتر باشد، ادراک فساد در آن سازمان، بیشتر روی احساس عدالت اجتماعی تأثیر گذار است. به عنوان مثال اگر مردم از سازمان‌های خیریه بیش از سایر سازمان‌ها انتظار رعایت عدالت اجتماعی را دارند، چنانچه ادراک فساد در سازمان‌های خیریه در میان مردم افزایش پیدا کند، احساس بی عدالتی اجتماعی نیز در میان مردم خیلی بیشتر می‌شود.

تحقیق نهم

غلامرضا سلیمی و همکاران در مقاله «بررسی تأثیر رابطه ادراک بی‌عدالتی در سازمان بر گسترش میل به فساد اداری» (۱۳۸۹) به بررسی رابطه ادراک بی عدالتی در میان کارکنان یک سازمان و تأثیر آن بر گرایش ایشان به فساد اداری می‌پردازند. در این تحقیق، تلاش شده تا ابعاد مختلفی از ادراک بی عدالتی ترسیم شده و بر اساس آن مشخص شود که کدامیک از این ابعاد، بر افزایش میل به فساد اداری در میان افراد موثر است. لذا ادراک بی عدالتی توزیعی (بی عدالتی در توزیع امکانات و فرصت‌ها)، ادراک بی عدالتی رویه ای (بی‌عدالتی در فرایندهای کلیدی سازمان که منجر به اتخاذ تصمیمات مهم می‌شوند)، ادراک بی‌عدالتی مراوده ای(بی عدالتی در نحوه برخورد با افراد یعنی مثلا به بعضی از افراد احترام گذاشته شود و به بعضی دیگر خیر) و ادراک بی‌عدالتی اطلاعاتی (بی عدالتی در توزیع اطلاعات بین افراد) چه تأثیری بر بروز فساد اداری دارد؟ در این تحقیق، از روش پیمایش استفاده شده و از نمونه ای مشتمل بر ۱۶۵ نفر از کارکنان و دانشجویان (۸۴ نفر از دانشجویان و ۸۱ نفر از کارکنان) یکی از دانشگاه های تهران برای تحقیق بهره گرفته شده است.

یافته های کلیدی: مهمترین یافته های این تحقیق به شرح زیر است:

۱- میان ادراک بی‌عدالتی توزیعی و ادراک بی‌عدالتی رویه ای با تمایل به فساد، ارتباط معناداری وجود دارد و با افزایش این دو متغیر تمایل به فساد افزایش می یابد.

۲- میان ادراک بی‌عدالتی مراوده‌ای و ادراک بی‌عدالتی اطلاعاتی با تمایل به فساد ارتباط معناداری وجود ندارد؛ یعنی افزایش یا کاهش این دو متغیر، روی میل به فساد اداری بی تأثیر است.

ادراک بی‌عدالتی توزیعی و رویه‌ای، باعث آسیب دیدن نیازهای افراد به ویژه نیازهای اقتصادی و مالی افراد می‌شود و افراد تلاش می‌کنند تا برای رفع نیازهای خود به هر شکل ممکن اقدام کنند که یکی از این روش‌ها میتواند فساد اداری باشد. لذا تأمین نیازهای اساسی و موضوعاتی که با چالش‌های اقتصادی و مالی افراد ارتباط دارند می‌تواند میل به فساد را در بین کارکنان سازمان‌ها کاهش دهد.

جمع بندی

مرور یافته های به دست آمده نشان میدهد که ۳ دسته از متغیرها بر روی ادراک فساد موثر هستند که عبارتند از:

- متغیرهای جمعیت شناختی
- متغیرهای اجتماعی و فرهنگی
- متغیرهای ساختاری

متغیرهای جمعیت شناختی، متغیرهایی را شامل می‌شوند که جایگاه افراد را در ساختار اجتماعی تعیین می‌کنند. جنسیت، تحصیلات، درآمد، وضعیت تأهل و سن، نمونه‌ای از این متغیرها هستند. خود این متغیرها نمی‌توانند جزو علل ایجاد ادراک فساد باشند، اما شرایطی به وجود می‌آورند که ممکن است منجر به ادراک فساد بالاتر یا پایین تری توسط فرد شود. با توجه به اینکه تحقیقات موجود نشان می‌دهند که زنان، افراد تحصیل کرده، طبقات کم درآمد و افراد

مجرد، ادراک فساد بالاتری نسبت به سایرین دارند، لذا بیشترین ادراک فساد در جامعه باید متعلق به زنان مجرد تحصیل کرده بدون درآمد یا کم درآمد باشد.

متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، متغیرهایی هستند که به باورها و اعتقادات عمومی مردم اشاره دارد و شامل باورها، اعتقادات، ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی می شوند. این متغیرها هم می‌توانند ادراک فساد را کاهش دهند و هم می‌توانند باعث افزایش ادراک فساد شوند. طبق یافته‌های این پژوهش متغیرهایی نظیر فردگرایی، گرایش به مدرنیته، خاص گرایی و مصرف بالای رسانه ای، از جمله عوامل اجتماعی بالا رفتن ادراک فساد هستند. این بدان معناست که هر سیاستی که به دنبال کاهش ادراک فساد باشد، باید بر تقویت مشارکت اجتماعی سرمایه اجتماعی و عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی و همچنین جمع گرایی در برابر فردگرایی توجه داشته باشد. در واقع مواجهه با ادراک فساد، نه تنها امری تخصصی و فنی است بلکه جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارد که باید به آن توجه داشت.

متغیرهای ساختاری نیز کلان ترین و به نوعی، مهمترین متغیرهای موثر بر فساد هستند. شکل‌گیری بی‌عدالتی در جامعه در نتیجه وجود فضای رانتی در کنار نارسایی قوانین و مقررات موجود و وجود تعارض منافع در بخش‌های مختلف، به صورتی جدی کاهش ادراک فساد را با چالش روبه رو کرده است نبود شفافیت در کنار فقدان نظارت عمومی، عواملی هستند که ریشه های ساختاری دارند و به شدت بر ادراک فساد موثر هستند. ساختار حکمرانی در کشور باید به نحوی باشد که صدای همه مردم شنیده شود و به همه افراد، فرصت برابر تأثیرگذاری بر تصمیماتی که بر سرنوشت ایشان اثر گذار هستند را بدهد. گردش آزاد اطلاعات، امری است که باید توسط ساختار موجود محقق و نهادینه شود تا هرگونه رانتی از بین برود و در نتیجه هیچ گونه فساد و ادراک فساد ناشی از عدم دسترسی عادلانه به اطلاعات محقق نشود. وجود مصادیق عینی تبعیض و بی عدالتی و همچنین نمونه‌های عینی فساد نظیر تخلفات ساختمانی و عدم تمکین عینی و عملی به قانون، به شدت بر ادراک فساد موثرند؛ لذا تلاش برای جلوگیری از وقوع این موارد از طریق اصلاح رویه‌های موجود و حذف استثنائات و امضاهای طلایی، می‌تواند به صورت جدی ادراک فساد را کاهش دهد. هر سیاست کاهش ادراک فساد، اگر نتواند مشارکت اجتماعی

و نظارت عمومی را افزایش دهد و به گردش آزاد اطلاعات و کاهش بی عدالتی و تبعیض کمک کند، عملا نخواهد توانست اثری بر کاهش ادراک فساد داشته باشد.

پژوهش های صورت گرفته در موضوع ادراک فساد در شهر تهران

پژوهش ادراک فساد: مرحله اول

مسئله فساد از جمله مواردی است که به صورت جدی مورد توجه پژوهشگران و محققان در سالهای اخیر بوده است. تحقیقات مختلفی در حوزه فساد در کشور صورت گرفته است که عمدتا در حوزه‌های اقتصادی و ابعاد مدیریتی و سازمانی فساد تمرکز داشته اند در کنار این ابعاد که البته در جای خود اهمیت بالایی دارند ادراک فساد یا برداشتی که مردم از فساد دارند، قابل توجه است آنچه که مردم در مورد فساد در ذهن دارند ممکن است با واقعیت فساد همخوانی دقیقی نداشته باشد؛ چرا که برداشت مردم از فساد می‌تواند تحت تأثیر رسانه ها و اخبار قرار گیرد و دچار بزرگ نمایی شود. باید در کنار برداشت مردم از فساد و تجربه مردم از فساد در زندگی روزمره خودشان هم توجه کرد؛ یعنی باید دید که تجربه روزمره مردم از فساد تا چه میزان با برداشتشان انطباق دارد و آیا خود مردم از نزدیک فساد را تجربه کرده اند یا خیر.

در همین راستا و به منظور بررسی ادراک شهروندان تهرانی از وضعیت فساد در شهر تهران یک نظرسنجی تلفنی در آبان ماه سال جاری در شهر تهران انجام شد که نتایج آن در ادامه می آید. در این نظر سنجی تعداد ۵۲۹ نفر از شهروندان تهرانی از مناطق مختلف حضور داشتند که به ۶ پرسش پاسخ دادند. پرسش‌ها به صورت بسته طراحی شده اما ۳ سؤال دارای گزینه های باز هم بودند که پاسخ های مردم در آن سوالات، مقوله بندی شده و به فساد، به واقعیت صورت جدول ارائه می‌شود.

۱۳ درصد زیر دیپلم، ۳۵ درصد دیپلم، ۱۰ درصد فوق دیپلم، ۲۹ درصد کارشناس، ۹ درصد کارشناس ارشد و ۳ درصد تحصیلات دکترا دارند.

سؤال اول: آیا به نظر شما در شهرداری تهران فساد وجود دارد؟

در این نظر سنجی ۷۹ درصد از پاسخگویان معتقدند که در شهرداری تهران، فساد به میزان خیلی زیاد و زیاد وجود دارد. ۱۶ درصد پاسخگویان وجود فساد در شهرداری را تأیید کرده و حدود ۵ درصد از پاسخگویان به میزان کم و خیلی کم اذعان کرده اند.

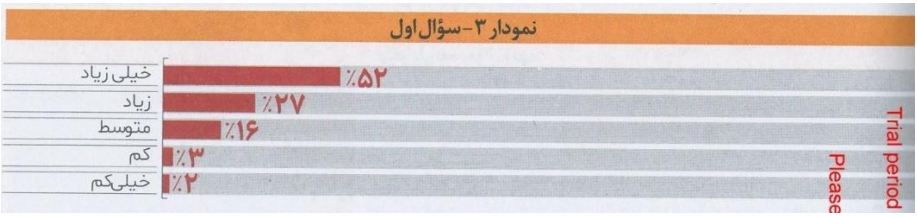

سؤال دوم: شما از چه طریقی نسبت به فساد در شهرداری تهران اطلاع پیدا کردید؟

پاسخ های پاسخگویان نشان داد که ۶۹ درصد ایشان از طریق تجربه مستقیم خود یا از طریق تجربه اطرافیانشان نسبت به فساد اطلاع پیدا کرده اند. همچنین ۱۸ درصد از طریق فضای مجازی، ۶ درصد از طریق رسانه‌های داخلی، ۲ درصد از طریق رسانه های خارجی و حدود ۵ درصد نیز از سایر روش‌ها نسبت به فساد اطلاع پیدا کرده اند. در واقع این بدان معناست که ۳۶ درصد پاسخ گویان به صورت مستقیم، فساد را در شهرداری تهران تجربه کرده اند و ۶۴ درصد نیز به صورت با واسطه و نیابتی نسبت به وجود فساد در شهرداری تهران اطلاع پیدا کرده بودند.

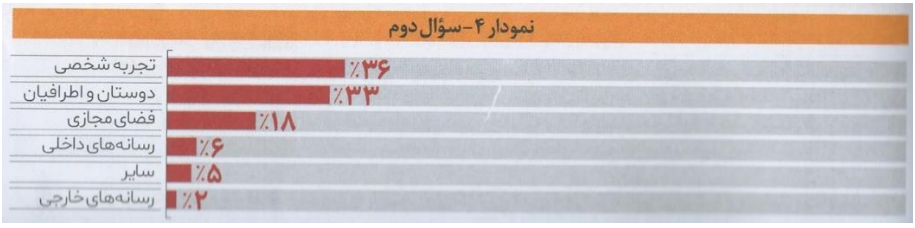

سؤال سوم: به نظر شما تلاشهایی که در یک سال و نیم اخیر (در دوره جدید مدیریت شهری) برای مقابله با فساد در شهرداری تهران صورت گرفته موفقیت آمیز بوده است؟

در خصوص اقدامات صورت گرفته برای مقابله با فساد، ۴۷ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از وضعیت مبارزه با فساد هیچ گونه اطلاعی ندارند. ۲۳ درصد نیز این اقدامات را تشریفاتی و بی فایده ارزیابی می کنند. ۱۷ درصد معتقدند که این اقدامات حاکی از فسادهای وسیع است و در مجموع ۱۳ درصد این اقدامات را موثر یا خیلی موثر ارزیابی می‌کنند.

سؤال چهارم: به نظر شما اخبار و گزارش‌های لحظه به لحظه و حداکثری نسبت به پرونده های مبارزه با فساد، چه تأثیری در دیدگاه مردم دارد؟

در این بخش می‌بینیم که ۳۳ درصد مردم معتقدند که این اقدامات تأثیری بر نگرش مردم ندارد. ۲۲ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند که اخبار و گزارش‌های لحظه به لحظه مردم را امیدوار می‌کند و انگیزه ایشان را برای مشارکت در مبارزه با فساد افزایش می‌دهد. ۱۷ درصد این اقدامات را منجر به ناامیدی مطلق مردم می‌دانند. ۱۵ درصد معتقدند که این اقدامات به مردم، امید واهی می‌دهد چندان نتیجه بخش نیستند. ۱۳ درصد نیز معتقدند که این گزارش‌ها مردم را نسبت به سالم سازی دستگاه های اداری، امیدوار می کند.

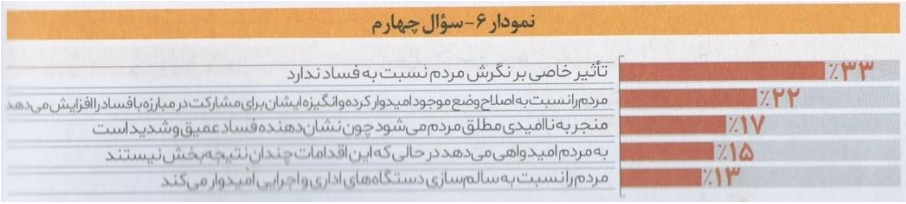

سؤال پنجم: در مراجعاتی که به شهرداری تهران داشته اید بیشتر در کدام بخش شاهد فساد بوده اید؟

از مردم در خصوص تجربه شخصی آنان از فساد در مراجعه به شهرداری تهران سؤال شد. ۴۴ درصد مراجعه خاصی به شهرداری تهران نداشته اند. ۳۴ درصد مراجعه داشته و در یکی از

بخش‌های شهرداری تهران شاهد فساد بوده اند. ۲۰ درصد خود مراجعه ای نداشتند اما از دیگران شنیده‌اند که در یکی از بخش‌های شهرداری فساد وجود دارد. ۲ درصد نیز مراجعه داشته اند اما شاهد فساد نبوده‌اند.

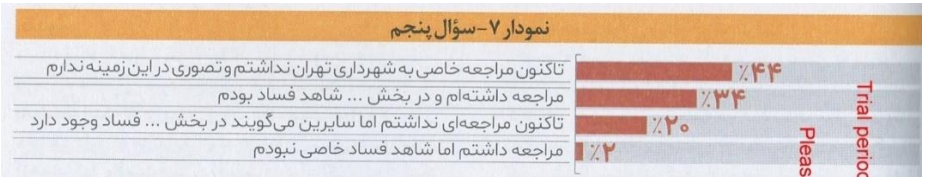

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تنها حدود یک سوم از مردم به صورت مستقیم و بدون واسطه شاهد و ناظر وقوع فساد در شهرداری تهران بوده اند و سایر افراد، صرفاً با توجه به آنچه رسانه ها و یا افراد دیگر گفته‌اند، معتقدند که در شهرداری تهران فساد وجود دارد. این مسئله ضرورت توجه به اهمیت رسانه ها در راهبری و مدیریت افکار عمومی را گوشزد می‌کند. شفافیت و ارائه اطلاعات درست به مردم در کنار مبارزه با شایعات بی اساس می‌تواند جلوی شکل گرفتن بسیاری از برداشت‌های غلط را در میان شهروندان بگیرد.

مسئله بعدی این است که تجربه مردم از فساد در شهرداری تهران، بیشتر به حوزه‌هایی بر می‌گردد که در حوزه زندگی روزمره آنها تعریف شده است؛ یعنی حوزه‌هایی نظیر ساخت و ساز و صدور مجوز در حوزه‌های مختلف. لذا چنانچه اولویت شهرداری، اصلاح تصور مردم در حوزه وضعیت فساد در شهرداری تهران است، باید توجه خود را در این قسمت متمرکز کند به عنوان مثال، ممکن است در حوزه‌هایی مثل حوزه‌های اداری، قراردادهای کلان، بخش‌های ستادی، مبادلات مالی و سایر حوزه ها هم فساد وجود داشته باشد اما آنچه که باعث شکل دادن به ادراک مردم از فساد در شهرداری تهران شده است، بیشتر حوزه‌هایی است که مردم با آن به صورت روزمره در ارتباط هستند؛ بنابراین این حوزه‌ها باید در اولویت مبارزه با فساد قرار گیرند.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که مقابله با فساد، در کنار اتخاذ سیاست یا راهبرد رسانه‌ای مناسب، نیازمند به کارگیری راهکارهای قانونی، مدیریتی و ساختاری است. باید شکل تجربه و نحوه تماس افراد با سیستم یا محیط پیرامون ایشان به نحوی باشد که کاملا احساس کنند که تغییری شکل گرفته و مثلا فساد کاهش یافته است. در غیر این صورت رسانه هر قدر تلاش

کند مفهوم یا مفاهیمی را به مخاطب انتقال دهد، چنانچه مخاطب این مفاهیم را در زندگی روزمره خودش نبیند یا لمس نکند، امکان اقناع و اثرگذاری بر وی را نخواهد داشت.

پژوهش ادراک فساد: مرحله دوم (مندرج در ویژه نامه همشهری ۱۴۰۱)

مسئله فساد به عنوان یکی از مشکلات و موضوعات جدی مطرح در حوزه حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است. واقعیت فساد به واسطه اینکه امری پنهان و پوشیده است، ابعاد و لایه های مختلفی دارد که هر کدام نیازمند بحث و بررسی مفصل است. آنچه در کنار واقعیت فساد اهمیت دارد، ادراک مردم از فساد است؛ یعنی مردم چه برداشتی از کیفیت و کمیت فساد در جامعه به ویژه در دستگاه‌های اجرایی و نظارتی دارند. این مسئله بر مشروعیت نظام حاکم بر کشور اثر گذار است؛ چراکه اگر مردم به صحت و صداقت تصمیمات اتخاذ شده و بر حسن نیت کارگزاران و مسئولان کشور اعتقادی نداشته باشند در عمل، مشارکت ایشان در اداره کشور به حداقل می‌رسد و کمترین همراهی و همکاری بین مردم و مسئولان شکل خواهد گرفت.

با توجه به اهمیت مفهوم ادراک فساد و نقشی که می‌تواند بر اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندی داشته باشد، تصمیم گرفتیم تا به بررسی وضعیت ادراک فساد در میان شهروندان تهرانی بپردازیم به این منظور پرسشنامه ای شامل ۶ سؤال تدوین شد تا مسئله ادراک فساد در میان شهروندان شهر تهران از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در این نظر سنجی، ۶۲۹ نفر از شهروندان تهرانی از مناطق ۲۲ گانه تهران شرکت کردند. سؤالات به صورت بسته طراحی شده بود اما در تمامی سؤالات گزینه ای نیز به نام گزینه «سایر قرار گرفت تا سایر پاسخ‌ها نیز ثبت و در نهایت تحلیل شوند گزارش این پژوهش در ادامه ارائه می‌شود.

تحصیلات پاسخگویان

تحصیلات پاسخگویان بدین شکل است که ۵۱ درصد در مقاطع دیپلم و زیردیپلم، ۴۱ درصد در مقاطع فوق‌دیپلم تا لیسانس و ۸ درصد نیز در مقاطع فوق‌لیسانس و دکترا تحصیل کرده بودند.

سؤال اول: از بین گزینه های زیر کدام مورد را ترجیح می‌دهید؟

۱- مدیر کارآمد اما فاسد

۲- مدیر ناکار آمد اما سالم

۳- سایر موارد

پاسخ‌ها نشان داد که مدیر ناکارآمد ولی سالم با فراوانی ۲۶ درصد و مدیر کارآمد اما فاسد با فراوانی ۱۰ درصد، توسط پاسخگویان انتخاب شدند. همچنین یافته‌ها نشان داد که گزینه سایر موارد با فراوانی ۶۴ درصد، بیشترین مقبولیت را از سوی پاسخگویان دارد.

از میان پاسخ های ارائه شده، ۶۴ درصد پاسخگویان گزینه سایر موارد را انتخاب کرده اند. دسته بندی مهمترین پاسخ های دریافت شده گزینه سایر وموارد به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. پاسخ های گزینه سایر در سوال اول

ردیف	مقوله	فراوانی
۱	هیچ کدام	۲۲۴
۲	مدیر کارآمد و سالم	۱۱۶

سؤال دوم: اگر در سال‌های اخیر متوجه وجود فساد در شهرداری تهران شده اید، چگونه از این مسئله اطلاع پیدا کرده اید؟

۵۲ درصد از پاسخگویان از طریق رسانه‌ها و شبکه های اجتماعی نسبت به وجود فساد در شهرداری تهران اطلاع پیدا کرده اند. ۲۹ درصد از طریق تجربه شخصی و ۱۹ درصد افراد نیز از سایر روشها نسبت به وجود فساد در شهرداری تهران اطلاع یافته بودند. در این پژوهش نیز، یافته های پژوهش قبلی تکرار شد به آن معنا که یک سوم از پاسخ گویان به صورت مستقیم فساد را در شهرداری تهران تجربه کرده اند اما سایر افراد، به شکلی غیرمستقیم و با واسطه نسبت به وجود فساد در شهرداری تهران اطلاع یافته بودند یعنی خود این افراد، فساد را به صورت مستقیم در شهرداری تهران ندیده بودند.

سؤال سوم: به نظر شما اگر مبارزه با فساد واقعی باشد بیشتر باید چه نتیجه عینی و ملموسی داشته باشد؟

پاسخ‌ها نشان داد ۳۸ درصد پاسخگویان، کاهش مشکلات روزمره مردم را نتیجه عینی مبارزه واقعی با فساد می دانند، همچنین ۱۷ درصد پاسخگویان معتقدند که جلوگیری از تضییع بیت المال، نتیجه مبارزه واقعی با فساد است. ۱۵ درصد پاسخگویان نیز کاهش اعتراضات اجتماعی و ۸ درصد، افزایش مشارکت در انتخابات را نتیجه مبارزه واقعی با فساد می‌دانند. شایان ذکر است که ۲۲ درصد پاسخ دهندگان به گزینه سایر موارد اشاره کرده اند.

سؤال چهارم: به نظر شما مشکلات عمده مردم از جمله آلودگی، ترافیک، تورم، آسیب‌های اجتماعی و سایر مشکلات ناشی از چیست؟

یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۵۷ درصد از پاسخگویان، سوء مدیریت را علت مشکلات مختلف مردم می‌دانند، ۲۸ درصد فساد مسئولان را عامل اصلی مشکلات مردم بر می شمارند. ۱۵ درصد پاسخ دهندگان نیز به گزینه سایر موارد اشاره کرده اند.

سؤال پنجم: به نظر شما چرا علی رغم تلاش‌های فراوانی که در سالهای اخیر برای مبارزه با فساد صورت گرفته، همچنان عده ای از مردم معتقدند که نرخ فساد در جامعه بالاست؟

در این نظر سنجی، ۳۰ درصد پاسخ دهندگان، عدم بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم را عامل بالا بودن ادراک فساد در جامعه می‌دانند. ۱۷ درصد افراد معتقدند تلاش‌هایی که برای مبارزه با فساد صورت گرفته کافی نیست و فساد بیشتر شده است. ۱۶ درصد افراد بی اعتمادی مردم نسبت به دستگاه‌های اجرایی و نظارتی را عامل بالا بودن ادراک فساد در جامعه می‌دانند. ۵ درصد از پاسخ دهندگان، عدم انعکاس تلاش‌هایی که برای مبارزه با فساد در رسانه‌ها صورت گرفته را عامل بالا بودن ادراک فساد می‌دانند. ۲ درصد پاسخ دهندگان فشار رسانه های منتقد و مخالف داخلی و خارجی را عامل بالا بودن ادراک فساد در جامعه می‌دانند. ۳۰ درصد پاسخگویان نیز به گزینه سایر موارد اشاره کرده اند.

نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش، مهمترین نتایجی که از این تحقیق به دست می آید، به شرح ذیل است:

۱- آنچه ما در این پژوهش دنبال می‌کردیم، بررسی وضعیت ادراک فساد در میان شهروندان تهرانی بود. ما در پژوهش پیشین از مردم پرسیده بودیم که به نظر آنها، فساد در شهرداری تهران تا چه میزان وجود دارد؟ پاسخ ۷۹ درصد مردم این بود در شهرداری تهران، فساد به میزان زیاد و خیلی زیاد وجود دارد. در آن نظرسنجی، ۳۴ درصد مردم پاسخ داده بودند که به صورت مستقیم و براساس تجربه شخصی از وجود فساد در شهرداری تهران مطلع شده اند. در این نظرسنجی نیز مجدداً این سؤال را تکرار کردیم و این دفعه، ۲۹ درصد مردم عنوان کردند که از طریق تجربه مستقیم از وجود فساد در شهرداری تهران اطلاع یافته بودند. اگر این دو نظر سنجی را ملاک ارزیابی و بررسی میزان وضعیت فساد در شهرداری تهران قرار بدهیم، به صورت میانگین باید گفت که ۳۱/۵ درصد مردم، تجربه مستقیمی از فساد در شهرداری تهران داشته اند که اگر این عدد را از ۷۹ درصد (عدد میزان فساد در شهرداری تهران) کم کنیم، فاصله بین ادراک فساد و واقعیت فساد در شهرداری تهران ۴۷/۵ درصد است. یعنی واقعیت فساد با ادراک فساد در شهرداری تهران ۴۷/۵ درصد فاصله دارد.

۲- این نتیجه با نتایج سایر پژوهش‌ها که فاصله بین ادراک فساد و واقعیت فساد را در کشور تا حدود ۶۰ درصد نیز برآورد می کنند، تقریبا مشابهت دارد.

۳ - نکته مهم دیگر این است که در فرهنگ سیاسی ما، همچنان اهمیت اخلاق از کارآمدی بیشتر است به همین خاطر هم در نزد مردم، مدیر ناکارآمد ولی سالم، از مدیر کارآمد ولی فاسد، جایگاه بالاتری دارد. شاید هم علت دیگر این باشد که مردم، آسیب و زیان مدیر ناکارآمد ولی سالم را کمتر از مدیر کارآمد ولی فاسد ارزیابی می‌کنند.

۴ -نکته دیگر این است که ۵۷ درصد مردم معتقدند که علت مشکلات و مسائل کشور، ناکارآمدی و سوء مدیریت است و فساد در تحلیل ایشان در این مورد، فقط ۲۸ درصد اهمیت دارد.

۵- حدود ۳۸ درصد پاسخگویان معتقدند که مبارزه با فساد، باید به کاهش مشکلات روزمره مردم منتهی شود؛ یعنی باید مردم ثمره عملی مبارزه با فساد را در زندگی خود مشاهده کنند. به همین خاطر هم هست که بخش قابل توجهی از مردم، مبارزه با فساد توسط دستگاه‌های مختلف

را یا باور نکردند یا کافی ندانستند؛ چون معتقد بودند که نتیجه ای عینی از این مبارزه با فساد بر زندگی و معیشت مردم ملاحظه نشده و فساد همچنان در کشور وجود دارد.

روند پژوهی ادراک فساد (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری)

در این بخش به مطالعه و بررسی روند ادراک فساد در میان تحقیقات و پژوهش‌های مختلف می‌پردازیم برای بررسی این موضوع داده ها و اطلاعات موجود مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی، مشخص شد که مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در این خصوص در سال ۱۳۹۷ یک مطالعه انجام داده است که در آن، میزان ادراک فساد در سال‌های مختلف به صورت کلی و همچنین میزان ادراک فساد به تفکیک سازمان مورد بررسی قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که این خود یک جمع بندی و تحلیل از میان سایر پژوهش‌هایی است که در سالهای مختلف در حوزه ادراک فساد به انجام رسیده است. یافته‌های این پژوهشها به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱. ادراک فساد در سالهای مختلف

سال مورد بررسی	سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۹	سال ۱۳۹۱	سال ۱۳۹۵
ادراک فساد	۶۳/۷	۷۳/۵	۸۰/۳	۸۸/۶۷

آنچه که از این مطالعه مشخص می‌شود این است که ادراک فساد در فاصله زمانی نزدیک به ۱۰ سال حدود ۲۵ درصد افزایش یافته و از حدود ۶۴ درصد به حدود ۸۹ درصد رسیده است. همچنین طبق همین پژوهش ادراک فساد مردم نسبت به شهرداری تهران از حدود۶۳ درصد در سال۱۳۸۸ به حدود ۸۵ درصد در سال ۱۳۹۵ است. می توان این روند را به شکل نمودار زیر نشان داد.

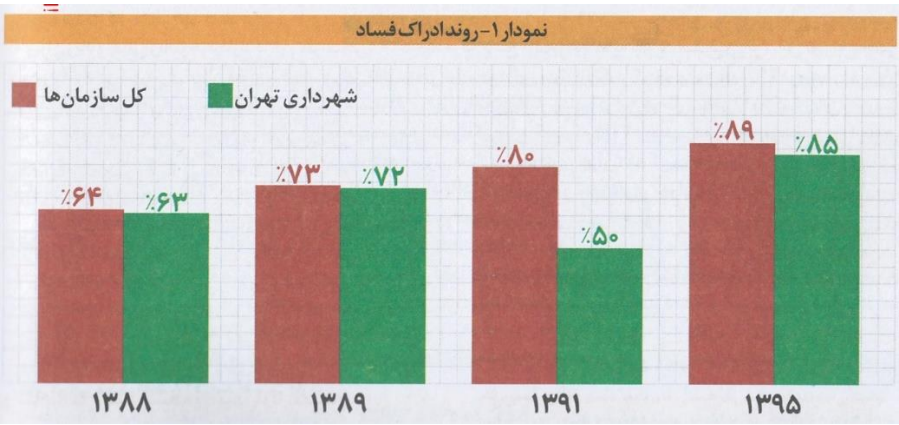

شایان ذکر است که این مسئله با یافته های موسسه شفافیت بین الملل که هر سال گزارشی را در خصوص وضعیت ادراک فساد در کشورهای مختلف منتشر می‌کند نیز همخوانی دارد. طبق این گزارش، وضعیت ادراک فساد در ایران رو به رشد است؛ به طوری که ایران در سال ۲۰۰۳ در رتبه ۷۸ از میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی از جنبه ادراک فساد قرار داشت و در سال ۲۰۲۰ به رتبه ۱۴۹ از میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی رسید؛ یعنی ادراک فساد در طول نزدیک به ۲۰ سال، رشدی حدود ۹۰ درصد داشته است.

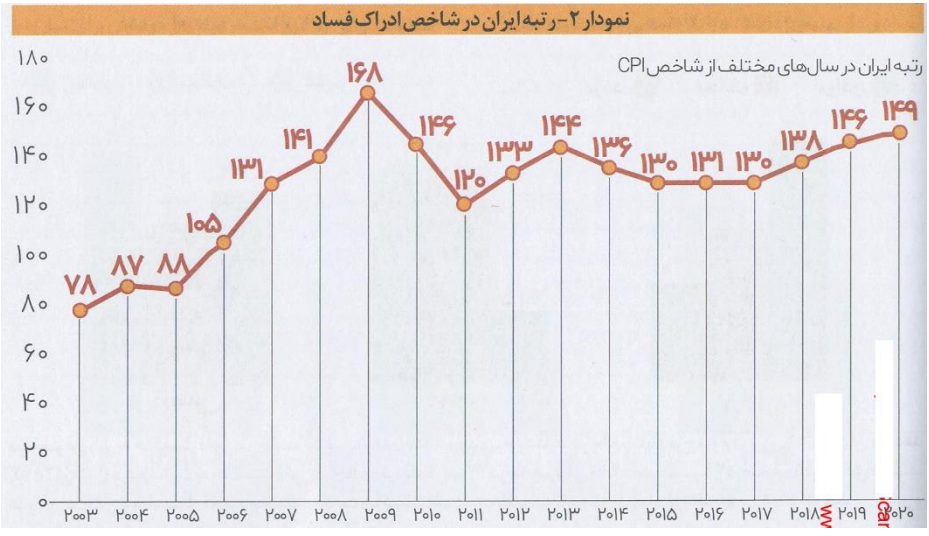

در کنار یافته‌های پژوهش‌های فوق پژوهش دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفت پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در ۳ موج در سالهای ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ انجام شده است، به بررسی شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در کشور پرداخته است.

در این پژوهش‌ها تعدادی از سؤالات مرتبط با بحث ادراک فساد طی هر سه موج از مردم پرسیده شده است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به بحث فساد و ادراک فساد در کشور اشاره دارد این سوالات به شرح زیر هستند:

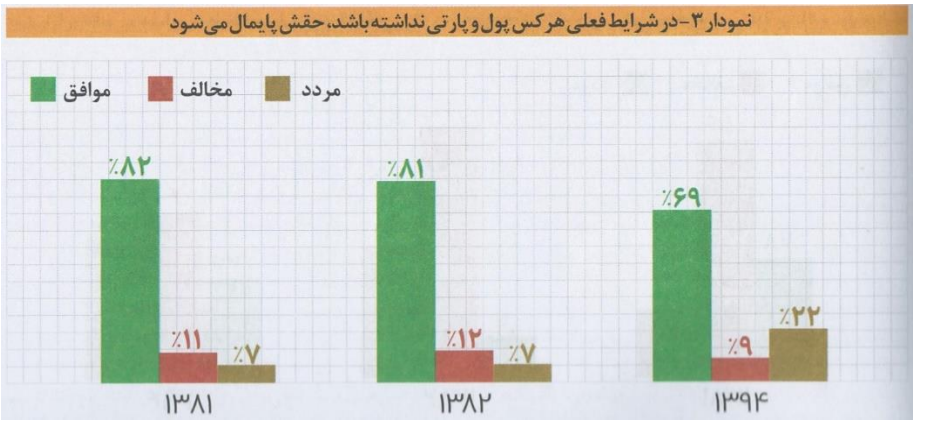

آنچه در نمودار فوق مشخص است این است که اعتقاد به برابری و عدالت در میان مردم بسیار محدود بوده و در طول سال های مختلف، وضعیت آن تغییری نکرده است.

در سال ۱۳۹۴، حدود ۹۱ درصد مردم یا به وجود برابری و عدالت در جامعه بی اعتقاد هستند یا نسبت به آن تردید دارند.

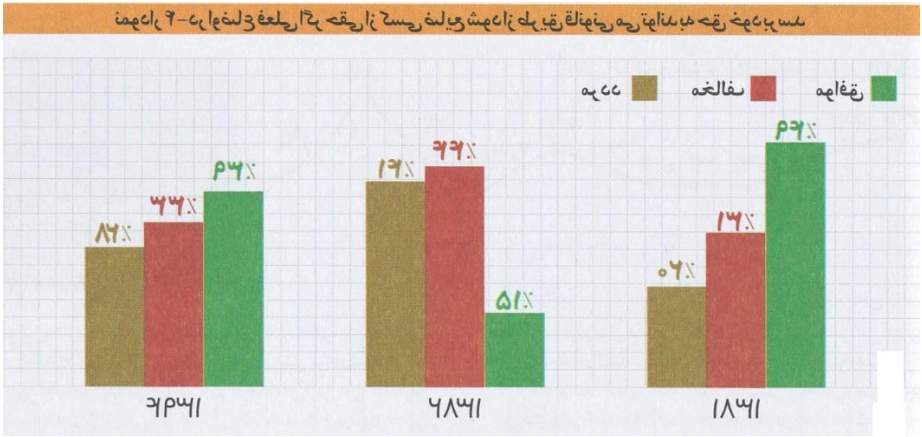

در خصوص باور به حاکمیت قانون در جامعه نیز بین مردم، اختلاف جدی وجود دارد. در واقع، نتایج موج سوم در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از مردم نسبت به حاکمیت قانون در جامعه تردید دارند، ۳۳ درصد هم با آن مخالف هستند و ۳۹ درصد هم با آن موافق هستند. در واقع این بدان معناست که مردم نسبت به بحث حاکمیت قانون در جامعه، به ۳ دسته تقریباً برابر تقسیم می‌شوند لذا تصمیم گیری و سیاستگذاری در این بخش بسیار دشوار و پیچیده است.

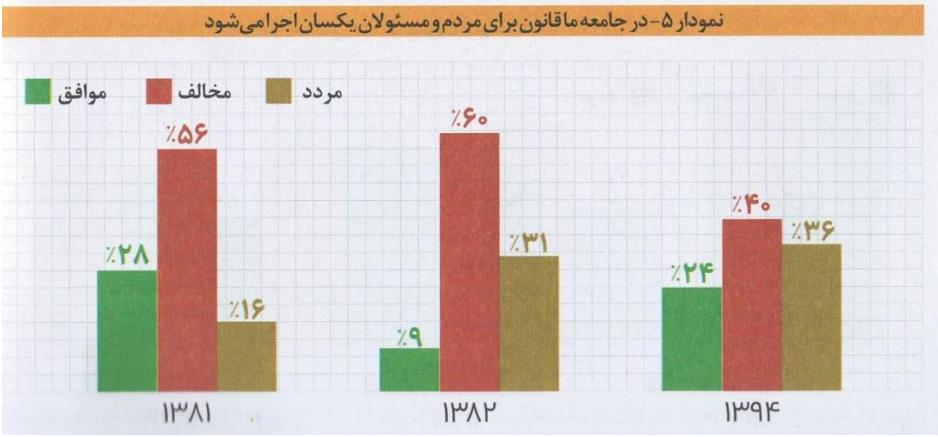

یافته‌های پیمایش نشان می‌دهد که باورمندی به برابری همگان در برابر قانون هیچگاه از ۲۸ درصد تجاوز نکرده است؛ در حالی که نقطه مخالف آن یعنی تردید یا بی اعتقادی نسبت به برابری

قانون برای همه از ۷۲ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۷۶ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. این خود نشان دهنده شکل دیگری از ادراک فساد در کشور است.

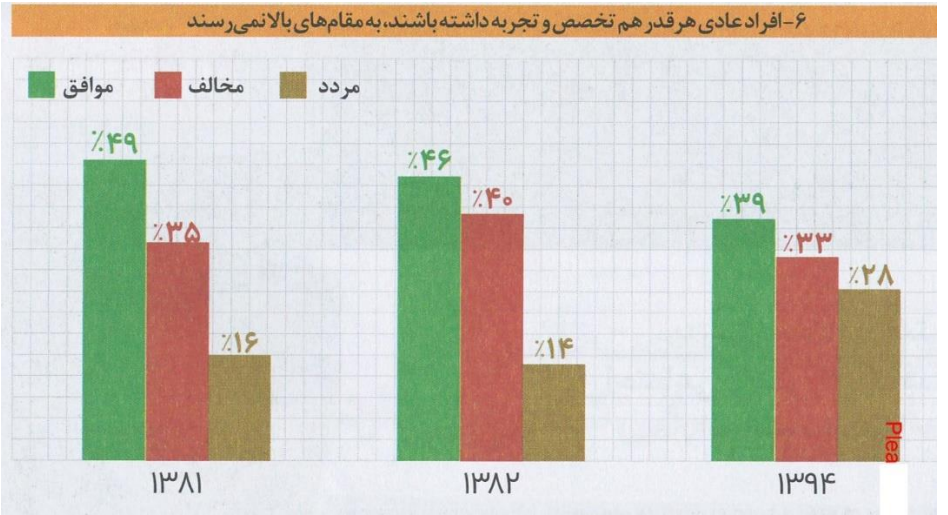

این سؤال هم به مسئله شایسته سالاری در میان مردم توجه دارد. در خصوص این مسئله نیز به نظر می‌رسد در جامعه نوعی شکاف وجود دارد. طبق نظر سنجی موج سوم، ۲۸ درصد مردم نسبت به نقض شایسته سالاری در جامعه تردید دارند، ۳۳ درصد با آن مخالف بوده و ۳۹ درصد نیز با آن موافق هستند؛ یعنی جامعه در این حوزه نیز به ۳ بخش که هر کدام حدود یک سوم جمعیت را تشکیل می‌دهند، تقسیم بندی و طبقه بندی می‌شود.

منابع:

منابع اینترنتی :

https://kayhan.ir/fa/news/181441/%D8%B4%DB%8C%D9%88%D9%87%E2%80%8C

کتاب‌ها:

۱- راه های مبارزه با فساد دولت ها (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد) ۱۳۹۶

۲ - ارزیابی راهبرد ها در سازمان های ضد فساد (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد) ۱۳۹۶

۳- فساد، مبارزه با فساد و حکمرانی (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد) ۱۳۹۶

۴- سرطان اجتماعی فساد : رفیع پور فرامرز ، ۱۳۹۸

۵- مجله همشهری ماه : ۱۴۰۲

۶- فساد اقتصادی در کلام ولایت : صیدی ، مهدی : ۱۳۹۸

یادداشت

میدان مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی، کمتر از میدان جهاد با دشمن مهاجم مسلح نیست. اتفاقا این کار، ظریفتر هم هست؛ چون دشمن مسلح را همه می‌بینند، می شناسند و دشمنی او را قبول می‌کنند؛ اما دشمنان مفسد را - چه در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و چه زمینه‌های فرهنگی و غیره - نمی‌شناسند، و دشمنی‌شان را تصدیق نمی‌کنند و ای بسا از آنها حمایت هم می کنند. اینها ضررشان مانند ضرر موریانه است. ظاهر بنا، سالم؛ اما باطن بتدریج رو به پوسیدگی است. کاری که اینها می کنند، این است. لذا واقعا کارتان یک جهاد است.

مقام معظم رهبری ۱۳۸۰/۱۰/۲۶

@gharargahmelli

fesadsetiz.ir